

پایه‌های ایمان کامل

(مختصر شعب الایمان امام بیهقی رحمته)

مؤلف:

امام بیهقی رحمته

اختصار کننده:

عمر بن عبدالرحمن ابوالمعالی

ترجمه و تخریج احادیث و اضافات:

پدرام اندایش

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
مقدمه مترجم:	۸
پایه‌های ایمان کامل	۹
اولین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به خداوند ﷻ	۹
دومین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به [تمامی] پیامبران خداوند	۱۰
سومین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به ملائکه است.	۱۱
چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به قرآن و تمام کتب آسمانی است که قبل از آن نازل شده است.	۱۱
پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به قضا و قدر و خیر و شر آن است که از طرف الله تعالی می‌باشد.	۱۲
ششمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به روز قیامت می‌باشد.	۱۲
هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به زنده شدن بعد از مرگ	۱۴
هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به جمع و حشر شدن انسان‌ها بعد از برانگیخته شدن آن‌ها از قبرهای‌شان.	۱۴
نهمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به سرمنزله مؤمنین و جایگاه‌شان در بهشت و سرمنزله کافرین و جایگاه‌شان در آتش جهنم.	۱۵
دهمین پایه از پایه‌های ایمان: واجب بودن دوست داشتن الله ﷻ	۱۶
یازدهمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به واجب بودن ترس از الله ﷻ می‌باشد.	۱۷
دوازدهمین پایه از پایه‌های ایمان: امید داشتن به الله ﷻ	۱۹
سیزدهمین پایه از پایه‌های ایمان: توکل بر الله ﷻ	۲۱

- چهاردهمین پایه از پایه‌های ایمان: دوست داشتن پیامبر ﷺ ۲۴
- پانزدهمین پایه از پایه‌های ایمان: وجوب عظیم شمردن پیامبر ﷺ و اجلال و بزرگ کردن وی ﷺ ۲۵
- شانزدهمین پایه از پایه‌های ایمان: حرص شخص به دینش تا آنجا که به جهنم رفتن برای او دوست داشتنیتر از کافر شدن باشد ۲۵
- هفدهمین پایه از پایه‌های ایمان ۲۶
- هجدهمین پایه از پایه‌های ایمان: نشر علم ۲۸
- نوزدهمین پایه از پایه‌های ایمان ۳۰
- بیستمین پایه از پایه‌های ایمان: پاکیزگی ۳۲
- بیست و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: نمازهای پنجگانه واجب ۳۳
- بیست و دومین پایه از پایه‌های ایمان: پرداخت زکات ۳۵
- بیست و سومین پایه از پایه‌های ایمان: روزه ۳۷
- بیست و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: اعتکاف [در مساجد] ۳۸
- بیست و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: حج [در صورت توانایی] ۳۸
- بیست و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: جهاد ۳۹
- بیست و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: رباط (نگهبانی دادن از ترس هجوم دشمن) ... ۴۰
- بیست و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: استقامت در برابر دشمن و فرار نکردن از میدان جنگ ۴۱
- بیست و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: دادن خمس از غنیمت جنگی ۴۲
- سیمین پایه از پایه‌های ایمان: آزاد کردن برده به نیت تقرب به خداوند ﷻ ۴۳
- سی و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: ادا نمودن کفاره‌ها ۴۳
- سی و دومین پایه از پایه‌های ایمان: پایبند بودن به قراردادها ۴۴

- سی و سومین پایه از پایه‌های ایمان: شمردن نعمت‌های خداوند ﷻ و واجب بودن شکرگذاری از آنها..... ۴۵
- سی و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: حفظ زبان است..... ۴۷
- سی و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: امانت داری و واجب بودن برگرداندن امانت به اهلش..... ۴۹
- سی و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: حرام شمردن کشتن اشخاص و جنایت بر علیه آنها..... ۵۰
- سی و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: کنترل شهوت و واجب بودن داشتن عفاف..... ۵۰
- سی و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: اجتناب از هر آنچه که حرام شده است..... ۵۱
- سی و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: دوری جستن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حرام..... ۵۲
- چهلیمین پایه از پایه‌های ایمان: حرام دانستن و نپوشیدن لباس‌هایی که زشت شمرده شده‌اند و ظرف و ظروفی که استفاده از آن حرام شده است..... ۶۲
- چهل و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: اجتناب کردن از بازی‌ها و تفریحاتی که شریعت از آن منع نموده است..... ۶۳
- چهل و دومین پایه از پایه‌های ایمان: میانه روی در انفاق و اجتناب از خوردن مال از راه باطل..... ۶۳
- چهل و سومین پایه از پایه‌های ایمان: ترک حسادت..... ۶۴
- چهل و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: رعایت ارتباط با مردم..... ۶۵
- چهل و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: اخلاص عمل به الله تعالی و اجتناب از ریا..... ۶۶
- چهل و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: خوشحال شدن با انجام کارهای نیک و غمگین شدن در انجام دادن کارهای زشت..... ۶۹
- چهل و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: پاک کردن تمام گناهان با توبه..... ۷۰

- چهل و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: قربانی کردن و عقیقه گرفتن..... ۷۰
- چهل و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: اطاعت از ولات امر مسلمان..... ۷۱
- پنجاهمین پایه از پایه‌های ایمان: تمسک به آنچه که جماعت نامیده میشود..... ۷۲
- پنجاه و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: حکم کردن بین انسان‌ها به عدالت..... ۷۲
- پنجاه و دومین پایه از پایه‌های ایمان: امر به نیکی و دور کردن مردم از بدی..... ۷۳
- پنجاه و سومین پایه از پایه‌های ایمان: همکاری در کار نیک و پرهیزکاری..... ۷۶
- پنجاه و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: حیا..... ۷۶
- پنجاه و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: نیکی به پدر و مادر..... ۷۷
- پنجاه و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: صله رحم و ارتباط خویشاوندی..... ۷۸
- پنجاه و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: اخلاق نیک..... ۷۹
- پنجاه و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: نیکی کردن به مُلک یمین..... ۸۱
- پنجاه و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: رعایت حق سرور توسط مُلک یمین..... ۸۲
- شصتمین پایه از پایه‌های ایمان: رعایت حقوق اولاد و همسر..... ۸۳
- شصت و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: همنشینی با اهل دین و دوست داشتنشان و انتشار سلام بین آنها و دست دادن [هنگام ملاقات] و هر آنچه که بین آنها محبت ایجاد میکند..... ۸۳
- شصت و دومین پایه از پایه‌های ایمان: جواب سلام..... ۸۴
- شصت و سومین پایه از پایه‌های ایمان: عیادت مریض..... ۸۵
- شصت و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: بجا آوردن نماز میت برای کسی از اهل قبله که فوت کرده باشد..... ۸۵
- شصت و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: جواب عطسه..... ۸۶
- شصت و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: دوری از کافران و مفسدین و تندی کردن با آنها..... ۸۶

- شصت و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: گرامی داشتن همسایه و رعایت حقوق آن: ۸۸
- شصت و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: گرامی داشتن مهمان: ۸۹
- شصت و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: پوشاندن عیوب اهل گناه: ۹۰
- هفتادمین پایه از پایه‌های ایمان: صبر بر مشکلات و صبر بر مسائل بدی که نفس به آنها امر میکند، مانند لذت و شهوت: ۹۱
- هفتاد و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: زهد و کوتاه کردن آرزو[های دنیوی]: ۹۲
- هفتاد و دومین پایه از پایه‌های ایمان: غیرت داشتن و ترک بیناموسی: ۹۳
- هفتاد و سومین پایه از پایه‌های ایمان: روی برگرداندن از سخن بیهوده: ۹۴
- هفتاد و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: بخشنده‌گی و دست و دلبازی: ۹۵
- هفتاد و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: محبت کردن به کوچکتر و احترام به بزرگ‌تر: ۹۶
- هفتاد و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: اصلاح ارتباط بین مردم: ۹۷
- هفتاد و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: شخص چیزی را که برای خود دوست دارد برای برادر مسلمان خود نیز دوست داشته: ۹۸
- منابعی که در ترجمه از آنان استفاده نمودم: ۹۹

مقدمه مترجم:

به نام خداوندی شروع می‌کنم که به جز او هیچ پرستش شونده بر حقی وجود ندارد و محمد ﷺ - دلسوز در دعوت و شمشیر در کارزار - بنده و فرستاده وی می‌باشد؛ خداوندی که ما را در زمین قرار داد و حق و باطل را آفرید تا ما بندگان را مورد آزمایش قرار بدهد؛ گروهی پیروز از این آزمایش‌ها بیرون آمده و جزو مؤمنین قرار می‌گیرند و گروهی کوتاهی کرده و اندک باری با خود حمل می‌کنند و مسلمان از این دنیا می‌روند و گروه سوم که کافر از این دنیا رفته و تا ابد در عذاب الهی گرفتار می‌مانند؛ این کتاب از این حیث انتخاب و ترجمه نمودم که خود و دیگر مسلمانان را، با توکل به خدا از اسلام به ایمان دعوت دهم تا ان شاء الله اگر خداوند ﷻ توفیق دهد همگی با هم در بهشت‌هایی قرار بگیریم که نه سختی در آن وجود دارد و نه خستگی و تا ابد دهر اهل آن در مسرت و خوشی زندگی خواهد کرد.

پایه‌های ایمان کامل

اولین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به خداوند ﷻ

زیرا خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿...وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامِنٌ بِاللَّهِ...﴾ [البقرة: ۲۸۵]. «... و مؤمنین همگی به خداوند و... ایمان دارند...»^۱. همچنین می‌فرماید: ﴿...يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [النساء: ۱۳۶]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید به خداوند و...». در سیاق همین آیه حدیثی آورده شده است از ابوهریره رضی الله عنه که پیام‌آور خداوند ﷻ فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَمَنْ قَالَهَا فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ»^۲. «به من امر شده که با انسان‌ها بجنگم تا اینکه بگویند هیچ پرستش‌شونده برحق جز الله وجود ندارد؛ و هر کس که این سخن را به زبان آورد، جان و مال وی از من در امان می‌ماند مگر آنکه در حق و حساب او چیزی بر الله تعالی وجود داشته باشد [مثل جرم‌هایی که برای آنها حد شرعی وجود داشته باشد، مانند دزدی و زنا و...]». حدیث عثمان بن عفان رضی الله عنه که از فرستاده خداوند ﷻ روایت می‌کند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۳. «کسی که بمیرد در حالی که بداند هیچ معبودی بر حق جز الله نیست داخل بهشت می‌شود»^۱.

۱- ﴿ءَامِنٌ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامِنٌ بِاللَّهِ وَمَلَكِيَّتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵]. «پیامبر به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است، و مؤمنان (نیز) همه به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند. (و گفتند): «میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت به سوی توست» در این آیه خداوند بعضی صفات مومنین را بیان می‌دارد از جمله ایمان به خداوند ﷻ و ملائکه وی و کتاب‌ها و پیامبرانش. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۱۳۹۹-۲۹۴۶-۶۹۲۴-۷۲۸۴-۷۲۸۵؛ صحیح مسلم: ۱۳۳-۱۳۴ و ...

۳- صحیح مسلم: ۱۴۵.

دومین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به [تمامی] پیامبران خداوند

زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿...وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَكَيْتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...﴾ [البقرة: ۲۸۵]. «... و مؤمنان (نیز) همه به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند».

و همچنین حدیثی که عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يَرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا. قَالَ صَدَقْتَ. قَالَ فَعَجَبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ. قَالَ «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ». قَالَ صَدَقْتَ. قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قَالَ «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ». قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ. قَالَ «مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ». قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا. قَالَ «أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا وَأَنْ تَرَى الْخُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوُلُونَ فِي الْبُنْيَانِ». قَالَ ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ لِي «يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ». قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ»^۱. «ما روزی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم، ناگهان مردی آمد که لباس وی به شدت سفید و دارای موی بسیار سیاهی بود و در وی اثری از مسافرت دیده نمی‌شد و کسی از ما نیز او را نمی‌شناخت؛ روبروی پیامبر صلی الله علیه و آله نشست و دو زانوی

۱- برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به مجموعه اندیشه اسلامی در پرتو کتاب و سنت، چاپ انتشارات حریم رجوع کنید.

۲- این حدیث توسط مترجم به کتاب اضافه شده است و نزد بسیاری از علماء در مقابل احادیث دیگر حکم سوره حمد را به دیگر سور قرآن دارد. صحیح بخاری: ۴۷۷۷. صحیح مسلم: ۱۰۲. سنن ابی داود: ۴۶۹۵. سنن نسائی: ۴۹۹۰. سنن ابن ماجه: ۶۳ و ۶۴.

خود را به دو زانوی وی چسباند و دستانش را بر روی دو زانوی پیامبر ﷺ قرار داد و گفت: ای محمد از اسلام به من خبر بده؛ پیامبر ﷺ در جواب فرمود: اسلام این است که گواهی دهی پرستش شونده بر حق جز الله وجود ندارد و محمد فرستاده الله می‌باشد و نماز برپای داری و زکات بدهی و ماه رمضان روزه بگیری و اگر در استطاعت بود به حج بروی. [مسافر] گفت: همانا تو راست گفتی. [راوی] گفت: از کار وی تعجب کردیم چطور سوال می‌پرسد و [همچنین جواب] آن را تصدیق می‌کند. [مسافر] گفت: از ایمان به من خبر بده. [پیامبر ﷺ] فرمود: این است که ایمان بیاوری به الله و ملائکش و کتاب‌هایش و فرستادگانش و روز قیامت و قضا و قدر و خیر و شر آن. [مسافر] گفت: راست گفتی، پس از احسان به من خبر بده. فرمود: الله را چنان عبادت کنی که انگار او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی وی تو را می‌بیند. گفت: از زمان قیامت به من خبر بده. فرمود: سوال شونده بیشتر از سوال کننده نمی‌داند. گفت: از نشان‌هایش برایم بگو. فرمود: مادر کنیز فرزندش شده و انسان‌های برهنه بر دنیا حکومت کرده و چوپانان در بلند کردن ساختمان‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند. سپس [مسافر] رفت و ناپدید شد. [پیامبر ﷺ] فرمود: ای عمر می‌دانی سوال کننده چه کسی بود؟ گفتم: الله و رسولش داناترند. فرمود: او جبرئیل علیه السلام بود آمد تا دین‌تان را به شما بیاموزد».

سومین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به ملائکه است.

و دلیل آن در آیه قرآن و حدیثی است که بیان شد.

چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به قرآن و تمام کتب آسمانی است که قبل از آن نازل شده است.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ...﴾ [النساء: ۱۳۶]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید به الله و فرستادگانش و کتابی که بر بنده‌اش نازل فرمود [قرآن] و کتابی که از قبل نازل کرده بود»، دلیل دیگر همان حدیثی است که بیان شد و به حدیث جبرئیل علیه السلام معروف است.

پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به قضا و قدر و خیر و شر آن است که از طرف الله تعالی می‌باشد.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ اللَّهِ...﴾ [النساء: ۷۸]. «بگو: همه‌اش از نزد الله می‌باشد». و دلیل دیگر حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «اَحْتَجَّ آدَمُ وَمُوسَى فَقَالَ لَهُ مُوسَى يَا آدَمُ أَنْتَ أَبُونَا خَيَّبْتَنَا وَأَخْرَجْتَنَا مِنَ الْجَنَّةِ قَالَ لَهُ آدَمُ يَا مُوسَى اصْطَفَاكَ اللَّهُ بِكَلَامِهِ وَخَطَّ لَكَ بِيَدِهِ أَتَلُومُنِي عَلَى أَمْرِ قَدَرَهُ اللَّهُ عَلَيَّ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَنِي بِأَرْبَعِينَ سَنَةً فَحَجَّ آدَمُ مُوسَى!». «حضرت آدم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام برای یکدیگر دلیل آوردند، و موسی به او گفت: ای آدم! تو پدر ما هستی، ما را خوار کردی و از بهشت بیرون نمودی، آدم به او فرمود: ای موسی! الله تو را با کلامش برگزید و برای تو [الواح] را با دستش نوشت؛ آیا مرا برای چیزی سرزنش می‌کنی که خداوند آنرا چهل سال قبل از خلقت من، آن را برایم تقدیر کرده بود، و آدم دلیل محکمی برای موسی آورد.»

با اسنادی که در اصل کتاب موجود است سروده موجود است که امام بیهقی رحمته الله آن را به ابوالفوارس جنید بن احمد الطبری نسبت داده است:

الْعَبْدُ ذُو ضَجَرٍ ، وَالرَّبُّ ذُو قَدَرٍ وَالِدَّهْرُ ذُو دَوْلٍ ، وَالرِّزْقُ مَقْسُومٌ
وَالْخَيْرُ أَجْمَعُ فِيمَا اخْتَارَ خَالِقُنَا وَفِي اخْتِيَارِ سِوَاهُ اللَّوْمُ وَالشُّومُ

«بنده در بی‌قراری و پروردگار صاحب تقدیر است، روزگار در فراز و نشیب و روزی تقسیم شده است، و خیر در چیزی است که خالق ما آن را برای ما انتخاب فرموده، و در اختیار ملامت و بدیمنی یکسان است.»

ششمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به روز قیامت می‌باشد

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ [التوبة:

۱- صحیح بخاری: ۳۴۰۹ - ۶۶۱۴ - ۷۵۱۵؛ صحیح مسلم: ۶۹۱۲ - ۶۹۱۴ - ۶۹۱۵؛ سنن ابی داود: ۴۷۰۱؛ سنن

ترمذی: ۲۱۳۴؛ سنن ابن ماجه: ۸۰

۲- شعب الإيمان: ۲۵۳.

۲۹]. «بجنگید با کسانی که به الله و روز قیامت ایمان نمی‌آوردند...». حلیمی رحمته الله علیه گفته است: معنای آن این است که بجز روزگار دنیا روزگار دیگری هم وجود دارد و دنیا تمام شدنی و این دنیا روزی فانی می‌شود، و باید به فانی شدن آن و همچنین شروع آن اعتراف نمود، زیرا [تقدیر] قدیمی است که تغییر ناپذیر است.

و در صحیحین از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَإِذَا طَلَعَتْ فَرَأَاهَا النَّاسُ آمَنُوا أَجْمَعُونَ فَذَلِكَ حِينَ... لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا...» وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ نَشَرَ الرَّجُلَانِ ثَوْبَهُمَا بَيْنَهُمَا فَلَا يَتَبَايَعَانِهِ وَلَا يَطْوِيَانِهِ وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ انْصَرَفَ الرَّجُلُ بِلَيْنٍ لِفَحْتِهِ فَلَا يَطْعَمُهُ وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَهُوَ يَلِيطُ حَوْضَهُ فَلَا يَسْقِي فِيهِ وَلَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَقَدْ رَفَعَ أَحَدُكُمْ أُكُلَتَهُ إِلَى فِيهِ فَلَا يَطْعَمُهَا^۱. «قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه خورشید از مغرب طلوع نماید؛ وقتی [از مغرب] طلوع می‌کند و مردم آن را می‌بینند همگی ایمان می‌آورند و آن وقتی است که «...کسی که از پیش ایمان نیاورده و یا خیری در ایمان آوردنش به دست نیاورده باشد، ایمانش به او سودی نمی‌بخشد...». [الأنعام: ۱۵۸] و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود در حالی که دو مردی که لباس آنها بین آن دو است نه فرصت فروختن آن را پیدا می‌کنند و نه فرصت تا زدن آن را خواهند داشت [یعنی ناگهانی است] و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود در حالی که مردی قصد [نوشیدن] شیر شترش را دارد و [فرصت نمی‌کند] آن را بنوشد و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود [بطوری که] مردی به حوض آبش چسبیده است و [فرصت نمی‌کند] از آن بنوشد و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود بطوری که شخصی از شما می‌خواهد لقمه‌ی غذای خود را به دهانش برساند و فرصت نمی‌کند آن را بخورد».

۱- این حدیث را با لفظی که اختصار کننده بدان اشاره نموده بود در هیچ کتابی پیدا نکردم و بجای آن از لفظ امام بخارایی (بخاری) استفاده کردم. صحیح بخاری: ۶۵۰۶-۷۱۲۱

هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به زنده شدن بعد از مرگ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشَاعُنُ...﴾ [التغابن: ۷]. «کافران می‌پنداشتند که هرگز [بعد از مرگ] زنده نمی‌شوند بگو: آری! و قسم به پروردگارم! به یقین زنده خواهید شد...». و همچنین الله تعالی فرموده است: ﴿قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ...﴾ [الجماعه: ۲۶]. «بگو: الله شما را زنده می‌فرماید سپس شما را می‌میراند و سپس در روزی که هیچ شک و دغدغه در [قبول] آن راه ندارد گرد می‌آورد...». و دلیل دیگر حدیث عمر بن الخطاب رضی الله عنه با سند صحیح: «الإيمان أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله والبعث من بعد الموت وبالقدر كله^۱». «ایمان آن است که ایمان بیاوری به الله و ملائکش و کتاب‌هایش و پیامبرانش و به زنده شدن پس از مرگ و به کل قضاء و قدر». [و همچنین حدیث دیگری که علی ابن ابی طالب رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌فرماید: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِأَرْبَعٍ: بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، وَبِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْقَدَرِ^۲». «بنده ایمان نمی‌آورد تا اینکه به چهار چیز ایمان داشته باشد: به وحدانیت الله و اینکه او شریکی ندارد و من رسول و فرستاده‌ی الله هستم و به زنده شدن بعد از مرگ و قضا و قدر [الهی]».

هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به جمع و حشر شدن انسان‌ها بعد از برانگیخته شدن آن‌ها از قبرهای‌شان.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ۖ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۚ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝﴾ [المطففين: ۴-۶]. «آیا اینان نمی‌دانند که دوباره زنده می‌شوند * در روزی [بس] بزرگ * روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند». و همچنین دلیل

۱- این حدیث در قبل به آن اشاره شده و با لفظ دیگری در اینجا آمده است.

۲- این حدیث را مترجم اضافه نموده است. سنن ترمذی: ۲۱۴۵؛ سنن ابن ماجه: ۸۱؛ و شیخ البانی آن را صحیح دانسته است.

دیگر حدیث عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌فرماید: «يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ حَتَّى يَغِيبَ أَحَدُهُمْ فِي رَشْحِهِ إِلَى أَنْصَافِ أَذُنَيْهِ». «روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند تا اینکه شخص در عرقی که تا نصفه گوشش می‌رسد، قرار می‌گیرد»^۱.

نهمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به سرمنزله مؤمنین و جایگاه‌شان در بهشت و سرمنزله کافرین و جایگاه‌شان در آتش جهنم.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾﴾ [البقرة: ۸۱-۸۲]. «آری! هر کس کار[های] بد انجام دهد و گناه[های]-ش او را احاطه کند نتیجه‌اش [این خواهد بود که] همنشین آتش جهنم شده و در آن جاودان می‌ماند * و کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند، ایشان همنشینان بهشتند و در آن جاودان خواهند ماند». و دلیل دیگر حدیث ابن عمر رضی الله عنهما در صحیحین می‌باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيُقَالُ هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲. «همانا هر کدام از شما که بمیرد، جایگاهش [در آخرت]، صبح و شام بر وی عرضه می‌شود، اگر وی از اهل بهشت باشد [جایگاهش] در بهشت و اگر از اهل آتش جهنم باشد، [جایگاهش] در جهنم؛ و به او گفته می‌شود این جایگاه تو است تا زمانی که الله تو را روز قیامت دوباره زنده گرداند».

۱- صحیح بخاری: ۴۹۳۸-۶۵۳۱؛ سنن ترمذی: ۲۴۲۲-۳۳۳۵-۳۳۳۶؛ سنن ابن ماجه: ۴۲۷۸؛ و آلبانی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۱۳۷۹-۳۲۴۰؛ صحیح مسلم: ۷۳۹۰-۷۳۹۱؛ سنن ترمذی: ۱۰۷۲؛ سنن ابن ماجه: ۴۲۷۰؛ و شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

دهمین پایه از پایه‌های ایمان: واجب بودن دوست داشتن الله ﷻ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...﴾ [البقرة: ۱۶۵]. «از بین انسان‌ها افرادی هستند که برای الله شریکانی بر می‌گزینند [و] آنها را به اندازه‌ی که الله را دوست دارند، دوست می‌دارند و [لی] کسانی که ایمان آورده‌اند در دوست داشتن الله شدیدترین می‌باشند».

و دلیل دیگر حدیث انس بن مالک رضی الله عنه در صحیحین است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَّفَ فِي النَّارِ».^۱ «سه چیز است که اگر در یک فرد باشد توسط آنها شیرینی ایمان را حس می‌کند، [اول:] الله و فرستاده‌اش از هر چیز دیگر به غیر از آنها، نزد فرد محبوبتر باشند، [دوم:] فرد مسلمان کسی را دوست نداشته باشد مگر به خاطر الله، [سوم:] از اینکه به کفر برگردد - در حالی که وی را از آن نجات داده است - برایش ناپسند باشد همان‌گونه که در آتش جهنم افتادن برای وی ناپسند است».

و درباره آن از بیهقی رحمته الله از جنید آورده است: مردی به سقطی گفت: حال تو چگونه است تا من برایت شعر سراپم؛ گفت:

مَنْ لَمْ يَيْتِ وَالْحُبُّ حَشْوُ فُؤَادِهِ لَمْ يَدْرِ كَيْفَ تَفَقُّتِ الْأَكْبَادِ

«کسی که شب کند و عشق از دل او سرازیر نشود، نخواهد دانست چگونه جگرها پاره پاره می‌شود».

و از او آمده است ابا دجانه گفت: چهار چیز است که اگر بر دوست داشتن غلبه کند می‌توانی آن [دوست داشتن] را اظهار نمایی

۱- صحیح بخاری: ۱۶-۲۱-۶۹۴۱؛ صحیح مسلم: ۱۷۴-۱۷۵؛ سنن ترمذی: ۲۶۲۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۰۳۳؛ و شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- شعب الإيمان: ۴۸۹.

تعصي الإله وأنت تظهر حبه^۱ هذا محال في القياس بدیع
لو كان حبك صادقاً لأطعته إن المحب لمن يحب مطیع

«از خدا نافرمانی می‌کنی در حالی که دوست داشتن وی را آشکار می‌نمایی این مسئله در افعال شگفت انگیز محال است، اگر دوست داشتن تو صادقانه باشد، پس همانا از وی اطاعت می‌کنی همانا دوست دارنده از کسی که دوستش دارد اطاعت می‌کند».

یازدهمین پایه از پایه‌های ایمان: ایمان به واجب بودن ترس از الله ﷻ می‌باشد.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۵].
«پس از آنها نترسید و از من بترسید اگر از مومنین هستید». همچنین می‌فرماید: ﴿...فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُونَ...﴾ [المائدة: ۴۴]. «... پس از انسان‌ها خشیه^۲ نداشته و از من خشیه داشته باشید...». و کلام دیگرش: ﴿...وَأَيُّيَ فَاَرْهَبُونَ...﴾ [البقرة: ۴۰]. «... و فقط از من بترسید». و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿...وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۸]. «و آنها(ملائک) از خشیه او(الله تعالی) بیمناک و ترسانند». و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَيَذْعُونَآ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشِيعِينَ﴾ [الأنبياء: ۹۰]. «و [بزرگانی که در آیات قبل به آنها اشاره شد] با امید و ترس ما را به فریاد می‌خواندند و نسبت به ما فروتن بودند». و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ [الرعد: ۲۱]. «و [اولی الألباب(صاحبان خرد)] از پروردگارشان خشیه داشته و از محاسبه بد می‌ترسند». و آیه دیگر: ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٦٦﴾﴾ [الرحمن: ۴۶]. «و برای کسی که از مقام پروردگارش می‌ترسد دو باغ در نظر گرفته‌ایم». و قوله تعالی: ﴿ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ﴾ [ابراهيم: ۱۴]. «این

۱- شعب الإيمان: ۴۹۲.

۲- خشیه به معنای ترس از ابهت و عظمت می‌باشد و نباید با خوف اشتباه گرفته شود.(مترجم)

[سرانجام نیکو که خداوند برای پیامبران و پیروانشان قرار داد] از آن کسانی است که از جاه و جلال من ترسیده و از تهدید من بهراسند»^۱.

و دلایل از سنت: حدیث عدی بن حاتم رضی الله عنه در صحیحین است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ»^۲. «از آتش جهنم تقوا پیشه کنید حتی اگر شده به اندازه [صدقه دادن] یک نصف خرما». و همچنین انس رضی الله عنه «وَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَصَحِجْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا». «اگر آنچه را که من [در باره آخرت] می‌دانم شما هم می‌دانستید، کمتر می‌خندید و بیشتر گریه می‌کردید».

بعضی از برادران مردی به خاطر طول کشیدن گریه او، وی را سرزنش نمودند او گریه خود را ادامه داد و گفت^۳:

بکیت علی الذنوب لعظم جرمي وحق لكل من يعصي البكاء
فلو كان البكاء يرد همي لأسعدت الدموع معا دماء
«برای گناهانی که دلالت بر عظمت جرم من دارند گریه کردم، و حق هر نافرمانی، گریه کردن می‌باشد، اگر گریه کردن غم و غصه را از بین می‌برد، با تبدیل شدن گریه به خون همانا خوشبخت خواهم بود».

عمر بن عبدالعزیز رحمته الله دهانش از این بیت ساکت نمی‌شد:

ولا خير في عيش امرئ لم يكن له من الله في دار القرار نصيب

۱- به غیر از این آیات، آیات بسیار دیگری وجود دارد که ترس از خداوند را لازم و واجب دانسته‌اند و کسی که از خداوند نهراسد یا عظمت او را نشناخته و یا به عذابش ایمان ندارد. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۱۴۱۳-۱۴۱۷-۶۰۲۳-۶۵۳۹-۶۵۴۰-۶۵۶۳-۷۵۱۲؛ صحیح مسلم: ۲۳۹۴-۲۳۹۵-۲۳۹۶-

۲۳۹۷؛ آلبانی در السلسلة الصحيحة: ۵۹۶/۲؛ سنن ترمذی: ۲۴۱۵؛ سنن نسائی: ۲۵۵۲؛ سنن ابن ماجه: ۱۸۵-

۱۸۴۳.

۳- شعب الإيمان: ۸۲۱.

۴- شعب الإيمان: ۹۸۰.

«کسی که برای او نصیبی در سرزمین استقرار (آخرت) وجود ندارد، هیچ خیری در زندگی او یافت نمی‌شود».

ابو الفتح البغدادی فریادِ فریاد زنده را که الشونیزیه را به فریاد می‌خواند، شنید:^۱
 وكيف تنام العين وهي قريرة ولم تدر في أي المحلين تنزل... فذهب عني النوم
 «چگونه چشم من بخوابد در حالی که آن به روشنی رسیده است، نمی‌داند در کدام محل استقرار می‌یابد (بهشت یا جهنم) و خواب از سرم پرید».

دوازدهمین پایه از پایه‌های ایمان: امید داشتن به الله ﷻ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مُحَذِّراً﴾ [الإسراء: ۵۷]. «...[پیامبران و صالحان و فرشتگانی که ایشان به فریاد می‌خوانند] به رحمت الله امیدوارند و از عذاب او می‌ترسند، بی‌گمان باید از عذاب پروردگارت بر حذر بود».
 و این سخن الله تعالی: ﴿...وَأَدْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأعراف: ۵۶]. «... الله را با ترس و امید بخوانید، همانا رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است».
 و همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر: ۵۳]. «بگو: ای بندگان من که [با گناهان] بر خود اسراف کرده‌اید! از رحمت الله ناامید نشوید، به راستی که الله همه گناهان را می‌آمرزد، چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است». و نیز الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۴۸] و ۱۱۶. «بی‌گمان الله شرک به خود را نمی‌بخشد و گناهان پایین‌تر از آن را برای هر که بخواهد، می‌بخشد...».

و دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهِ أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ مَا قَنِطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ».^۱ «اگر مؤمن از آنچه از عذاب و عقوبت نزد الله است خبر می‌داشت کسی پیدا نمی‌شد که طمع به بهشت داشته باشد [یعنی فرار از جهنم را برای خود کافی می‌دانست] و اگر کافر از آنچه از رحمت پروردگار [در بهشت] است خبر می‌داشت کسی پیدا نمی‌شد که از رفتن به بهشت نا امید بشود». و دلیل دیگر از سنت: حدیث جابر رضی الله عنه فی صحیح مسلم «لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ بِاللَّهِ الظَّنَّ».^۲ «کسی از شما نمیرد مگر آنکه به الله صلی الله علیه و آله حُسنِ ظن داشته باشد». و حدیث ابی هریره در صحیحین که پیامبر فرمود: الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ بِشِيرٍ تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا وَإِنْ أَتَانِي يَمْسِيهِ أَتَيْتُهُ هَرُولَةً».^۳ «من تقریبا همانگونه هستم که بنده من به من گمان می‌ورزد، و من همراه وی هستم مادامی که مرا ذکر می‌گوید، چنانچه در درونش مرا یاد کند من نیز در درونم او را یاد می‌کنم و اگر در جمعی مرا یاد کند من نیز در جمعی بهتر از آن جمع او را یاد می‌کنم، اگر به اندازه یک وجب به من نزدیک شود من به اندازه یک ذراع^۴ به او نزدیک می‌شوم و اگر به اندازه یک ذراع به من نزدیک شود من به اندازه یک باع^۵ به او نزدیک می‌شوم و اگر به سمت من راه بیاید به سمت او می‌دَوَم».

۱- صحیح مسلم: ۷۱۵۵؛ سنن ترمذی: ۳۵۴۲؛ و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح مسلم: ۷۴۱۰-۷۴۱۲؛ ابی داود: ۳۱۱۳؛ ابن ماجه: ۴۱۶۷؛ و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است.

۳- صحیح بخاری: ۷۴۰۵؛ صحیح مسلم: ۶۹۸۱-۷۰۰۸؛ سنن ترمذی: ۳۶۰۳؛ سنن ابن ماجه: ۳۸۲۲؛ صححه آلبنی.

۴- بین ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر.

۵- [به اندازه فاصله بین سر انگشتان دست راست تا سر انگشتان دست چپ وقتی دو دست باز باشند].

و أبو عثمان سعيد بن اسماعيل شعری سروده است:^۱
 ما بال دينك ترضى أن تدنسه وأن ثوبك مغسول من الدنس
 ترجو النجاة ولم تسلك مسالكها إن السفينة لا تجري على اليبس
 «چرا راضی می‌شوی دینت آلوده گردد، در حالی که وقتی لباس آلوده می‌گردد آن را می‌شوئی، به نجات امید داری در حالی که در راه‌های آن قدم نمی‌گذاری، کشتی در زمین خشک حرکت نمی‌کند».

سیزدهمین پایه از پایه‌های ایمان: توکل^۲ بر الله ﷻ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [التغابن: ۱۳]. «... مؤمنین فقط^۳ بر الله توکل می‌کنند». و همچنین ذات تعالایش می‌فرماید: ﴿...حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [آل عمران: ۱۷۳]. «... مؤمنین حقیقی وقتی مردم آنها را از دشمنان‌شان می‌ترسانند، می‌گویند: [الله برای ما کافی است و او بهترین وکیل و نگهبان است]. و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳]. «... اگر [از] مؤمنین هستید پس فقط بر الله توکل کنید». و نیز می‌فرماید: ﴿...وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ﴾ [الطلاق: ۳]. «هر کس بر الله توکل کند او برای آن شخص کافی است، بی‌گمان الله حکمش را جاری می‌کند...».

۱ - شعب الإيمان: ۱۰۳۱.

۲ - در مورد توکل و امید داشتن و ترسیدن از خداوند باید فقط از ذات تعالی او باشد زیرا کوچک‌ترین ذره چه در آسمان و چه در زمین جابجا نشده و برگ‌ها از روی درختی نمی‌افتد مگر به اجازه و اراده خداوند؛ یعنی خداوند همه کاره هستی می‌باشد، ترس و امید و توکل مان فقط باید از الله تعالی باشد.

۳ - چون جار و مجرور قبل از فعل آمده است، معنای تخصیص دارد و انحصار را می‌رساند - (جواهر البلاغه باب معانی فصل تخصیص) (مترجم).

و دلیل از سنت: حدیث ابن عباس رضی الله عنه در صحیحین است که وقتی صحابه از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن هفتاد هزار^۱ از امت پیامبر صلی الله علیه و آله که بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند پرسیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هُمُ الَّذِينَ لَا يَسْتَرْقُونَ وَلَا يَتَطَيَّرُونَ وَلَا يَكْتُمُونَ وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۲. «آنها کسانی هستند که طلب رقیه شرعی^۳ [از کسی] نکرده و تطییر^۴ ننموده و داغ نمی‌گذارند^۵ و فقط بر پروردگارشان توکل می‌نمایند». بعد عکاشه بن محصن الاسدی رضی الله عنه ایستاد و گفت: ای رسول الله آیا من از آنها باشم؛ رسول الله فرمود: تو از آنها هستی؛ سپس مردی دیگر پرسید: ای رسول الله آیا من از آنها هستم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عکاشه از تو سبقت گرفت).

۱ - عدد هفتاد هزار در گویش عربی عدد بسیار بزرگی است و خیلی بیشتر از هفتاد هزار نفر می‌شود، همان‌گونه که در فارسی وقتی می‌گوئیم صد بار بهت گفتم منظورمان دقیقاً صد بار نمی‌شود؛ و فرقی که در زبان عربی و فارسی وجود دارد عرب منظورش از گفتن هفتاد عددی بزرگ‌تر از هفتاد است ولی فارس زبان منظورش از صد بار عددی کوچک‌تر از صد بار می‌باشد؛ ان شاء الله خداوند تعالی من و شما را از جمله این افراد بگرداند! (مترجم).

۲ - صحیح بخاری: ۵۷۰۵ - ۵۷۵۲ - ۶۵۴۱؛ صحیح مسلم: ۵۴۶ - ۵۴۷؛ سنن ترمذی: ۲۴۴۶؛ و شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح می‌داند.

۳ - الرقیه الشرعیه روشی از درمان است که با خواندن قرآن بر مریض او را درمان می‌کنند، مخصوصاً برای بیماری‌های روان‌پزشکی؛ و حلال نیز می‌باشد؛ ولی اگر فرد مسلمان از این روش درمان استفاده ننماید و بر خدا توکل کند طبق این حدیث و احادیث دیگری برای او بهتر است (مترجم).

۴ - تطییر عملی است که در دوران جاهلیت انجام می‌گرفت، بطوریکه پرنده را در دست می‌گرفتند و او را رها می‌ساختند اگر پرنده به سمت راست می‌رفت دلیل بر خوش‌یمنی و اگر به سمت چپ می‌رفت دلیل بر بد‌یمنی می‌دانستند؛ این عمل در کل حرام می‌باشد و اعمالی مثل فال ورق و شمردن تسبیح به نیت خوب یا بد بودن نیز شامل همین عمل می‌شود. (مترجم)

۵ - داغ گذاشتن نیز راه درمان حلالی است، ولی اگر فرد مسلمان از این روش درمان استفاده ننماید و بر خدا توکل کند طبق این حدیث و احادیث دیگری برای او بهتر است. (مترجم)

توکل به معنی سپردن امر به الله تعالی بوده و همراه استفاده از وسیله برای رسیدن به آن امر می‌باشد.^۱

از زبیر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ الْخُطْبِ عَلَى ظَهْرِهِ فَيَبِيعَهَا فَيَكْفِ اللَّهَ بِهَا وَجْهَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوهُ».^۲ «اگر کسی از شما طنابش را بردارد و توسط آن هیزم بر پشتش قرار دهد و آن هیزم را بفروشد و دست‌گذاری بسوی الله دراز کند بهتر از آن است که از مردم درخواست [مال] کند و آنها یا به او عطا کنند و یا از دادن [چیزی] امتناع ورزند». از مقدم بن معدی کرب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عليه السلام كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ».^۳ «هیچکدام از شما نیست که غذایی بهتر از آنچه با دسترنج خودش بدست می‌آورد خورده باشد و پیامبر خدا داود عليه السلام از دسترنج خودش می‌خورد».

و در مورد آن بیهقی رحمته الله گفته است: السری رحمته الله نشستن در مسجد جامع را ذم نموده و می‌گفت: «مسجد جامع را مغازه‌هایی قرار داده‌اند که دری برای آنها وجود ندارد».^۴ و در مورد آن بیهقی رحمته الله با اسنادی که بیان داشته، گفته است: ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود: «دینت همانا برای آخرت توسست و درهمت برای زندگی دنیا و در چیزی که در آن درهمتی برای نیست خیری در آن وجود ندارد»^۵ و در مورد آن بیهقی رحمته الله گفته است که فضیل بن عیاض به ابن مبارک می‌گفت: تو ما را به زهد و کوتاهی در دنیا و روزی بخور و نمیر امر نمودی و این در حالی است که تو را اینگونه دیدیم که کالاها را برایت از خراسان به

۱- مثلاً اگر کسی مریض است نباید بگوید من قرص نمی‌خورم و بر الله توکل می‌کنم بلکه باید از وسیله استفاده

نموده و بگوید من قرص می‌خورم تا ان شاء الله خداوند توسط قرص شفایم دهد. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۸۰؛ و شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۳- صحیح بخاری ۲۰۷۲.

۴- شعب الإيمان بیهقی: ۱۲۲۲.

۵- شعب الإيمان بیهقی: ۱۲۵۴.

بلد الحرام می‌آورند، چگونه است که خود می‌گویی و به خلاف آن رفتار می‌کنی؛ ابن مبارک گفت: ای ابو علی من اینکار می‌کنم تا آبروی خود را حفظ کرده و توسط آن ناموسم را اکرام کنم و از آن برای اطاعت پروردگارم کمک می‌گیرم، حقی از جانب الله ندیدم مگر آنکه بسوی آن شتافتم تا آن را برپا دارم؛ فضیل در جواب گفت: ای ابن مبارک چه چیزی نیکوتر از آن است اگر به پایان برسد»^۱.

چهاردهمین پایه از پایه‌های ایمان: دوست داشتن پیامبر ﷺ

دلیل آن از سنت: انس رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»^۲. «هیچ کدام از شما نیست که ایمانش کامل شود مگر اینکه من از پدرش و فرزندش و همه انسان‌ها نزد او محبوب‌تر باشم». و همچنین حدیث انس رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرمود: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا...»^۳. و حدیث دیگر: «أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ: مَتَى السَّاعَةُ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: مَا أَعَدَدْتُ لَهَا؟ قَالَ: مَا أَعَدَدْتُ لَهَا مِنْ كَثِيرٍ صَلَاةٍ وَلَا صَوْمٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَكِنِّي أُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ قَالَ: أَنْتَ مَعَ مَنْ أُحِبِّتَ»^۴. «مردی از پیامبر ﷺ پرسید: ای پیامبر خدا! قیامت چه زمانی برپا خواهد شد؟ پیامبر ﷺ فرمود: چه توشه برای آن فراهم نموده‌ای؟ گفت: برای آن نمازهای کثیر و روزه‌های زیاد و صدقه‌های بسیار فراهم ننموده‌ام، ولی الله و رسولش را دوست دارم، پیامبر ﷺ فرمود: تو همراه کسی خواهی بود که وی را دوست می‌داری».

۱- شعب الإيمان بیهقی: ۱۲۶۶.

۲- صحیح بخاری: ۱۳-۱۵؛ صحیح مسلم: ۱۷۷-۱۷۸؛ سنن ابن ماجه: ۶۷.

۳- در بخش دهمین پایه از پایه‌های ایمان ترجمه و آدرس این حدیث بطور کامل ذکر شده است.

۴- صحیح بخاری: ۳۶۸۸-۶۱۶۷-۶۱۷۱-۷۱۵۳؛ صحیح مسلم: ۶۸۷۸-۶۸۷۹-۶۸۸۱-۶۸۸۳؛ سنن ترمذی: ۲۳۸۵؛ و شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

پانزدهمین پایه از پایه‌های ایمان: وجوب عظیم شمردن پیامبر ﷺ و اجلال و بزرگ کردن وی ﷺ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ...﴾ [الفتح: ۹]. «... و او را یاری دهید و او را بزرگ دارید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِءٍ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ...﴾ [الأعراف: ۱۵۷]. «... پس کسانی که به او ایمان آورند و او را تعزیر کرده و حمایتش کنند...»، و «تعزیر» در اینجا بدون هیچ اختلافی «تعظیم» (عظیم شمردن) است. همچنین می‌فرماید: ﴿...لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...﴾ [النور: ۶۳]. «فرا خواندن پیامبر را در میان خویش همچون فراخواندن همدیگر به شمار نیاورید...». یعنی نگوئید: ای محمد! ای ابوالقاسم! بلکه بگوئید: یا رسول الله! (ای فرستاده الله) و یا، یا نبی الله! (ای پیام آور الله)؛ و همچنین می‌فرماید: ﴿...لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾ [الحجرات: ۱]. «... در برابر الله و رسولش پیش‌دستی نکنید...». همچنین می‌فرماید: ﴿...لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...﴾ [الحجرات: ۲]. «... صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید...».

امام بیهقی رحمته الله گفته است: منزلت تعظیم بالاتر از منزلت دوست داشتن است، زیرا هر چیز دوست‌داشتنی نزد انسان عظیم نیست مثل پدر که فرزندش را دوست می‌دارد یا دوست داشتن برده توسط صاحب آن.

شانزدهمین پایه از پایه‌های ایمان: حرص شخص به دینش تا آنجا که به جهنم رفتن برای او دوست‌داشتنی‌تر از کافر شدن باشد

دلیل آن حدیثی است که در قبل بیان شد: سه چیز است که اگر بوجود آید شیرینی ایمان حاصل می‌شود... سپس فرمود: «در جهنم افتادن برای او دوست‌داشتنی‌تر از برگشتن به کفر باشد بعد از اینکه الله او را از آن [کفر] نجات داد» و در حدیث دیگر آمده است: «أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ عَنْمَا بَيْنَ جَبَلَيْنِ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ فَأَتَى قَوْمَهُ فَقَالَ أَيْ

قَوْمَ أَسْلِمُوا فَوَاللَّهِ إِنَّ مُحَمَّدًا لَيُعْطَى عَطَاءٌ مَا يَخَافُ الْفَقْرَ. فَقَالَ أَنَسٌ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيُسْلِمُ مَا يُرِيدُ إِلَّا الدُّنْيَا فَمَا يُسْلِمُ حَتَّى يَكُونَ الْإِسْلَامُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا^۱. «مردی از پیامبر ﷺ غنیمت زیادی خواستار شد و او نیز آن را به او عطا فرمود، او به نزد قومش رفت و گفت: ای قوم [من] اسلام آورید زیرا قسم به الله محمد [مال] عطا می‌کند در حالی که از فقر نمی‌هراسد. انس رضی الله عنه گفت: مردانی وجود دارند که جز برای [متاع] دنیا ایمان نمی‌آورند ولی عاقبت آنها این می‌شود که نزد آنها اسلام از دنیا و آنچه در آن است، عزیزتر می‌شود».

هفدهمین پایه از پایه‌های ایمان: علم آموختن است که شامل شناخت باری تعالی و یاد گرفتن آنچه از نزد الله به ما رسیده و علوم نبوی و هر آنچه که پیامبر ﷺ را از دیگران جدا می‌کند و همچنین کسب علم شامل آموختن احکام الله تعالی و آنچه که او اقتضاء نموده و شناخت هر چیزی است که احکام از آن صادر می‌شود مانند قرآن و سنت پیامبر ﷺ و قیاس و راه‌های اجتهاد و قرآن و سنت که توسط علم علماء حمل می‌شوند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿...إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...﴾ [فاطر: ۲۸]. «... فقط بندگان عالم هستند که از الله خشیه دارند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَابِئًا بِالْقِسْطِ...﴾ [آل عمران: ۱۸]. «...الله و ملائک و صاحبان علم، گواهی می‌دهند که هیچ پرستش شونده بر حق جز او وجود نداشته [و همچنین گواهی داده] که او دادگری می‌نماید...». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۳]. «...و چیزی را به تو آموخت که قبلاً از آن شناختی نداشتی و فضل الله بر تو عظیم است». و می‌فرماید: ﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾ [المجادلة: ۱۱]. «...الله به کسانی از شما که ایمان آورده و بهره از علم دارند درجات بزرگی می‌بخشد...». در جای دیگر می‌فرماید: ﴿...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي

الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿۹﴾ [الزمر: ۹]. «... بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان هستند [از این سخن] کسی متذکر نمی‌شود مگر صاحبان خرد».

در صحیحین از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ حَتَّى إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جُهَالًا فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا». «الله علم را از بین بندگان حذف نمی‌کند ولی علم را توسط گرفتن علماء دور می‌کند تا اینکه عالمی باقی نمی‌ماند و مردم جاهلان را رؤساء خود قرار می‌دهند و وقتی از آنها سوال می‌شود به غیر علم فتوا داده و در نتیجه خود گمراه شده و [دیگران] را گمراه می‌کنند». از ابی هریره رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ».^۱ «کسی که در دنیا بلائی را از مؤمنی دور سازد، الله بلائی از بلایای روز قیامت را از او دور می‌سازد، و کسی که در مورد کسی که می‌شود [برای او] سخت‌گیری کرد، آسان بگیرد، خداوند برای او در دنیا و آخرت آسان می‌گیرد و کسی که عیب مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت [عیب] او را می‌پوشاند و خداوند در کمک بنده - اش است تا زمانی که بنده در کمک برادرش باشد و کسی که برای کسب علم مسیری را می -

۱- صحیح بخاری: ۱۰۰؛ صحیح مسلم: ۶۹۷۱؛ سنن ترمذی: ۲۶۵۲؛ سنن ابن ماجه: ۵۲؛ و شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح مسلم: ۶۷۴۳-۷۰۲۸؛ سنن ترمذی: ۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۹۳۰-۲۹۴۵؛ سنن ابوداود: ۴۹۴۶؛ سنن ابن ماجه: ۲۲۵؛ و شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

پیماید، خداوند راهی بسوی بهشت را برای او آسان می‌نماید و گروهی نیستند که در خانه از خانه‌های خداوند (مساجد) جمع شده و در آن کتاب الله را تلاوت نموده و به تدریس آن پردازند مگر اینکه خداوند آرامش را بر آنها نازل فرموده و آنان را با رحمت خود در برگرفته و ملائک حول آنان را می‌پوشانند و ایشان را پیش کسانی که نزد وی هستند یاد می‌فرماید و کسی که عملش کوتاه باشد، نسبش او را پیش نمی‌برد».

هجدمین پایه از پایه‌های ایمان: نشر علم

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...لَتُبَيِّنَنَّهٗ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ...﴾ [آل عمران: ۱۸۷]. «...آن را برای مردم بیان کنید و آن را پنهان ندارید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلْيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾ [التوبة: ۱۲۲]. «...و وقتی بسوی قوم‌شان برگشتند آنها را تنذیر کنند (از عذاب خداوند بترسانند)».

و دلیل از سنت حدیث ابی بکر^۱ است که پیامبر^ص در خطبه‌اش در منا فرمود: «...أَلَا لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ فَلَعَلَّ بَعْضَ مَنْ يُبَلِّغُهُ يَكُونُ أَوْعَى لَهُ مِنْ بَعْضِ مَنْ سَمِعَهُ...»^۲. «... آگاه باشید شاهد [این سخنان را به کسانی که] غائب هستند، برسانند چه بسا آن کسی که [مطلب] به وی می‌رسد آن را بهتر از کسی که توسط وی [مطلب] رسانیده می‌شود، بهتر یاد گرفته باشد». ابو هریره^ص روایت کرده است، پیامبر^ص فرمود: «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكَتَمَهُ أَلْجَمَهُ اللَّهُ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳. «کسی که از او در باره علمی سوال شود و [دانسته] آن را بپوشاند، خداوند روز قیامت پوزه‌بندی از آتش بر پوزه او می‌گذارد».

۱- دلیلی که عده از مسلمانان باید فقیه شوند و دین را به بقیه مسلمانان بیاموزند همین آیه است؛ البته تمام آیه. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۶۷- ۱۷۴۱- ۴۴۰۶- ۵۵۵۰- ۷۰۷۸- ۷۴۴۷؛ صحیح مسلم: ۴۴۷۷؛ سنن ابن ماجه: ۲۳۳؛ شیخ آلبانی سند حدیث را صحیح دانسته است.

۳- سنن ابوداود: ۳۶۵۸؛ سنن ترمذی: ۲۶۴۹؛ سنن ابن ماجه: ۲۶۱- ۲۶۴- ۲۶۵- ۲۶۶؛ شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

امام بیهقی رحمته الله آورده است که امام عمر بن عبد العزیز رحمته الله گفت: «کسی که سخنش از عملش بیشتر باشد اشتباه‌های او زیاد می‌شود و کسی که به غیر علم عمل کند بیشتر از آنکه اصلاح کند، فساد می‌کند»^۱ و از حارث المحاسبی: «از علم خشیه به ارث می‌رسد و از زهد راحتی و از شناخت و معرف، توبه و انابه»^۲ و از ابن سعد: «کسی که به علوم روایی عمل کند به علم درایی می‌رسد و کسی که به علم درایی عمل کند به علم رعایی می‌رسد کسی که به علم رعایی عمل کند بسوی راه حق هدایت شده است»^۳ و از مالک بن دینار: «اگر بنده علم کسب کند تا بدان عمل کند، علم وی [غرور]ش را می‌شکند و اگر به [نیتی] غیر از عمل به آن؛ آن را کسب کند غرورش زیاد می‌شود»^۴ و از معروف الکرخی: «اگر خداوند به کسی اراده خیر داشته باشد در عمل را باز نموده و در جدل را می‌بندد و اگر خداوند به کسی اراده شر داشته باشد در عمل را بر وی می‌بندد و در جدل را برایش باز می‌کند»^۵ و از ابوبکر الوراق: «کسی که به مسائل کلامی اکتفا کند و بدنبال زهد و فقه نباشد زندیق می‌شود و کسی که به زهد اکتفا کند و به دنبال فقه و مسائل کلامی نباشد بدعت‌گذار است و کسی که به فقه اکتفاء کند و به دنبال زهد و پرهیزکاری نباشد فاسق است و کسی که در همه امور هنرنمایی نماید اخلاص یافته است»^۶ و از حسن بصری رحمه الله: مردی از کنار وی گذشت، گفته شد: او فقیه است، او گفت: آیا می‌دانید فقیه کیست؟ فقیه فقط کسی است که در دینش عالم باشد و نسبت به دنیا زاهد باشد و در عبادت پروردگارش پابرجا»^۷. و از مالک بن دینار: «در تورات خواندم اگر عالم

۱- شعب الإيمان: ۱۸۱۹-۵۰۲۱.

۲- شعب الإيمان: ۱۸۲۱.

۳- شعب الإيمان: ۱۸۲۲.

۴- شعب الإيمان: ۱۸۲۷.

۵- شعب الإيمان: ۱۸۳۲.

۶- شعب الإيمان: ۱۸۳۳.

۷- شعب الإيمان: ۱۷۳۴.

به علمش عمل نکند، پندهای او در قلب‌ها تزلزل پیدا می‌کند»^۱ و ابوبکر بن ابی داود خطاب به خودش سروده است:^۲

«محمد غص دوائی بشرب الماء غصته» محمد داروی مرا با سیراب شدن از آن به من نشانده سیراب شدنی که از طرف خودش بود

فکیف یصنع من قد غص بالماء

«پس حال کسی که از آب سیراب است [و بیمار نیز هست] چگونه است».

و شعری از ابوعثمان الحیری الزاهد:^۳

و غیر تقي یا امر الناس بالتقی طیب یدای و الطیب مریض

«کسی که تقوا ندارد دیگران را به تقوا امر می‌کند، طیب درمان می‌کند در حالی که خود

مریض است».

از الله تعالی درخواست علم و عمل داریم و به جلال و جهش از ناکامی و حرص و آرزوی دنیوی^۴ پناه می‌بریم.

نوزدهمین پایه از پایه‌های ایمان: عظمت دادن به قرآن مجید با یاد گرفتن و یاد

دادن آن و حفظ حدودش و دانا بودن به حلال و حرامش و تجلیل اهلس و حفاظش و به خاطر وعیدهای خداوند ﷻ ترسی در دل ایجاد شود که انسان را به گریه بیاندازد.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَشِيعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...﴾ [الحشر: ۲۱]. «اگر این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم به خاطر خشیه از

خداوند همانا آن را خاشع و شکاف خورده می‌یافتی...». و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّهُوَ لَقُرْآنٌ

۱- شعب الإيمان ۱۸۴۱.

۲- شعب الإيمان: ۱۸۹۸.

۳- شعب الإيمان: ۷۳۰۳.

۴- آرزویی که برای دنیا باشد انسان را از یاد مرگ غافل می‌سازد. (مترجم)

كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ [الواقعة: ۷۷-۸۰]. «همانا آن قرآنی گران قدر است * در کتابی^۱ پنهان قرار دارد * جز پاکان کسی آن را لمس نمی کند * از [سوی] پروردگار جهانیان نازل شده است». و همچنین می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا...﴾ [الرعد: ۳۱]. «و اگر قرآنی [در بین کتاب‌های آسمانی یافت می شد که کوه‌ها بدان از جای خود روان شده و به حرکت در می آمدند یا زمین به وسیله آن پاره پاره می گردید [ونهرها بدان روا می گشتند و باغ‌ها بدان شکفته می شدند] و یا بدان مردگان به سخن در می آمدند، [همین قرآن است]، بلکه همه کارها در دست خداوند است».

دلیل از سنت: عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرُكُمْ مَن تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»^۲. «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد». دلیل دیگر: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ ثَقْلًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا»^۳. «با قرآن پیمان ببندید [که آن را از خود دور نکنید] قسم به کسی که جان محمد در دست اوست [فراموشی] آن از شتری که عقل به پای آن بسته‌اند سریع تر فرار می کند». و همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَتَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ هَذَا الْكِتَابَ فَقَامَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَتَصَدَّقَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ»^۴. «غبطه فقط در دو چیز جایز می باشد: مردی که خداوند کتاب [قرآن] را به او عطا فرموده و او در ساعاتی از شب و ساعاتی در روز آن را بپا می دارد و مردی که خداوند به او مالی عطا فرموده و او آن را در

۱- منظور لوح محفوظ می باشد.

۲- صحیح بخاری: ۵۰۲۷؛ سنن ابوداود: ۱۴۵۲؛ سنن ترمذی: ۲۹۰۷-۲۹۰۸-۲۹۰۹؛ ابن ماجه: ۲۱۱؛ شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۳- صحیح بخاری: ۵۰۳۳؛ صحیح مسلم: ۱۸۷۸-۱۸۸۰.

۴- صحیح بخاری: ۵۰۲۵؛ صحیح مسلم: ۱۹۳۱.

ساعاتی از شب و ساعاتی در روز صدقه می‌دهد». و همچنین حضرت عمر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ»^۱. «همانا خداوند با این کتاب (قرآن) عده را رفعت می‌بخشد و عده دیگر را ضایع می‌کند».

بیستمین پایه از پایه‌های ایمان: پاکیزگی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...﴾ [المائدة: ۶]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی برای نماز ایستادید [قبل از آن] صورت‌ها و دست‌هایتان را تا آرنج بشوئید و سرهای‌تان را مسح نموده و پاهای‌تان را تا دو قوزک بشوئید...»^۲.

دلیل از سنت: ابی مالک الاشعری رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَمْلَأَانِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالصَّلَاةُ نُورٌ وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو فَبَائِعٌ نَفْسَهُ فَمُعْتِفُهَا أَوْ مُؤَبِّقُهَا»^۳. «پاکیزگی نصف ایمان است و الحمد لله [گفتن] ترازوی [ایمان] را پر می‌کند و سبحان الله و الله اکبر [گفتن] بین آسمان و زمین را پر می‌کند و نماز نور است و صدقه دلیل [بر دینداری] و صبر روشنی و قرآن حجتی است که یا به نفع می‌شود و یا بر علیه‌ات، همه انسان‌ها در جنب و جوش هستند و نفس خود را می‌فروشدند عده برای رهایی [از جهنم] و عده برای گرفتار شدن [به عذاب جهنم]». دلیل

۱- صحیح مسلم: ۱۹۳۴؛ سنن ابن ماجه: ۲۱۸؛ شیخ آل‌بانی نیز آنرا صحیح دانسته است.

۲- چون اعراب «ارجل» با اعراب «وجوه» و «ایدی» یکی است و به فتح می‌باشد و اعراب «رؤس» جر می‌باشد با توجه به قواعد زبان عربی باید پاها را مثل صورت‌ها و دست‌ها به فعل «فاغسلوا» ارجاع دهیم و آنها را هنگام وضو بشوئیم. (مترجم)

۳- صحیح مسلم: ۵۵۶.

دیگر: پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تُقْبَلُ صَلَاةٌ بِغَيْرِ طَهْوَرٍ وَلَا صَدَقَةٌ مِنْ غُلُولٍ»^۱. «نماز بدون طهارت قبول نمی‌شود و صدقه، از غنیمت دزدی شده قبل از تقسیم آن قبول نمی‌گردد». و همچنین: حدیث ثوبان رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرمود: «اسْتَقِيمُوا وَلَنْ تَحْصُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمُ الصَّلَاةَ وَلَا يُحَافِظُ عَلَى الْوُضُوءِ إِلَّا مُؤْمِنٌ»^۲. «استقامت ورزید و هرگز خسته نشوید و بدانید بهترین اعمال شما نماز است و بجز مؤمن کسی از وضوی خود محافظت نمی‌کند».

حلیمی از یحیی بن آدم آورده^۳: «علت آنکه فرموده پاکیزگی نصف ایمان است به این دلیل است که الله تعالی نماز را [در قرآن] ایمان نامیده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿...وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَنَكُمْ...﴾ [البقرة: ۱۴۳]. «... و الله بر این نیست که ایمان‌تان را ضایع فرماید...»، که منظور از ایمان نماز بسوی بیت المقدس می‌باشد؛ و نماز بدون وضو جایز نیست و هر کدام از آن دو [نماز و وضوء] جزئی از دیگری است».

بیست و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: نمازهای پنجگانه واجب

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَنَكُمْ...﴾ [البقرة: ۱۴۳]. که منظور از ایمان‌تان نمازتان است و همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ «و نماز را برپای دارید و زکات بدهید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ [النساء: ۱۰۳]. «نماز برای مؤمنین واجبی وقت دار است».

۱- صحیح مسلم: ۵۵۷؛ سنن ابوداود: ۵۹؛ سنن ترمذی: ۱؛ سنن نسائی: ۱۳۹-۲۵۲۴؛ سنن ابن ماجه: ۲۷۱-۲۷۲-

۲۷۳-۲۷۴؛ شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- سنن ابن ماجه: ۲۷۷؛ شیخ آل‌بانی نیز سند حدیث را صحیح دانسته است.

۳- شعب الإيمان: در حاشیه ۲۹۰۷.

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ»^۱.
 «[فاصله] بین [اسلام] شخص و شرک و کفر [ش] ترک نماز می‌باشد». دلیل دیگر از سنت: عبد الله بن مسعود رضی الله عنه در صحیحین گفته است: «سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ قَالَ الصَّلَاةُ عَلَى وَفَّيْهَا قَالَ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ ثُمَّ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ قَالَ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي بِهِنَّ وَلَوْ اسْتَرْزَدْتُهُ لَزَادَنِي»^۲. «از پیامبر ﷺ سوال کردم چه عملی نزد خداوند محبوب‌تر است؟ فرمود: نماز در وقتش، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: نیکی به والدین، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه الله. [ابن مسعود گفت:] آنان را برای من بیان فرمود و اگر بیشتر می‌پرسیدم بیشتر جواب می‌داد». حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که پیامبر ﷺ فرمود: «صَلَاةُ الْجُمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفَدَى بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»^۳. «فضیلت نماز جماعت بیست و هفت برابر نماز فردای است». حضرت عثمان رضی الله عنه از پیامبر ﷺ آورده است: «مَا مِنْ أَمْرٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ»^۴. «شخص مسلمانی نیست که نماز واجبی را بخواند و وضوء و خشوع و رکوع آن را به نیکی ادا کند بجز اینکه [این عمل او] کفاره گناهان قبلیش می‌گردد به شرطی که آن [گناهان] کبیره نباشد و این [قانون] در هر زمانی جاری است».

۱- صحیح مسلم: ۲۵۶-۲۵۷؛ سنن ابوداود: ۴۶۷۸؛ سنن ترمذی: ۲۶۱۸-۲۶۱۹-۲۶۲۰؛ سنن نسائی: ۴۶۴؛ سنن

ابن ماجه: ۱۰۷۸-۱۰۸۰؛ وشیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۵۲۷-۵۹۷۰-۷۵۳۴؛ صحیح مسلم: ۲۶۲-۲۶۴-۲۶۶؛ سنن نسائی: ۶۱۰-۶۱۱؛ شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۳- صحیح بخاری: ۶۴۵؛ صحیح مسلم: ۱۵۰۹؛ سنن ترمذی: ۲۱۵؛ سنن نسائی: ۸۳۷؛ وصححه آلبنی. این حدیث با لفظ ۲۵ برابر نیز آمده است و طبق نظر محدثین ۲۷ برابر برای نماز جماعت در مسجد است و ۲۵ برابر برای نماز جماعت در خانه است. (مترجم)

۴- صحیح مسلم: ۵۶۵.

در همین مورد امام بیهقی رحمته الله گفته است: بعد از ایمان به الله از عبادات عبادی وجود ندارد که ترک آن انسان را به کفر سوق دهد و خداوند عز و جل آن را ایمان نامیده و رسول الله ترک آن را کفر دانسته است بجز نماز.

بیست و دومین پایه از پایه‌های ایمان: پرداخت زکات.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ۝﴾ [البینة: ۵]. «و امر نشدند جز اینکه خدا را مخلصانه و حق گرایانه بپرستند و نماز برپای داشته و زکات بدهند و این است آئین راستین». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ۝﴾ [التوبة: ۳۴-۳۵]. «و کسانی که طلا و نقره را گنج می‌کنند^۱ و در راه الله آن را انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذابی دردناک مژده بده * روزی که [اندوخته‌ها] در آتش جهنم گداخته شده و پیشانی و پهلوی و پشت‌های ایشان با آن داغ گذاشته می‌شود و بدیشان گفته می‌شود: «این همان چیزی است که برای خود اندوخته‌اید»، پس اینک [سزا و کیفر] آنچه که می‌اندوخته‌اید بچشید». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۝﴾ [آل عمران: ۱۸۰]. «و کسانی که به آنچه خداوند از فضل خویش داده، خساست می‌ورزند، گمان نبرند که آن [خساست] برای آنها بهتر است، بلکه به زیان آنان است، و در روز قیامت چیزی که بدان خساست ورزیده‌اند طوق گردن‌شان می‌گردد، و همه دارایی‌های آسمان و زمین از آن خداوند بوده و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است».

۱- از ابن عمر وابن عباس، وجابر، وابی هریره به صورت موقوف و مرفوع و از عمر بن الخطاب رضی الله عنه آمده است:

«يكنزون» (گنج کردن) به معنی مالی است که زکات آن داده نشود. تفسیر ابن کثیر ذیل همین آیه. (مترجم)

دلیل از سنت: ابن عباس رضی الله عنه آورده است پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی معاذ رضی الله عنه را به یمن فرستاد به او فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ. فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ فَتُرَدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ»^۱.

«تو نزد قومی از اهل کتاب^۲ می‌روی آنها را به گواهی دادن به اینکه هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد و اینکه من فرستاده او هستم دعوت بده، پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند به آنها بیاموز که خداوند در شبانه روز پنج نماز را بر آنها فرض گردانیده است، اگر در این مورد از تو اطاعت کردند به آنان خبر ده که خداوند زکات را بر آنها فرض نموده که از ثروتمندان آنها گرفته می‌شود و در میان مستمندان آنها توزیع می‌گردد. اگر این را پذیرفتند به بهترین اموال آنها دست درازی نکن و از دعای مظلوم بترس زیرا بین وی و خداوند پرده‌ای وجود ندارد».

ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود است: «مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ مَثَلًا لَهُ مَالُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُجَاعًا أَقْرَعَ لَهُ رَبِيبَتَانِ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْخُذُ بِلَهْزِمَتَيْهِ يَعْصِي بِشِدْقِيهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا مَالِكُ أَنَا كَنْزُكَ ثُمَّ تَلَا: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾»^۳.

«کسی که خداوند به او ثروتی داده و او زکات آن را پرداخت نکند، روز قیامت، مالش به شکل ازدهایی سمی که دارای دو نیش زهرآگین است، در آمده و به گردن او می‌پیچد و دو طرف

۱- صحیح بخاری: ۱۳۹۵-۱۴۵۸-۷۳۷۲؛ صحیح مسلم: ۱۳۰-۱۳۲؛ سنن ابو داود: ۱۵۸۴؛ سنن ترمذی: ۶۲۵؛ سنن ابن ماجه: ۱۷۸۳؛ و صححه آل‌بانی.

۲- یهودیان و مسیحیان را اهل کتاب می‌نامند. (مترجم)

۳- صحیح بخاری: ۱۴۰۳-۴۵۶۵؛ سنن نسائی: ۲۴۸۱-۲۴۸۲؛ صححه آل‌بانی.

چهره‌اش (گونه‌هایش) را گرفته و می‌گوید: من مال و خزانه تو هستم؛ سپس رسول الله ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ...﴾. [ترجمه آیه در قبل آمد].

بیست و سومین پایه از پایه‌های ایمان: روزه.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شد همانطور که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شده بود، باشد که متقی گردید».

دلیل از سنت: عبد الله بن عمر رضی الله عنهما از پیامبر ﷺ روایت نموده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمَ رَمَضَانَ وَحَجَّ الْبَيْتِ»^۱. «اسلام بر پنج ستون بنا شد است: گواهی دادن به اینکه هیچ پرستش‌شونده بر حق جز الله وجود نداشته و محمد بنده و فرستاده وی می‌باشد و برپا نمودن نماز و پرداخت زکات و روزه [ماه] رمضان و حج بیت الله الحرام». وحیث أبی هریره رضی الله عنه پیامبر ﷺ فرمود: «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ. وَلِخُلُوفٍ فِيهِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ»^۲. «هر عمل [نیک] بنی آدم ده برابر تا هفتصد برابر می‌گردد خداوند تعالی فرموده: بجز روزه، و آن برای من است و من به آن پاداش می‌دهم، شهوت و غذایش را [روزه دار] برای رضای من ترک می‌کند؛ روزه دار دو بار شاد می‌گردد: یک شادی وقتی افطار می‌کند و شادی دیگر وقتی است که [در قیامت] پروردگارش را می‌بیند. و تغیر بوی دهان روزه‌دار [به

۱- صحیح بخاری: ۴۵۸۵؛ صحیح مسلم: ۱۲۰-۱۲۲؛ سنن ترمذی: ۲۶۰۹؛ سنن نسائی: ۵۰۰۱؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۲۷۶۳؛ سنن ابن ماجه: ۱۶۳۸؛ صححه آلبانی.

علت روزه [نزد خداوند از بوی مشک خوشایندتر است]. و حدیث دیگر: «الصوم جنة»^۱.
«روزه [برای جهنم] سپر است».

بیست و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: اعتکاف [در مساجد]

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقرة: ۱۲۵]. «و به ابراهیم و اسماعیل سفارش نمودیم خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان پاکیزه نمایند».

دلیل از سنت: عائشه رضی الله عنها گفته است: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّىٰ تَوَفَّاهُ اللَّهُ ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ»^۲. «همانا پیامبر ﷺ دهه آخر رمضان اعتکاف می‌نمود تا اینکه خداوند وی را فوت داد سپس زنانش بعد از او اعتکاف می‌کردند و از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «من اعتكاف فواق ناقة فكأنما أعتق نسمة أو رقبة»^۳ (کسی که به اندازه فاصله دو شیر دادن شتری اعتکاف کند مانند این است که شخص یا برده را آزاد نموده است».

بیست و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: حج [در صورت توانایی].

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ [آل عمران: ۹۷]. «...خداوند حج بیت الحرام را برای کسی که توانایی آن را دارد واجب نموده است...». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ

۱- سنن ترمذی: ۷۶۴-۲۶۱۶؛ سنن نسائی: ۲۲۲۴-۲۲۲۵-۲۲۲۶-۲۲۳۱؛ سنن ابن ماجه: ۲۹۷۳؛ و شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۲۰۲۶؛ صحیح مسلم: ۲۸۴۱؛ سنن ابی‌داود: ۲۴۶۲؛ صححه آل‌بانی.

۳- رواه العقيلي في الضعفاء من حديث عائشة وأنس رضي الله عنهما. «قال في البدر المنير: هذا حديث غريب لا أعرفه بعد البحث الشديد عنه. وقال الحافظ: هو منكر ولكنه أخرجه الطبراني في الأوسط قال الحافظ: لم أر في إسناده ضعفا إلا أن فيه وجادة وفي المتن نكارة شديدة وذمبت العترة».

مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ [الحج: ۲۷]. «و در [میان] مردم برای حج ندا برآور که پیاده و [یا سوار] بر هر شتر لاغری که از راه دوری رهسپارند به سوی تو بیایند». و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ [البقرة: ۱۹۶]. «حج و عمره را برای الله به اتمام برسانید...». همچنین دلیل از سنت: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَصَوْمَ رَمَضَانَ وَحَجَّ الْبَيْتِ». «اسلام بر پنج ستون بنا شد است: گواهی دادن به اینکه هیچ پرستش‌شونده بر حق جز الله وجود نداشته و محمد بنده و فرستاده وی می‌باشد و برپا نمودن نماز و پرداخت زکات و روزه [ماه] رمضان و حج بیت الله الحرام». و حدیثی که حضرت عمر رضی الله عنه روایت نموده: «بینما نحن جلوس عند رسول الله إذ جاء رجل فقال: يا محمد! ما الإسلام؟ قال: أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله وأن تقيم الصلاة وتؤتي الزكاة وتحج البيت وتغتسل من الجنابة وتتم الوضوء وتصوم رمضان قال فإن فعلت فأنا مسلم قال: نعم. قال: صدقت^۱». «ما نزد رسول الله نشسته بودیم که مردی آمد و گفت: یا محمد! اسلام چیست؟ فرمود: شهادت بدهی که پرستش‌شونده بر حق جز الله وجود ندارد و محمد فرستاده اوست و اینکه نماز برپای داری و زکات بدهی و حج بیت الحرام بجا بیاوری و عمره نمایی و از جنابت غسل کنی و وضو را به طور کامل انجام دهی و ماه رمضان روزه بگیری، گفت: اگر من اینها را انجام دهم مسلمانم؟ فرمود: بله، گفت: راست گفتمی». و از ابی امامه الباهلی رضی الله عنه آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من لم يحبس مرضاً أو حاجة ظاهرة أو سلطان جائراً ولم يحج فليمت إن شاء يهودياً وإن شاء نصرانياً^۲». «کسی که مریضی یا نیازی آشکار یا حاکمی ستمگر جلوی او را نگیرد ولی او حج ننماید، بنا بر خواست خودش یا یهودی است و یا مسیحی».

بیست و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: جهاد.

۱- صحیح مسلم در الایمان (۱/۱۷) و ابن حبان در صحیحش (۱/۱۷۳- احسان). تخریج: حمدی الدمرداش

محمد عدل. شعب الإيمان: ۳۹۷۳.

۲- شعب الإيمان: ۳۹۷۹.

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...﴾ [الحج: ۷۸]. «در راه الله آنطور که حق جهادش است جهاد کنید...». و می‌فرماید: ﴿...يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ [المائدة: ۵۴]. «در راه الله جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده نمی‌ترسند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ [التوبة: ۱۲۳]. «... با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند بجنگید و [آنها] در شما تندی ببینند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ...﴾ [الأنفال: ۶۵]. «ای پیامبر مؤمنین را به جنگ تحریک کن...».

دلیل از سنت: ابی هریره رضی الله عنه آورده است: «سُئِلَ أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: إِيْمَانٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: حَجٌّ مَبْرُورٌ»^۱. «از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: چه عملی بافضیلت‌تر است؟ فرمود: ایمان به الله و فرستاده‌اش، گفته شد: بعد از آن؟ فرمود جهاد فی سبیل الله، گفته شد: بعد از آن؟ فرمود: حج قبول شده».

و دلیل دیگر: حدیث عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «... لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَسَلُّوْا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ...»^۲. «آرزوی دیدن دشمن را نداشته باشید و از خداوند عافیت را طلب کنید و اگر آن [دشمنان] را دیدید، صبور باشید و بدانید که بهشت زیر سایه شمشیرهاست».

بیست و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: رباط (نگهبانی دادن از ترس هجوم دشمن)

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۲۰۰]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبور باشید و استقامت

۱- صحیح بخاری: ۲۶- ۱۵۱۹- ۷۵۳۲؛ صحیح مسلم: ۲۵۸؛ سنن ترمذی: ۱۶۵۸؛ سنن نسائی: ۳۱۳۰؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۲۹۶۵- ۲۹۶۶- ۳۰۲۵- ۳۰۲۶- ۷۲۳۷؛ صحیح مسلم: ۴۶۳۹- ۴۶۴۰؛ سنن ابو داود: ۲۶۳۱؛ صححه آلبانی.

و پایداری نمائید و مراقب [دشمن] باشید و از خداوند تقوا پیشه کنید باشد که رستگار گردید»
 دلیل از سنت: حدیث سهل بن سعد الساعدی رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «رَبَّاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا وَمَوْضِعُ سَوْطٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا وَالرَّوْحَةُ يَرْوَحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ الْعَدُوَّةُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا».
 «رباط روزی در راه خداوند بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد، موضع تازیانه هر یک از شما در بهشت بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد، و پیمودن مسیری شبانه یا مسیری روزانه در راه الله بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد».

بیست و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: استقامت در برابر دشمن و فرار نکردن از میدان جنگ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا...﴾ [الأنفال: ۴۵]. «... هرگاه گروهی [از دشمنان] را ملاقات کردید، ثابت قدم شوید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ۝ وَمَنْ يُؤْلِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝﴾ [الأنفال: ۱۵-۱۶]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با لشکر کافران روبرو شدید پس بر آنها پشت ننموده و فرار نکنید * و هر کس در این روز به آنها پشت کند، و فرار نماید - مگر کسی که [هدفش] کناره‌گیری برای نبردی [تازه] یا پیوستن به دسته [دیگر از هم‌زمانش] باشد - گرفتار خشم خداوند شده و جایگاهش جهنم است، و چه بد سرنوشتی!». و همین‌طور می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ عَنَكُم وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝﴾ [الأنفال: ۶۵-۶۶].

۶۵-۶۶]. «ای پیامبر! مؤمنین را بر جنگ تحریک نما، اگر شما بیست نفر صبور باشید بر دویست نفر غلبه خواهید کرد و صد نفر باشید بر هزار نفر از کافران پیروز می‌شوید زیرا آنها قومی غیر منطقی‌اند * حالا خداوند از [مسئولیت] شما کاست، و دانست که شما ضعیفی دارید، پس اگر صد نفر صبور باشید بر دویست نفر غلبه نموده و اگر هزار نفر باشید بر دو هزار نفر به اذن خداوند، پیروز خواهید شد و خداوند با صابرین است».

و دلیل از سنت: حدیث عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه: «... لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَسَلُّوْا اللّٰهَ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ...»^۱. «آرزوی دیدن دشمن را نداشته باشید و از خداوند عافیت را طلب کنید و اگر آن [دشمنان] را دیدید، صبور باشید و بدانید که بهشت زیر سایه شمشیرهاست».

بیست و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: دادن خمس از غنیمت جنگی است که به پیشوا و کارکنانش در اداره غنیمت داده می‌شود.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللّٰهِ وَمَا أَنْزَلْنَا...﴾ [الأنفال: ۴۱]. «و بدانید فقط آنچه را که از غنیمت بدست آوردید، یک پنجم آن برای الله و رسول و نزدیکان و یتیمان و فقیران و در راه مانده می‌باشد اگر ایمان دارید به الله و آنچه که نازل نمودیم بر...»، همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ وَمَن يَغُلَّ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ...﴾ [آل عمران: ۱۶۱]. «شایسته هیچ پیامبری نیست که در مال غنیمت خیانت کند؛ آنچه را به خیانت برده در روز قیامت خواهد آمد...».

دلیل از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: «... فَأَمَرَهُمْ بِأَرْبَعٍ وَنَهَاَهُمْ عَنْ أَرْبَعٍ أَمَرَهُمْ بِالْإِيْمَانِ بِاللّٰهِ وَحَدَهُ قَالَ أَتَدْرُونَ مَا الْإِيْمَانُ بِاللّٰهِ وَحَدَهُ قَالُوا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَصِيَامُ رَمَضَانَ وَأَنْ تُعْطُوا مِنْ

۱- صحیح بخاری: ۲۹۶۵-۲۹۶۶-۳۰۲۵-۳۰۲۶-۷۲۳۷؛ صحیح مسلم: ۴۶۳۹-۴۶۴۰؛ سنن ابو داود: ۲۶۳۱؛ صححه آلبانی.

الْمَغْنَمِ الْخُمْسَ وَنَهَاهُمْ عَنْ أَرْبَعٍ عَنِ الْحَنْتَمِ وَالذُّبَاءِ وَالنَّقِيرِ وَالْمَرْقَاتِ وَرُبَّمَا قَالَ الْمُقَيِّرُ وَقَالَ احْفَظُوهُنَّ وَأَخْبِرُوا بِهِنَّ مَنْ وَرَاءَكُمْ^۱. «[قبیله از پیامبر ﷺ رهنمود خواستند و از نوشیدنی‌های حلال و حرام سوال نمودند، پیامبر ﷺ آنان را به چهار چیز امر نمود و از چهار چیز نهی کرد، آنان را امر کرد به ایمان به خداوند واحد [و] فرمود: آیا می‌دانید ایمان به الله واحد چیست؟ گفتند: الله و رسولش داناترند، فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ پرستش‌شونده بر حق جز الله نبوده و محمد فرستاده الله می‌باشد و [اینکه] نماز برپای داده شود و زکات پرداخته شده و ماه رمضان روزه گرفته شود و همچنین از غنیمت بدست آمده خمس داده شود؛ و آنان را از چهار چیز نهی نمود: خم، ظرف کدو، ظرف تنه خرما و ظرف قیراندود. (در آن زمان، این ظرف‌ها مخصوص تهیه شراب بودند) و فرمود: آنان را حفظ کنید و به دیگران خبر دهید».

سی‌مین پایه از پایه‌های ایمان: آزاد کردن برده به نیت تقرب به خداوند ﷻ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۚ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۚ فَكُ رَقَبَةً ۚ﴾ [البقره: ۱۷۷]. «از گردنه عبور ننموده [چون از هوای نفس خود تبعیت می‌کند] * و تو چه می‌دانی گردنه چیست؟ * آزاد کردن برده است».

ابی هریره رضی الله عنه آورده پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهَا عَضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ مِنَ النَّارِ حَتَّىٰ فَرَجَهُ بِفَرَجِهِ^۲». «هر کس برده را آزاد کند، خداوند به آزادی هر عضو آن [برده] عضوی از اعضای [آزاد کننده] را از آتش جهنم آزاد می‌گرداند (نگه می‌دارد)، تا جایی که عضو تناسلی‌اش به آزادی عضو تناسلی وی».

سی و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: ادا نمودن کفاره‌ها.

- ۱- صحیح بخاری: ۵۳-۸۷-۵۲۳-۱۳۹۸-۳۰۹۵-۳۵۱۰-۴۳۶۸-۴۳۶۹-۷۲۶۶-۷۵۵۶؛ صحیح مسلم: ۱۲۴-۱۲۵-۱۲۷؛ سنن ابوداود: ۳۶۹۲؛ سنن نسائی: ۵۰۳۱؛ صححه آلبانی.
- ۲- صحیح بخاری: ۲۵۱۷-۶۷۱۵؛ صحیح مسلم: ۳۸۶۸-۳۸۶۹-۳۸۷۰؛ سنن ترمذی: ۱۵۴۱؛ سنن نسائی: ۳۱۴۲-۳۱۴۵؛ صححه آلبانی.

طبق قرآن و سنت چهار کفاره داریم: کفاره قتل، کفارهظهار^۱ و کفاره قسم و کفاره جماع در وقت روزه ماه رمضان، و چیزی که به آنها نزدیک می‌کند فدیة نام دارد زیرا آن از گناهی است که در قبل اتفاق افتاده و با فدیة دادن شخص قسط تقرب به الله تعالی را پیدا می‌کند.

سی و دومین پایه از پایه‌های ایمان: پای‌بند بودن به قراردادهای

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...﴾ [المائدة: ۱]. «... به قراردادهای (پیمان‌ها) عمل کنید». در این باره ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: «عقود یعنی عهد و پیمان‌ها؛ آنچه که الله حلال کرده و یا حرام نموده است و آنچه که واجب نموده و تمامی حدودی که در قرآن وجود دارد»^۲ و همچنین می‌فرماید: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ...﴾ [الانسان: ۷]. «عباد الله کسانی هستند که [در نذرهایشان پایبندند] و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ...﴾ [الحج: ۲۹]. «... و به نذرهایشان وفا کنند...». و نیز می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ...﴾ [التوبة: ۷۵]. «... و از آنها [منافقین] کسانی هستند که با الله پیمان بسته [و خیانت می‌کنند]...». و می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا...﴾ [النحل: ۹۱]. «و به عهد خداوند وقتی پیمان بستید، وفا کنید و قسم‌ها را بعد از تاکید به آنها نشکنید...». از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ غَادِرٍ لِّوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ هَذِهِ غَدْرَةُ فُلَانٍ»^۳. «برای هر پیمان‌شکنی روز قیامت پرچمی بالا برده می‌شود و گفته خواهد شد: این پیمان‌شکنی فلانی است». و حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ

۱- به معنی اینکه شخصی به زن خود بگوید تو مثل محرم من (مادر، خواهر و ...) می‌باشی.

۲- تفسیر ابن کثیر ذیل همین آیه.

۳- صحیح بخاری: ۶۱۷۷-۶۱۷۸؛ صحیح مسلم: ۴۶۲۷-۴۶۲۹-۴۶۳۱-۴۶۳۲-۴۶۳۳-۴۶۳۶؛ سنن ابوداود: ۲۷۵۶؛ و صححه آل‌بانی.

خَصْلَةٌ مِنَ النَّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا أُؤْتِمِنَ حَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ^۱. «چهار چیز است که اگر در شخصی جمع شود او کاملاً منافق است و اگر خصلتی از این خصلت‌ها را داشته باشد، قسمتی از نفاق در وی وجود دارد [مگر] زمانی که آن را از خود دور کند: وقتی به او امانت داده می‌شود خیانت می‌کند و وقتی سخن می‌گوید دروغ‌گویی می‌کند و وقتی پیمان می‌بندد آن را می‌شکند و وقتی بحث می‌کند از حق منحرف می‌شود». و حدیث عقبه بن عامر الجهنی: پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَحَقَّ الشَّرْطِ أَنْ يُوفَى بِهِ مَا اسْتَحْلَلْتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ»^۲. «محقق‌ترین وفای به عهد، [عهد و پیمانی است] که با آن فروج را برای خود حلال می‌کنید»^۳.

سی وسومین پایه از پایه‌های ایمان: شمردن نعمت‌های خداوند ﷻ و واجب بودن شکر گذاری از آنها.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ...﴾ [الإسراء: ۱۱۱]. «و بگو: شکر و ستایش از آن خداوند است...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا...﴾ [النحل: ۱۸]... و اگر نعمت‌های الله را بشماری قابل به شمردن آنها نخواهی بود...». و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝۱۱﴾ [الضحی: ۱۱]. «و [ای پیامبر] نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن». و این قول الله تعالی: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ۝۱۵۲﴾ [البقرة: ۱۵۲]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا بجا آورید و کفر

۱- صحیح بخاری: ۳۴- ۲۴۵۹- ۳۱۷۸؛ صحیح مسلم: ۲۱۹؛ سنن ترمذی: ۲۶۳۲.

۲- صحیح بخاری: ۲۷۲۱- ۵۱۵۱؛ صحیح مسلم: ۳۵۳۷؛ سنن ابو داود: ۲۱۳۹؛ سنن ترمذی: ۱۱۲۷؛ سنن نسائی: ۳۲۸۱- ۳۲۸۲؛ سنن ابن ماجه: ۱۹۵۴؛ صححه آلبانی.

۳- منظور پیمان زناشویی است. (مترجم)

۴- در زبان عربی «حمد» شکری است که با زبان و دل باشد ولی «شکر» به جز تشکر با زبان و دل به این معنی است که بازای نیکی که به شخص شده است، آن شخص کاری را نیز برای تشکر انجام دهد. (مترجم)

نورزید». به غیر از این آیات، الله تعالی در جاهای دیگری نیز این مطلب را بیان فرموده است.

و حدیث ابوذر رضی الله عنه که آورده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا فَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»^۱. «پیامبر ﷺ وقتی به رخت‌خواب می‌رفت می‌فرمود: یا الله به اسم تو می‌میرم و زنده می‌گردم و وقتی بیدار می‌شد می‌فرمود: شکر و ستایش برای خداوندی است که ما را بعد از مردن (خواب) زنده نمود و بسوی وی نشر داده می‌شویم». و حدیث صهیب رضی الله عنه از پیامبر ﷺ: «عَجَبًا لَأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ»^۲. «کار مؤمن شگفت‌آور است، زیرا تمام امورش برایش خیر است و جز برای مؤمن برای کسی دیگر این امر وجود ندارد، وقتی به او خوشی می‌رسد شکر می‌کند که [این شکر] برای او خیر است و وقتی به او سختی می‌رسد صبر می‌نماید که [این صبر نیز] برای او خیر است».

امام بیهقی رحمته الله آورده است: ابو الحسن الکندی القاضی سروده^۳:

إِذَا كُنْتَ فِي نِعْمَةٍ فَارْعَهَا فَإِنَّ الْمَعَاصِي تَزِيلُ النِّعَمَ
«اگر نعمت داشتی و در توانمندی بودی پس از آن محافظت کن، همانا گناهان نعمت‌ها را از بین می‌برند».

سری گفته است: «شکر نعمت است و شکر بر نعمت نیز نعمت است، پس هرگز شکرگذاری به انتها نمی‌رسد»^۴ و امام شافعی رحمته الله در اول کتاب الرسالة آورده است:

۱- صحیح بخاری: ۶۳۲۵-۷۳۹۵؛ صحیح مسلم: ۷۰۵۹-۷۰۶۲.

۲- صحیح مسلم: ۷۶۹۲.

۳- شعب الإيمان: ۴۵۵۹.

۴- شعب الإيمان: ۴۴۰۹.

«شکر و ستایش خدایی را سزد که شکر نعمتی از نعمت‌هایش ادا نمی‌گردد مگر اینکه شکر آن [شکر گذاری نیز] نعمتی است که بر ادا کننده واجب است».

امام بیهقی رحمته آورده است محمود الوراق شعری سروده^۱:

لئن كان شكري نعمة الله نعمة	علي له في مثلها يجب الشكر
فكيف يصح الشكر إلا بفضلله	وإن طالت الأيام واتصل العمر
إذا مس بالسراء عم سرورها	وإن مس بالضراء أعقبها الأجر
وما منها إلا له فيه منه	تضييق بها الأوهام والبر والبحر

«اگر شکر نعمت خداوند توسط من خود شکری باشد، بر من مثل خودش شکر واجب است، پس چگونه شکر صحیح می‌شود مگر به فضلش، و اگر چه روزها بگذرد و عمر طول بکشد، وقتی شادی پیش می‌آید تمامی آن خوشی است، و اگر ناراحتی پیش بیاید در پس آن اجر [اخروی] است، و از آن چیزی نیست مگر آنچه برای آن در آن است، [برای ادای آن] فکرها و خشکی و دریا درمانده می‌شوند».

خارج از مطالبی که امام بیهقی رحمته آورده است جماعتی دو بیت سروده‌اند^۲:

إذا كان شكري نعمة الله نعمة	علي له في مثلها يجب الشكر
فما لي عذر أني مقصر	وعذري إقرارى بأن ليس لي عذر

«چنانچه شکر نعمت خداوند توسط من خود شکری داشته باشد، بر من نیز مانند آن شکری واجب است، عذری ندارم مگر این که کوتاهی نموده‌ام، و عذر من این است که اقرار می‌کنم برای من عذری نیست».

سی و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: حفظ زبان است از چیزی که به آن احتیاج ندارد و شامل دروغ‌گویی، غیبت، خبرچینی (دو بهم زنی) و ناسزا گفتن می‌باشد.

۱- شعب الإيمان: ۴۴۱۲.

۲- شعب الإيمان: ۴۴۱۲.

در قرآن و سنت به این مسئله بسیار پرداخته شده است مانند این سخن الله تعالی: ﴿...وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ...﴾ [الأحزاب: ۳۵]. «... راست‌گویان مرد و راست‌گویان زن [خداوند برای آنها مغفرت و اجر عظیمی آماده نموده است]...». و همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و از راست‌گویان باشید». و نیز می‌فرماید: ﴿...وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...﴾ [الإسراء: ۳۶]. «بر چیزی نرو که بر آن آگاهی نداری...». و همچنین ذات تعالی می‌فرماید: ﴿...فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ...﴾ [الزمر: ۳۲]. «چه کسی ظالم‌تر است از کسی که به الله دروغ ببندد و کلام راست (حقیقت) را تکذیب کند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [الزمر: ۳۳]. «و کسی با راستی آمد و آن را تصدیق نمود آنانند پرهیزکاران». و نیز می‌فرماید: ﴿...إِنَّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ [النحل: ۱۱۶]. «کسانی که به خداوند دروغی را افترا می‌بندند، رستگار نمی‌شوند».

دلیل از سنت: حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يَكُونَ صِدِّيقًا وَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا!». «همانا راست‌گویی بسوی نیکی هدایت می‌فرماید و نیکی بسوی بهشت، و مردی است که آنقدر راست می‌گوید تا آنجا که نزد پروردگار صدیق شمرده می‌گردد؛ و دروغ‌گویی بسوی فسق و فجور می‌کشاند و فسق و فجور بسوی جهنم، و مردی است که آنقدر دروغ می‌گوید که نزد پروردگار کذاب شمرده می‌شود». حدیث سهل بن سعد رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- صحیح بخاری: ۶۰۹۴؛ صحیح مسلم: ۶۸۰۳ - ۶۸۰۴ - ۶۸۰۵؛ سنن ابوداود: ۴۹۸۹؛ سنن ترمذی: ۱۹۷۱؛ سنن ابن ماجه: ۴۶؛ صححه آلبانی.

«مَنْ يَضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ»^۱. «کسی که ما بین دو ریشش (دهانش) و ما بین دو رانش (فرجش) را تضمین کند من برای او بهشت را تضمین می‌کنم». و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ»^۲. «کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد سخن خیر بگوید و گرنه سکوت کند».

سی و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: امانت داری و واجب بودن برگرداندن امانت به اهلش

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ [النساء: ۵۸]. «خداوند به شما امر می‌نماید که امانت‌ها را به اهل آن برگردانید». و همچنین می‌فرماید: ﴿...فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ...﴾ [البقرة: ۲۸۳]. «... به کسی که امانت سپرده شده آن را برگرداند [به اهلش]...». حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرموده است: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ مَنْ ائْتَمَنَكَ وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ»^۳. «امانت را به کسی که آن را به تو امانت داده برگردان و [حتی] کسی که به تو خیانت نمود به وی خیانت نکن». و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى ، وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ»^۴. «سه چیز است که اگر در شخصی پیدا شود او منافق است، [حتی] اگر روزه بگیرد و نماز بخواند و بپندارد که او مسلمان است: وقتی سخن می‌گوید، دروغ بگوید و وقتی به او امانتی داده می‌شود، خیانت می‌کند و وقتی پیمان می‌بندد، خلف وعده می‌کند».

۱- صحیح بخاری: ۶۴۷۴.

۲- صحیح بخاری: ۶۰۱۸ - ۶۰۱۹ - ۶۱۳۵ - ۶۱۳۶ - ۶۱۳۸ - ۶۴۷۵ - ۶۴۷۶؛ صحیح مسلم: ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۵ -

۶۱۰؛ سنن ابو داود: ۵۱۵۴؛ سنن ترمذی: ۱۹۶۷ - ۲۵۰۰؛ سنن ابن ماجه: ۳۶۷۲ - ۳۹۷۱؛ صححه آلبانی

۳- سنن ابوداود: ۳۵۳۴ - ۳۵۳۵؛ سنن ترمذی: ۱۲۶۴؛ و شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

۴- صحیح ابن حبان: ۲۵۷؛ مسند احمد: ۹۱۴۷ - ۱۰۹۳۸؛ قال شیخ شعيب الأرناؤوط: صحیح علی شرط مسلم.

سی و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: حرام شمردن کشتن اشخاص و جنایت بر علیه آنها

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۳]. «کسی که مؤمنی را به عمد به قتل برساند جزای او جهنم است و در آن جاودان خواهد ماند و خداوند بر وی غضب گرفته و لعنتش می‌کند و برای او عذاب عظیمی مهیا ساخته است». و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹-۳۰]. «و خودکشی نکنید که همانا خداوند به شما مهربان است * کسی که از روی تجاوز و ستم [این عمل را] انجام دهد او را با آتش خواهیم سوزاند و این کار برای الله آسان است». حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «قِتَالُ الْمُسْلِمِ كُفْرٌ وَسِبَابُهُ فُسُوقٌ»^۱. «جنگ با مسلمان کفر و دشنام دادن به وی فسق است». و سخن دیگر صلی الله علیه و آله: «أَوَّلُ مَا يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ»^۲. «اولین مسئله که روز قیامت بین مردم حساب‌رسی می‌شود درباره خون‌ریزی است». حدیث ابن عمر رضی الله عنهما: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَنْ يَزَالَ الْمُؤْمِنُ فِي فُسْحَةٍ مِنْ دِينِهِ مَا لَمْ يُصَبْ دَمًا حَرَامًا»^۳. «انسان مومن همیشه در آسایش دین خود قرار دارد، (یعنی خللی در دینش وارد نمی‌شود) تا زمانی که مرتکب ریختن خون ناحق نشود».

سی و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: کنترل شهوت و واجب بودن داشتن عفاف

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾ [النور: ۳۰]. «... و [به مؤمنین

۱- سنن ترمذی: ۲۶۳۴؛ سنن نسائی: ۴۱۰۴؛ شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۶۸۶۴؛ صحیح مسلم: ۴۴۷۵؛ سنن ترمذی: ۱۳۹۶-۱۳۹۷؛ سنن نسائی: ۳۹۹۱-۳۹۹۲-۳۹۹۵؛

سنن ابن ماجه: ۲۶۱۵-۲۶۱۷؛ صححه آل‌بانی.

۳- صحیح بخاری: ۶۸۶۲.

بگو: [پاکدامنی نمایند...]. و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ [النور: ۳۱].
 «... و [به زنان مؤمن بگو: پاکدامنی نمایند...]. و نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ [المؤمنون: ۵]. «و [مؤمنین کسانی هستند که] آنان شرمگاه‌شان را پاک نگه می‌دارند». ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ [المعارج: ۲۹]. «و [نمازگزاران واقعی کسانی هستند که] آنان شرمگاه‌شان را پاک نگه می‌دارند». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۲]. «و به زنا نزدیک نشوید، که آن گناه بسیار زشت و بد راهی است».

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْتَهَبُ نَهْبَةً ذَاتَ شَرَفٍ يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ فِيهَا أَبْصَارَهُمْ حِينَ يَنْتَهَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ». «زنا کار هنگامی که زنا می‌کند مؤمن نیست و دزد وقتی دزدی می‌کند مؤمن نیست و نوشنده شراب وقتی آن را می‌نوشد مؤمن نیست و چپاول‌گری که غنیمت با ارزشی را غارت می‌کند که مردم به آن چشم دوخته‌اند، هنگام چپاول مؤمن نیست».

سی و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: اجتناب از هر آنچه که حرام شده است از

قبیل دزدی، راهزنی، رشوه‌خواری و خوردن آنچه شرعاً وی استحقاق آن را ندارد.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...﴾ [البقرة: ۱۸۸].
 «و اموالتان را بین خودتان به ناحق نخورید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا﴾ [النساء: ۱۶۰-۱۶۱]. «پس به

۱- صحیح بخاری: ۲۴۷۵-۵۵۷۸-۶۷۷۲-۶۷۸۲-۶۸۰۹-۶۸۱۰؛ صحیح مسلم: ۲۱۱-۲۱۷؛ سنن ابوداود: ۴۶۸۹؛ سنن ترمذی: ۲۶۲۵؛ سنن نسائی: ۴۸۶۹-۴۸۷۰-۴۸۷۱-۴۸۷۲-۵۶۵۹-۵۶۶۰؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۳۶؛ و صححه آلبانی.

خاطر ظلمی که یهودیان می‌کردند و به خاطر اینکه بسیار مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، چیزهای پاکیزه را که بر آنان حلال شده بود حرام کردیم * و به سبب اینکه ربا می‌خوردند، حال آنکه از آن نهی شده بودند، و به خاطر اینکه اموال مردم را به ناحق می‌خوردند...». و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ [المطففين: ۱]. «وای بر کم فروشان) و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ...﴾ [الإسراء: ۳۵]. «و هنگامی که پیمانه می‌کنید آن را به کمال و تمام پیمانه نمائید و با ترازوی درست وزن نمائید...». پیامبر ﷺ وقتی در منا خطبه می‌خواند فرمود: «...فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ...». «... پس همانا [تجاوز به] خونهای تان و اموال تان و ناموس یکدیگر بر شما حرام است...».

سی و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: دوری جستن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حرام.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ...﴾ [المائدة: ۳]. «بر شما حرام شد: مردار و خون و گوشت خوک و گوشتی که به هنگام ذبح آن نام غیر خدا را بر آن برده باشد و [حیوان] خفه شده یا حیوانی که با سنگ، عصا و یا غیر آن کشته شده باشد یا پرت شده از بلندی و حیوانی که بر اثر شاخ حیوان دیگری مرده باشد و حیوانی که توسط حیوانات درنده کشته شده باشد، مگر اینکه قبل از مرگ آن را پیدا کرده و با نام خداوند آن را ذبح نموده باشید و [همچنین حرام است] گوشت حیوان ذبح شده بر سنگ‌های کنار کعبه [که برای احترام به آنان اینکار را می‌کردند] و [نیز آنان که] با چوبه‌های تیر به پیشگویی می‌پردازید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ

۱- صحیح بخاری: ۶۷- ۱۰۵- ۱۷۳۹- ۱۷۴۲- ۴۴۰۶- ۵۵۵۰- ۶۰۴۳- ۶۷۵۸- ۷۰۷۸- ۷۴۴۷؛ صحیح مسلم:

۴۴۷۷- ۴۴۷۸؛ سنن ترمذی: ۲۱۵۹- ۳۰۸۷؛ سنن ابن ماجه: ۳۰۵۵- ۳۰۵۸؛ و صححه آلبانی.

لَا أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ... ﴿[الأنعام: ۱۴۵]﴾. «بگو: در آن چه به من وحی شده است خوردن چیزی را بر خورنده حرام نمی‌یابم مگر حیوان مردار یا خون جاری یا گوشت خوک، که همه اینها ناپاکند، یا حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شود...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ...﴾ [المائدة: ۹۰]. «همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای فال‌گیری پلیدند و از کارهای شیطان می‌باشند، پس از آنها بپرهیزید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ...﴾ [البقرة: ۲۱۹]. «از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آن دو اثم (گناه) بزرگی است...». و الله تعالی صفت اثم را بر آن دو می‌شمارد و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ...﴾ [الأعراف: ۳۳]. «بگو فقط پروردگار من فواحش را چه به صورت آشکار و چه به صورت پنهانی و اثم و ستم ناحق را حرام فرموده است...». و در این آیه بصورت آشکار اثم حرام شده است و همچنین گفته شده است اثم نامی از نام‌های شراب است، و شعری آمده است:

شربت الإثم حتی ضل عقلي كذاك الإثم يذهب بالعقول

«اثم را نوشیدم تا اینکه عقلم ضایع شد، اینچنین است اثم که عقل‌ها را از بین می‌برد». عائشه رضی الله عنها گفته است: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ الْبَيْتِ فَقَالَ كُلُّ شَرَابٍ أَسْكَرَ فَهُوَ حَرَامٌ».^۱ «از رسول الله ﷺ در مورد شراب غسل سوال شد، فرمود: هر نوشیدنی‌ای که مست کند حرام است». و حدیث ابن عمر رضی الله عنهما: پیامبر ﷺ فرموده است: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ

۱- صحیح بخاری: ۵۵۸۵-۵۵۸۶؛ صحیح مسلم: ۵۳۲۹-۵۳۳۰-۵۳۳۱-۵۳۳۲؛ سنن ابو داود: ۳۶۸۲؛ سنن نسائی: ۵۵۹۲-۵۵۹۳-۵۵۹۴؛ صححه آلبانی.

مُسْكِرٍ حَرَامٌ...»^۱. «هر مست‌کننده‌ای شراب است و هر مست‌کننده‌ای حرام است...». در روایت امام مسلم رحمه الله می‌افزاید: «وَمَنْ شَرِبَ الْخُمْرَ فِي الدُّنْيَا فَمَاتَ وَهُوَ يُدْمِنُهَا لَمْ يَتُبْ لَمْ يَشْرِبْهَا فِي الْآخِرَةِ». «کسی که در دنیا شراب بنوشد و بدون توبه بمیرد در آخرت از نوشیدن [شراب بهشتی]^۲ محروم می‌شود».

دلیل از سنت: حدیث ابی‌هریره رضی الله عنه: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَيْلَةَ أُسْرِي بِهِ بِإِيلِيَاءَ بِقَدَحَيْنِ مِنْ خَمْرٍ وَلَبَنٍ فَنَظَرَ إِلَيْهِمَا فَأَخَذَ اللَّبَنَ قَالَ جَبْرِيلُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَذَاكَ لِلْفِطْرَةِ لَوْ أَخَذْتَ الْخُمْرَ غَوَتْ أُمَّتُكَ»^۳. «شب اسری برای رسول الله ﷺ دو قدح آورده شد، یکی از شراب و دیگری از شیر، به آن دو نگاه کرد و شیر را برداشت، جبرئیل فرمود: شکر و ستایش الله را که تو را به فطرت هدایت نمود، اگر شراب را بر می‌داشتی امت گمراه می‌شدند». و حدیثی که در قبل به آن اشاره شد: «شراب‌خور وقتی شراب می‌نوشد مؤمن نیست».

امام بیهقی رحمه الله با اسنادش از حسن بصری رحمه الله آورده است: «به مردی از اعراب گفته شد: چرا نبیذ (نوعی شراب) نمی‌نوشی؟ گفت: قسم به خدا! هیچ چیز مرا بیشتر از عقل سالم راضی نمی‌کند، چگونه آن را فاسد کنم»^۴ و از حکم بن هشام آمده است که به پسرش می‌گفت: «ای پسر من از نبیذ بر حذر باشد پس آن استغراخی است در کنج دهانت و نجاستی است در پشتت و حد [شلاق] است بر کمرت و [توسط آن] مورد مضحکه بچه‌ها قرار می‌گیری و اسیر حساب‌رس می‌گردد»^۵ و بعضی حکیمان می‌گویند او به پسرش

۱- صحیح مسلم: ۵۳۳۶ - ۵۳۳۷ - ۵۳۳۹؛ سنن ابوداود: ۳۶۷۹ - ۳۶۸۰؛ سنن ترمذی: ۱۸۶۱؛ سنن نسائی: ۵۵۸۲ -

۵۵۸۳ - ۵۵۸۵ - ۵۵۸۶ - ۵۷۰۱؛ سنن ابن ماجه: ۳۳۹۰؛ صححه آل‌بانی.

۲- شراب بهشتی طبق آیات قرآن (محمد ۱۵ و الواقعة ۱۹) مثل شراب دنیا بدمزه نبوده و بعد از نوشیدن آن سر درد نمی‌آورد (خماری ندارد) و در عین مستی بی‌عقل نمی‌کند. (مترجم)

۳- صحیح بخاری: ۴۷۰۹ - ۵۵۷۶؛ صحیح مسلم: ۵۳۸۵؛ سنن نسائی: ۵۶۵۷؛ شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۴- شعب الإيمان: ۵۶۰۳.

۵- شعب الإيمان: ۵۶۰۵.

گفت: «چه چیز تو را به نبیذ دعوت می‌دهد؟ گفت: هضم کردن غذایم، گفت: قسم به الله آن دینت را هضم می‌کند»^۱.

و از عبدالله بن إدريس^۲:

كل شراب مسكر كثيره من ثمرة أو عنب عصيره
فإنه محرم يسيره إني لكم من شره نذيره

«هر نوشیدنی که زیاد آن مست می‌کند، چه از خرما و چه از آب انگور، گمش حرام است، و من برای شما ترساننده از شر آن هستم».

و از ابی بکر بن ابی الدنيا که شعری برای پدرش سرود^۳:

وإذا النبذ على النبذ شربه أزرى بدئك مع ذهاب الدرهم

«و وقتی نبیذ را بر نبیذ می‌نوشی، به دین تو عیب وارد می‌کنم و همراه آن مالت نیز هلاک می‌شود».

و حسین بن عبد الرحمن سروده است^۴:

أرى كل قوم يحفظون حریمهم وليس لأصحاب النبذ حریم
إذا جئتهم حيوك ألفا ورحبوا وإن غبت عنهم ساعة فذمیم
أخاهم إذا ما دارت الكأس بينهم وكلهم رث الوصال يقوم
فهذا ثنائي لم أقل بجهالة ولكن بحال الفاسقين عليم

«هر قومی را می‌بینم که حریم‌شان را حفظ می‌کنند، [ولی] برای اصحاب نبیذ حریمی وجود ندارد، وقتی نزد آنها می‌روی هزار بار به تو سلام می‌کنند و خوش آمد می‌گویند، و اگر مدت زمانی نزد آنها بنوشی مذمت خواهی شد، برادرشان وقتی جام را بین آنها

۱- شعب الإيمان: ۵۶۰۶.

۲- شعب الإيمان: ۵۶۲۵.

۳- شعب الإيمان: ۵۶۰۶.

۴- شعب الإيمان: ۵۶۱۳.

می‌گرداند، و تمامی آنها برای وصال خود [با شراب] مرثیه‌سرایی خواهند نمود، و این ستایش من است که آن را از روی جهالت نمی‌گویم، ولی به حال گناه‌کاران عالم هستم».

و ابی‌هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ: ﴿يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ [المؤمنون: ۵۱]. وَقَالَ: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُّوْا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ [البقرة: ۱۷۲]. ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ!». «ای انسان‌ها خداوند پاک است و بجز پاک را قبول نمی‌کند خداوند همان چیزی را که به فرستادگانش امر نموده به مؤمنین نیز امر می‌نماید، سپس فرمود: «ای فرستادگان از چیزهای طیب بخورید و عمل صالح انجام دهید، همانا من به آنچه می‌کنید آگاهم» و فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهای پاکی که روزی‌تان قرار دادیم بخورید» سپس مردی را مثال زد که سفرش طول می‌کشد و پریشان موی و غبارآلود دو دستش را بسوی آسمان برده و می‌گوید: ای پروردگار! ای پروردگار! [و این درحالی است که] خوراکش حرام و نوشیدنش حرام و لباسش حرام و روزی داده می‌شد با حرام، و از این رو دعایش مستجاب نمی‌شود». از نعمان بن بشیر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنِ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي يَرَعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ...»^۱. «حلال آشکار است و حرام [نیز] آشکار است و بین آن دو مشتهبات وجود دارد که عدۀ زیادی از مردم از آنان بی‌خبرند، هرکس از مشتهبات به علت تقوا دوری کند دین و ناموسش را پاک نگه داشته است و کسی که

۱- صحیح مسلم: ۲۳۹۳؛ سنن ترمذی: ۲۹۸۹.

۲- صحیح مسلم: ۴۱۷۸؛ سنن ابوداود: ۳۲۲۹؛ سنن ترمذی: ۱۲۹۵؛ سنن نسائی: ۴۴۵۳-۵۷۱۰؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۸۴؛ صححه آلبانی.

در مشتهات وارد شود، وارد مسائل حرام شده است مانند چوپانی که دامش را نزدیک مناطق ممنوعه می‌چراند، در حالی که نزدیک است دامش وارد آن منطقه شوند؛ آگاه باشید که هر پادشاهی منطقه ممنوعه دارد و منطقه ممنوعه خداوند چیزهایی است که او حرام نموده است. حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنِّي لَأَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِي فَأَجِدُ الثَّمَرَةَ سَاقِطَةً عَلَى فِرَاشِي فَأَرْفَعُهَا لِأَكْلِهَا ثُمَّ أَخْشَى أَنْ تَكُونَ صَدَقَةً فَأُلْقِيهَا»^۱. «چه بسا وارد خانه‌ام می‌شوم و خرمایی را می‌بینم که روی رخت‌خوابم افتاده است، آنرا برداشته تا بخورم، پس از ترس آنکه مبدا از مال صدقه باشد، آن را می‌اندازم». در صحیح بخاری از عائشه رضی الله عنها آمده است: «كَانَ لِأَبِي بَكْرٍ غُلَامٌ يُخْرِجُ لَهُ الْخَرَاجَ وَكَانَ أَبُو بَكْرٍ يَأْكُلُ مِنْ خَرَاجِهِ فَجَاءَ يَوْمًا بِشَيْءٍ فَأَكَلَ مِنْهُ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ لَهُ الْغُلَامُ أَتَدْرِي مَا هَذَا فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ وَمَا هُوَ قَالَ كُنْتُ تَكْهَنُ لِنَاسٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَمَا أَحْسَنُ الْكِهَانَةَ إِلَّا أَنِّي خَدَعْتُهُ فَلَقِيَنِي فَأَعْطَانِي بِذَلِكَ فَهَذَا الَّذِي أَكَلْتُ مِنْهُ فَأَدْخَلَ أَبُو بَكْرٍ يَدَهُ فَقَاءَ كُلَّ شَيْءٍ فِي بَطْنِهِ»^۲. «ابوبکر رضی الله عنه غلامی داشت که برای او خراج می‌گرفت و ابوبکر رضی الله عنه از آن خراج می‌خورد، روزی چیزی را آورد و ابوبکر رضی الله عنه از آن خورد؛ غلام به او گفت: آیا می‌دانی این چیست؟ ابوبکر رضی الله عنه گفت: آن چیست؟ غلام گفت: در زمان جاهلیت برای شخصی کهانت می‌کردم و کسی بهتر از من کهانت نمی‌کرد او را فریب دادم و وقتی مرا دید این را به من عطا کرد و این همان چیزی است که از آن خوردی، پس از آن ابوبکر رضی الله عنه دستش را در گلویش کرد و هر آنچه که در شکمش بود خارج کرد». زید بن أسلم آورده است: «شَرِبَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رضی الله عنه لَبَنًا فَأَعْجَبَهُ فَسَأَلَ الَّذِي سَقَاهُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا اللَّبَنُ؟ فَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ وَرَدَ عَلَى مَاءٍ قَدْ سَمَاهُ فَإِذَا نَعَمٌ مِنْ نَعَمِ الصَّدَقَةِ وَهُمْ يَسْقُونَ فَحَلَبُوا لِي اللَّبَنَ فَجَعَلْتُهُ فِي سِقَائِي هَذَا فَأَدْخَلَ عُمَرُ رضی الله عنه إِيَّابَهُ وَاسْتَقَاءَهُ»^۳. «عمر بن خطاب رضی الله عنه شیری نوشید و از آن تعجب نمود، و از

۱- صحیح بخاری: ۲۴۳۲؛ صحیح مسلم: ۲۵۲۵-۲۵۲۶.

۲- صحیح بخاری: ۳۸۴۲.

۳- موطا مالک: ۶۰۶؛ شعب الإيمان: ۵۷۷۱.

کسی که به او [شیر] نوشانده بود پرسید: این را از کجا آورده‌ای؟ به او گفت که به آبی رسیدم که علامت دار بود و شتری از شتران صدقه آنجا بود و آنها از [شیر] آن می‌نوشیدند و از شیر آن در این مَشْگ من ریختند؛ حضرت عمر رضی الله عنه [نیز] دستش را در دهانش برد و هر چه در آن بود قی نمود [زیرا اموال صدقه برای او حرام بود]. و در مورد پاک بودن خوردنی‌های حضرت علی رضی الله عنه آمده است: «او در حالی از مدینه می‌آمد که نان‌ش در کوله پشتی‌اش بود»^۱.

امام بیهقی رحمته الله با اسنادش آورده است: یوسف ابن اسباط گفت: «وقتی جوانی عبادت می‌کند، ابلیس [به یارانش] می‌گوید: بنگرید خوراکی‌هایش را از کجا آورده است، و اگر خوراکی‌هایش از خوردنی‌های پلید بود می‌گوید: او را به حال خود بگذارید و خود را مشغول او نکنید، او را به حال خود بگذارید تا کوشش کند و زحمت بکشد، برای شما خودش کافی است»^۲. حذیفه مرعشی به مردم نگاه کرد که برای رسیدن به صف اول [نماز] با یکدیگر رقابت می‌کردند، او گفت: «شایسته است که در خوردن نان حلال با یکدیگر رقابت ورزند»^۳. از فضیل بن عیاض رحمه الله که گفت: «از سفیان ثوری درباره فضیلت صف اول [نماز] سوال شد، او گفت: به چیزی که از آن می‌خوری نگاه کن که از کجا آورده‌ای و [آنوقت] نماز را در صف آخر بخوان»^۴ و شعیب بن حرب این حدیث را این‌گونه روایت می‌کند: «به درهمت نگاه کن که آن از کجا رسیده است و [آنوقت] در صف آخر نماز بخوان»^۵ و از سری السقطی: «او [اگر چیزی مالکش کسی غیر از خودش بود حتی] تره سیاه و یا میوه و یا چیز دیگری نمی‌خورد و در این مسئله تندی به خرج داده و غایت پرهیزکاری را به عمل می‌رساند»^۶. همچنین سری گفته است: «در طرسوس

۱- شعب الإيمان: ۵۷۷۱.

۲- شعب الإيمان: ۵۷۷۴.

۳- شعب الإيمان: ۵۷۷۶.

۴- شعب الإيمان: ۵۷۷۷.

۵- شعب الإيمان: ۵۷۷۷.

۶- شعب الإيمان: ۵۷۸۱.

بوده و در خانه دو جوان با من بودند و عبادت می‌نمودند و در خانه تنوری بود که در آن نان می‌پختند، تنور شکست و با اموال خودم بدلی برای آن ساختم، در نتیجه این شد که دیگر نانی در آن نپختند^۱. و همچنین گفته است: و از او آمده است: «ابو یوسف غسولی به شعر پای‌بند بود در حالی که جهاد می‌کرد و وقتی همراه مردم قتال می‌نمود و به سرزمین روم وارد می‌شدند، یارانش از ذبائح و میوه‌های آن می‌خوردند ولی او نمی‌خورد، از او پرسیدند: ای ابو یوسف، آیا شک می‌کنی که آنها حلال هستند؟ گفت: خیر، به او گفتند: پس از چیز حلال بخور، او گفت: همانا زهد فقط در حلال است^۲. و از سری آمده است که گفت: «از محل جنگ برمی‌گشتم که در راهم آبی زلال دیدم که دورش را گیاهانی پوشانده بودند، با خودم گفتم: ای سری! اگر در روزی چیز حلالی را بخوری و چیز حلالی را بنوشی آن همین روز است؛ از مرکبم پیاده شدم و از آن گیاه خورده و از آن آب نوشیدم؛ صدا زنده‌ صدا برآورد و صدایی را شنیدم در حالی که کسی را نمی‌دیدم [گفته می‌شد:] ای سری بن مغلّس اتفاق آن چیزی که اینجا بدست آوردی از کجاست؟ و آن را به خودم وا گذاشت^۳. و از بعضی روایت شده است: «حلال را طلب می‌کرد و به دنبال راهنما بود که حسن بصری را در بصره یافت، و از راهی دور بسوی او سفر کرد، حسن به او گفت: مردی شخصی واعظ هستم از هدایای مردم و مهمان‌شدن روزی می‌خورم ولی تو را راهنمایی می‌کنم به مردی در سیستان، او را در مزرعه‌اش می‌یابی که گاوی دارد و برای او دو مسیر گذاشته است در یکی از راه‌ها کاه و جو گذاشته و در دیگری آب، وقتی گاو به کاه و جو می‌رسد آن دو را بر وی عرضه می‌کند و وقتی به آب می‌رسد آن را بر گاو عرضه می‌کند، مردی متوجه وی می‌شود و آن را این‌گونه می‌باید بر او سلام کرده و حالش را پیش وی بیان می‌دارد، پس آن مرد به گریه می‌افتد و می‌گوید

۱- شعب الإيمان: ۵۷۸۲.

۲- شعب الإيمان: ۵۷۸۳.

۳- شعب الإيمان: ۵۷۸۴ و ۵۷۸۵.

امام ابو سعید راست گفت، ولی آن را فراموش کردم زیرا این گاو، روزی در زمین همسایه‌ام چریده است و شکمبه آن با چریدن [در زمین همسایه‌ام] پر شده است و در حالی به زمین من برگشته که از خاک همسایه‌ام با خاک خودم مخلوط شده است و شبهه ای برایم ایجاد شد که بسوی او بر می‌گردد و به همین علت تو را به سوی شخصی دیگر راهنمایی کردم و به گریه افتاد» و از ابو عبدالله بن جلاء که گفت: «کسی را می‌شناسم که سی سال در مکه اقامت داشت و از آب زمزم ننوشید بجز آنچه در جام آب و دلو از وی طلب نوشیدن می‌کردن و هرگز از غذای حلب که از مصر می‌آمد نخورد»^۱. از بشر بن حارث حافی بن عبدالرحمن آمده است که گفت: از معافی عمران شنیدم: «ده نفر از اهل علمی در گذشته بودند، توجه شدید به حلال داشتند و چیزی وارد شکم‌شان نمی‌شد مگر اینکه می‌دانستند آن حلال است و اگر اینطور نبود به خاک بسنده می‌نمودند؛ سپس شروع به شمردن نمود: ابراهیم بن ادهم و سلیمان خواص و علی بن فضیل بن عیاض و ابا معاویه الأسود و یوسف بن أسباط و وهیب بن الورد و حذیفه شیخی از اهل حران و داود طائی و ده نفر را شمرد»^۲.

و از یحیی بن معین محدث^۳:

الهل	یذهب	حله	وحرامه	یوما	وتبقى	في	غد	آثامه
ليس	التقي	بمتمق	لإلهه	حتى	يطيب	شرابه	وطعامه	
	ويطيب	ما تحوي	وتكسب	كفه	ويكون	في	حسن	الحديث
	نطق	النبي	لنا	به	عن	ربه	فعلی	النبي
							صلاته	وسلامه

«مال چه حلال باشد و چه حرام روزی [بعد از مرگ] خواهد رفت، و فردا آثار گناه آن باقی می‌ماند، متقی کسی نیست که از معبودش بترسد، مگر اینکه نوشیدنی و

۱- شعب الإيمان: ۵۷۸۶.

۲- شعب الإيمان: ۵۷۶۴.

۳- شعب الإيمان: ۵۷۸۸.

خوراکی‌هایش را پاک گردانند، پاک باشد آنچه جمع می‌کند و آنچه با دستش به دست می‌آورد، کلامش با نیکی سخن باشد، پیامبر ﷺ از قول پروردگارش آن را به ما گفته است، پس بر پیامبر سلام و صلواتش باشد».

از سفیان الثوری در مورد پرهیزکاری سوال شد، او نیز شعری سرود:

إني وجدت فلا تظنوا غيره هذا التورع عند هذا الدرهم
فإذا قدرت عليه ثم تركته فاعلم بأن هناك تقوى المسلم

«من [چیزی] یافتم و به غیر از آن گمان نبرید، این پرهیزکاری نزد این درهم، پس اگر بر آن حساب و کتابی داشته باشم آن را ترک می‌کنم، پس بدان در این صورت است تقوای مسلمان».

وعن محمد بن عبدالكريم المروزي لما ولي يحيى بن أكنم القضاء كتب اليه أخوه عبدالله بن أكنم من مرووكان من الزهاد:

ولقمة بجريش الملح تأكلها الذ من تمرة تحشى بزنبور
وأكله قربت للهلك صاحبها كحبة الفخ دقت عنق عصفور

«و اینکه لقمه از نمک نسائیده بخوری، خوشمزه‌تر از خرمایی است که از خوش زبانی بدست آید، و خوردنش باعث نزدیک شدن صاحبش به هلاکت می‌شود، مانند دانه که در دام وجود دارد تا گردن پرنده به آن گیر کند، و ربیع بن خثیم هنگام مرگش نزد کسی که از او وصیت می‌خواست، بود و به او گفت: «به تو وصیت می‌کنم که عملت صالح باشد و طعامت پاک باشد»^۲.

چهلمین پایه از پایه‌های ایمان: حرام دانستن و نپوشیدن لباس‌هایی که زشت شمرده شده‌اند و ظرف و ظروفی که استفاده از آن حرام شده است.

۱- شعب الإيمان: ۵۷۸۹.

۲- شعب الإيمان: ۵۷۷۲.

پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ لَبَسَ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا فَلَنْ يَلْبَسَهُ فِي الْآخِرَةِ»^۱. «کسی^۲ که در دنیا لباس ابریشم بپوشد، در آخرت هرگز آن را نخواهد پوشید». پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ وَلَا الدِّيْبَاجَ وَلَا تَشْرَبُوا فِي آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَا تَأْكُلُوا فِي صَحَافِهَا فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَنَا فِي الْآخِرَةِ»^۳. «لباس ابریشم نازک و کلفت نپوشید و در ظروف طلائی و نقره‌ای [چیزی] ننوشیده و [چیزی] نخورید! پس همانا اینها برای آنها [کافران] در دنیا است و برای ما در آخرت». حدیث ابن مسعود رضی الله عنه در صحیح مسلم که پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبَرُ بَطَرُ الْحَقِّ وَغَمَطُ النَّاسِ»^۴. «الله زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد؛ تکبر آن است که از حق روی برگردانی و مردم را کوچک پنداری». وحدیث ابی‌برده رضی الله عنه: «دَخَلْتُ عَلَى عَائِشَةَ فَأَخْرَجَتْ إِلَيْنَا إِزَارًا غَلِيظًا مِمَّا يُصْنَعُ بِالْيَمَنِ وَكِسَاءً مِنَ الَّتِي يُسْمُونَهَا الْمُلَبَّدَةَ - قَالَ - فَأَقْسَمْتُ بِاللَّهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قُبِضَ فِي هَذَيْنِ الثَّوْبَيْنِ»^۵. «به نزد عایشه رضی الله عنها رسیدم ازار کلفتی را که در یمن ساخته شده بود و عبایی که به آن ملبدۀ گفته می‌شد به ما نشان داد و گفت: قسم به الله! همانا رسول الله ﷺ در این دو روحش قبض شد». حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما: «مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خِيَلَاءَ لَمْ يَنْظُرْ

۱- صحیح بخاری: ۵۸۳۲-۵۸۳۳-۵۸۳۴؛ صحیح مسلم: ۵۵۴۶-۵۵۴۷؛ سنن ترمذی: ۲۸۱۷؛ سنن ابن ماجه:

۳۵۸۸؛ صححه آلبانی.

۲- این حدیث برای مردان است و خداوند برای زنان آسان گرفته و برای آنها لباس ابریشم حرام نمی‌باشد. (مترجم)

۳- صحیح بخاری: ۵۴۲۶-۵۶۳۲-۵۶۳۳-۵۸۳۷؛ صحیح مسلم: ۵۵۲۱؛ سنن ابوداود: ۳۷۲۳؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح مسلم: ۲۷۵.

۵- صحیح بخاری: ۳۱۰۸؛ صحیح مسلم: ۵۵۶۳-۵۵۶۴؛ سنن ابو داود: ۴۰۳۶؛ سنن ابن ماجه: ۳۵۵۱؛ صححه آلبانی.

اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱. «کسی که از روی غرور ازارش [یا شلوارش] را دراز کند خداوند روز قیامت به وی نمی‌نگرد».

چهل و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: اجتناب کردن از بازی‌ها و تفریحاتی که شریعت از آن منع نموده است.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِو وَمِنَ التَّجَرَّةِ...﴾ [الجمعة: ۱۱]. «... بگو: آنچه نزد خداوند است بهتر از سرگرمی و تجارت است». و حدیث سلیمان بن بریده در صحیح مسلم از پدرش بریده بن الحصیب رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ لَعِبَ بِالرَّذْشِيرِ فَكَأَنَّمَا صَبَغَ يَدَهُ فِي لَحْمِ خَنْزِيرٍ وَدَمِهِ^۲». «کسی که با تخته نرد بازی کند مانند این است که دستش را در گوشت و خون خوک فرو برده است».

چهل و دومین پایه از پایه‌های ایمان: میانه روی در انفاق و اجتناب از خوردن مال از راه باطل

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ [الإسراء: ۲۹]. «و دست خودت را بر گردنت بسته مدار [اصلاً انفاق نکنی] و به تمامی آن را گشاده نساز [همه مال را انفاق کنی] که در نتیجه آن ملامت زده [و] درمانده بنشینی». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: ۶۷]. «و [عباد الرحمن] کسانی هستند که وقتی انفاق می‌کنند در آن زیاده روی نکرده و [همچنین] خساست ننموده و بین این دو اعتدال پیش می‌گیرند». و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ ثَلَاثًا وَنَهَىٰ عَنْ ثَلَاثٍ حَرَّمَ عُقُوقَ الْوَالِدِ

۱- صحیح بخاری: ۳۶۶۵-۵۷۸۳-۵۷۸۴-۵۷۹۱؛ صحیح مسلم: ۵۵۷۴؛ سنن ابوداود: ۴۰۵۸؛ سنن ترمذی: ۱۷۳۱؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۶۰۳۳؛ سنن ابی داود: ۴۹۳۹؛ سنن ابن ماجه: ۳۷۶۳؛ صححه آلبانی.

وَوَادَّ الْبَنَاتِ وَلَا وَهَاتِ. وَنَهَى عَنْ ثَلَاثٍ قِيلَ وَقَالَ وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةُ الْمَالِ^۱.
 «الله سه چیز را حرام دانسته و از سه چیز نهی نموده است: نافرمانی از پدر [و در حدیثی از مادر] و زنده بگور کردن دختران و به زور گرفتن چیزی و ندادن حق دیگران را حرام و از سخن بیهوده و زیاده روی در درخواست [از دیگران] و ضایع کردن مال نهی نموده است».

چهل و سومین پایه از پایه‌های ایمان: ترک حسادت

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ [الفلق: ۵]. «و از شر حسود وقتی حسودی کند [به الله پناه می‌برم]». و همچنین می‌فرماید: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ [النساء: ۵۴]. «آیا به خاطر آنچه که خداوند به انسان‌ها عطا نموده است به آنها حسادت می‌ورزند».

همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَقَاطَعُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»^۲. «به یکدیگر حسودی نورزید و به یکدیگر بغض نکنید و باهم قطع رابطه ننمائید و از بندگان خداوند باشید که با یکدیگر برادرند». نویسنده حدیث دیگری آورده است که در دل همین حدیث است و از ذکر آن خودداری شده و در آدرس‌های همین حدیث موجود است و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ يَلْتَقِيَانِ فَيَصُدُّ هَذَا وَيَصُدُّ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ»^۳. «بر هیچ مسلمانی جایز نیست که با برادر خودش بیشتر از سه [روز] قهر کند و وقتی به هم می‌رسند از همدیگر روی برگردانند، و بین آن دو، شخصی بهتر است که زودتر سلام کند».

۱- صحیح بخاری: ۲۴۰۸-۵۹۷۵-۶۴۷۳-۷۲۹۲؛ صحیح مسلم: ۴۵۸۰-۴۵۸۳.

۲- صحیح بخاری: ۶۰۶۴-۶۰۶۵-۶۰۶۶-۶۰۶۷؛ صحیح مسلم: ۶۶۹۰-۶۶۹۵-۶۷۰۱-۶۷۰۳-۶۷۰۴-۶۷۰۶؛ سنن ابو داود: ۴۹۱۰؛ سنن ترمذی: ۱۹۳۵؛ سنن ابن ماجه: ۳۸۴۹؛ صححه آل‌بانی.

۳- صحیح بخاری: ۶۰۷۷-۶۲۳۷؛ صحیح مسلم: ۶۶۹۷؛ سنن ترمذی: ۱۹۳۲؛ و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

در این مورد امام بیهقی رحمته الله آورده است: «از حسن [بصری] در مورد این سخن خداوند سوال شد: ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ [الفلق: ۵]. گفت: اولین گناهی است که در آسمان است»^۱. احنف بن قیس گفته است: «پنج چیز همان‌گونه که من می‌گویم هستند: راحتی برای حسود وجود ندارد، دروغگو جوان‌مردی ندارد، پادشاهان وفا ندارند، زرنگی برای خسیس و بزرگی برای بشر بدکار»^۲. از خلیل بن احمد: «شبهه‌ترین ظالم به مظلوم حسود است زیرا او دارای حالتی دائمی و عقلی سرگشته و غمی لازم است»^۳. بشر بن حارث حافی گفته است: «دشمنی در نزدیکان و حسادت در همسایگی و منفعت در برادری است»^۴. مبرد شعری سروده است:^۵

عين الحسود عليك الدهر حارسة تبدي المساوي والإحسان تخفيه
يلقاك بالبشر يبيده مكالسة والقلب منكتم فيه الذي فيه
إن الحسود بلا جرم عداوته وليس يقبل عذرا في تجنيه

«چشم حسود در تمام ایام و زمانه نگهبان توست و زیر نظر دارد، بدی‌ها و عیب‌های تو را آشکار می‌کند، و خوبی‌ها و نیکی‌های تو را پنهان می‌نماید، حسود با تو با خوشروئی برخورد می‌کند و در ملاقات با تو بشاشت و خندیدن را آشکار می‌کند، در حالی که کینه تو را در قلب پنهان می‌سازد، انسان حسود دشمنی‌هایش بی‌جهت است، و در متهم کردن هیچ عذری را نمی‌پذیرد».

چهل و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: رعایت ارتباط با مردم

۱- شعب الإيمان: ۶۶۳۲-۶۶۳۳.

۲- شعب الإيمان: ۶۶۳۴-۸۵۰۳.

۳- شعب الإيمان: ۶۶۳۵.

۴- شعب الإيمان: ۶۶۳۶.

۵- شعب الإيمان: ۶۶۴۰.

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ [النور: ۱۹]. «همانا افرادی که دوست دارند بین کسانی که ایمان آورده‌اند فحشاء اشاعه دهند، برای‌شان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است...». و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ [النور: ۲۳]. «کسانی که به زنان مؤمن و پاکدامن و غافل [از مسائل شهوت حرام] تهمت می‌زنند در دنیا و آخرت لعن می‌شوند». در آیات و احادیث به این مسئله اشارات زیادی وجود دارد مانند حدیث ابی هریره رضی الله عنه فی صحیح مسلم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «... الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ. التَّقْوَى هَاهُنَا، وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِحَسَبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِزُّهُ»^۱. «مسلمان برادر مسلمان است و نباید به او ظلم کند و نباید او را خوار کند و نباید تحقیرش کند. تقوی اینجا است. و سه بار اشاره کرد به سینه‌اش. برای شر بودن امری همین کافی است که مسلمان برادر مسلمان خود را تحقیر کند، برای هر مسلمانی خون و مال و ناموس برادر مسلمانش حرام است». ابوذر رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسُوقِ وَلَا يَرْمِيهِ بِالْكُفْرِ إِلَّا ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ»^۲. «مردی به مردی تهمت فسق نزند و به او تهمت کفر نزد که اگر آن شخص کافر نباشد آن کلمه [کفر] به خودش بر می‌گردد [یعنی خودش کافر می‌شود]».

چهل و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: اخلاص عمل به الله تعالى و اجتناب از ریا

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البینة: ۵]. «و امر نشدند مگر به اینکه الله را مخلصانه و حق گرایانه عبادت کنند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا

۱- صحیح مسلم: ۶۷۰۶؛ سنن ترمذی: ۱۹۲۷؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۶۰۴۵.

نُؤْتِيهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾ [الشوری: ۲۰]. «هر کس که بهره آخرتی را بخواهد بر بهره‌ی او می‌افزاییم و هر کس که بهره‌ی دنیوی بخواهد از آن به او می‌دهیم و او در آخرت نصیبی نخواهد داشت». و همچنین می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾﴾ [هود: ۱۵-۱۶]. «کسانی که زندگانی دنیا و زینت آن را بخواهند، اعمال‌شان را در این دنیا به تمام و کمال به آنها بر می‌گردانیم و آنان در آن کاستی نمی‌بینند * اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش بهره نداشته و آنچه در دنیا انجام داده‌اند ضایع شده و کارهای‌شان پوچ و باطل است». همچنین می‌فرماید: ﴿...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۱۱۰]. «پس کسی که به دیدار پروردگارش امید دارد، عمل صالح انجام داده و کسی را در عبادت پروردگارش با [خداوند] شریک نگرداند [و بدون ریا عبادت کند]».

دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشُّرْكِ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكْتُهُ وَشُرْكَهُ»^۱. «خداوند تبارک و تعالی فرمود: من از شرک بی‌نیازم، هر کس عملی انجام دهد و کسی غیر از من را در آن شریک گرداند، او و شریکش را ترک می‌کنم [یعنی شخص نزد خداوند ثوابی ندارد و خداوند به نفع شریکش کنار می‌رود]». و حدیث جندب رضی الله عنه در صحیحین که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ يُسْمِعُ يُسْمِعَ اللَّهُ بِهِ وَمَنْ يُرَائِي يُرَائِي اللَّهُ بِهِ»^۲. «هر کس به دنبال شهرت باشد [در آخرت] خداوند دست او را باز می‌گرداند و هر کس ریا کاری کند خداوند ریا کاری‌اش را [در آخرت] آشکار می‌کند».

۱- صحیح مسلم: ۷۶۶۶؛ سنن ترمذی ۳۱۵۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۲۰۲-۴۲۰۳؛ و آلبانی این حدیث را با لفظی که در متن آمده، صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۶۴۹۹؛ صحیح مسلم: ۷۶۶۸.

امام بیهقی رحمته الله آورده است: از ابو حمزه شنیدم: «از ماهیت اخلاص سوال شد؟ و او گفت: عملت را طوری خالص انجام دهی که دوست نداشته باشی غیر از خداوند عز وجل کسی آن را ستایش کند».^۱ از سهل بن عبد الله آمده است: «ریا را کسی نمی‌شناسد بجز شخص با اخلاص و نفاق را کسی نمی‌شناسد بجز مؤمن و جاهل را کسی نمی‌شناسد بجز عالم و گناه را کسی نمی‌شناسد بجز کسی که [از خداوند و رسولش] اطاعت می‌کند».^۲ از ربیع بن خثیم: «هر آنچه که برای رضای خداوند نباشد، نابود شدنی و زود گذر است».^۳ از جنید آمده است: «اگر بنده [روز قیامت] طوری باشد که حاجتمندی آدم و زهد عیسی و کوشش ایوب و طالعت یحیی و استقامت ادریس و محبت [ابراهیم] خلیل و اخلاق [محمد] حبیب علیهم السلام را داشته و در قلبش ذره [این کارها را] برای غیر خداوند داشته باشد، از طرف خداوند هیچ حاجتی از وی برداشته نخواهد داشت».^۴ از زبید بن حارث الیامی: «برای هر چیزی نیت را پنهان می‌کنم حتی در خوردن و خوابیدن».^۵ از سفیان آمده است: «در باره ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص: ۸۸]. «هر چیزی هلاک می‌شود بجز ذات وی». گفت: این همان چیزی است که به خاطر آن رو به وجه الهی می‌کنم».^۶ از عن هلال بن یساف: «عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: اگر کسی از شما روزی روزه بود ریشش را روغن بزند و لباسش را مسح کند و طوری بین مردم باشد که انگار روزه نیست و اگر با دست راستش انفاق کرد آن را از دست چپش پنهان دارد و وقتی کسی از شما نماز خواند پس باب آن را پنهان دارد، همانا خداوند ستایش را تقسیم می‌کند

۱- شعب الإيمان: ۶۸۷۶.

۲- شعب الإيمان: ۶۸۸۸.

۳- شعب الإيمان: ۶۸۹۲.

۴- شعب الإيمان: ۶۸۹۲.

۵- شعب الإيمان: ۶۸۹۳.

۶- شعب الإيمان: ۶۸۹۴.

همان‌گونه که رزق را تقسیم می‌کند»^۱. ذی النون مصری گفته است: «بعضی از علماء گفته‌اند: بنده برای الله مخلص نمی‌گردد مگر اینکه دوست داشته باشد که در چاهی باشد و شناخته نشود»^۲. از بشر بن حارث از فضیل بن عیاض: «اگر با طبل و آلات موسیقی شخص مال دنیا بخورد دوست داشتنی‌تر از آن است که برای دنیا از دینش بخورد»^۳. مالک بن انس گفت: «استادم ربیعہ به من گفت: ای مالک، فکرت چیست، چه کسی پست است؟ گفتم: کسی که با دینش روزی می‌خورد. گفت: پست‌ترین پست‌ها کیست؟ گفتم: کسی که با تباه کردن دینش دنیای خود را اصلاح می‌کند. گفت: راست گفتی»^۴. از ابن اعرابی: «زیان‌کارترین زیان‌کاران کسی است که اعمال صالح خود را بین مردم آشکار می‌کند و اعمال قبیح خود را می‌پوشاند در حالی که [خداوند از نظر آگاهی] از رگ گردن به او نزدیک‌تر است»^۵. سفیان گفت: «ای جماعت قاریان سر خود را بلند کنید! بر آنچه که باید در قلب باشد خشوع را [به ظاهر] زیاد نکنید! همانا راه آشکار است پس از الله بترسید! و به آهستگی جستجو کنید! و نان‌خور مسلمانان نباشید!»^۶. از بعضی از علماء: «مؤمنین با [یاد] خدا ترسانده می‌شوند و منافقین با سلطان و ریاکاران با مردم»^۷.

چهل و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: خوشحال شدن با انجام کارهای نیک و غمگین شدن در انجام دادن کارهای زشت

۱- شعب الإيمان: ۶۹۰۱.

۲- شعب الإيمان: ۶۹۱۲.

۳- شعب الإيمان: ۶۹۳۱.

۴- شعب الإيمان: ۶۹۳۳.

۵- شعب الإيمان: ۶۹۸۷.

۶- شعب الإيمان: ۶۹۶۸.

۷- شعب الإيمان: ۶۹۶۹.

عمر بن الخطاب رضی الله عنه در خطبه فرمود: «مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ»^۱.
«هرکس نیکیش او را شاد کرده و بدیش او را ناراحت کند، او مؤمن است».

چهل و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: پاک کردن تمام گناهان با توبه

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱]. «ای مؤمنان همگی به سوی خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید». همچنین می‌فرماید: ﴿...تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا...﴾ [التحریم: ۸]. «... بسوی خداوند توبه نمائید، توبه خالصانه...». در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ [الزمر: ۵۴]. «و بسوی پروردگارتان برگردید و تسلیم امر او باشید قبل از اینکه دچار عذاب شده و یاری نشوید».

دلیل از سنت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةً مَرَّةً»^۲. «اضطراب و شوریدگی در قلب من است تا آنجا که روزی صد بار از خداوند آمرزش طلب می‌کنم».

چهل و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: قربانی کردن و عقیقه گرفتن

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْزِرْ﴾ [الکوثر: ۲]. «پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن». همچنین می‌فرماید: ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَيْرٌ...﴾ [الحج: ۳۶]. «و [قربانی] کردن شتران را برای شما از شعائر الله قرار دادیم که برای شما در آن خیر است...». همچنین می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ طُغْيَانٌ شَعَائِرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲]. «چنین است، و هر کس شعائر الهی را عظیم برشمرد پس از تقوای قلب است».

۱- سنن ترمذی: ۲۱۶۵؛ شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح مسلم: ۷۰۳۳؛ سنن ابوداود: ۱۵۱۵؛ صححه آل‌بانی.

دلیل از سنت: حدیث انس بن مالک رضی الله عنه در صحیحین: «صَحَّی النَّبِیُّ ﷺ بِكَبْشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ أَقْرَنَيْنِ ذَبَحَهُمَا بِيَدِهِ وَسَمَى وَكَبَّرَ وَوَضَعَ رِجْلَهُ عَلَى صِفَاحِهِمَا^۱». «پیامبر ﷺ دو قوچ سفید به سیاهی آمیخته شاخ‌دار قربانی نمود، با دست خودش آن دو را ذبح نمود و نام الله را برد و تکبیر گفت، و پای خود را بر پهلوی آن دو قرار داد».

چهل و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: اطاعت از ولات امر مسلمان.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ [النساء: ۵۹]. «... اطاعت کنید از الله و اطاعت کنید از رسول و صاحبان امر از خودتان...»، گفته شده اولی الامر امیران حکومتی است و گفته شده آنها علماء هستند، و احتمال بر این می‌رود که منظور هر دوی آنهاست، اگر منظور امیران حکومتی باشد به این حدیث از ابوهریره رضی الله عنه نزدیک می‌شود: پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ يُطِيعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ يَعُصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي...»^۲. «کسی که از من اطاعت کند از خداوند اطاعت نموده و کسی که از من نافرمانی کند از خداوند نافرمانی کرده است و کسی که از امیر اطاعت کند از من اطاعت کرده و کسی که از امیر نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است...». پیامبر ﷺ به ابوذر رضی الله عنه فرموده است: «أَنْ أَسْمَعَ وَأُطِيعَ وَإِنْ كَانَ عَبْدًا مُجَدَّعَ الْأَطْرَافِ...»^۳. «از [امیر] حرف شنوی داشته باش و اطاعت کن حتی اگر برده حبشی باشد که عضوهای او را بریده باشند...». «در عقیده اسلامی این اطاعت تا زمانی وجود دارد که امیر امر به حرام نکرده باشد، و اگر امیر چیز حرامی را از ما بخواهد نباید به آن عمل کنیم درست مثل عمل نکردن به امر حرامی که از طرف

۱- صحیح بخاری: ۵۵۵۸-۵۵۶۴-۵۵۶۵-۷۳۹۹؛ صحیح مسلم: ۵۱۹۹-۵۲۰۰؛ سنن ابوداود: ۲۷۹۳-۲۷۹۴؛

سنن ترمذی: ۱۴۹۴؛ سنن نسائی: ۴۳۸۷-۴۴۱۵-۴۴۱۶-۴۴۱۸؛ سنن ابن ماجه: ۳۱۲۰؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۲۹۵۷-۷۱۳۷؛ صحیح مسلم: ۴۸۵۲-۴۸۵۴؛ سنن نسائی: ۴۲۹۳؛ سنن ابن ماجه: ۲۸۹۵؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح بخاری: ۶۹۶؛ صحیح مسلم: ۱۴۹۹-۵۸۶۱-۴۸۶۲-۴۸۶۳؛ سنن ابن ماجه: ۲۸۶۲؛ صححه آلبانی.

پدر و مادر به فرزند رسیده باشد و اطاعت امر به همین شکل نیز تا زمانی وجود دارد که امیر کفر بواح نداشته و بین مسلمانان نماز برپا کند؛ برای اطلاعات بیشتر و آدرس احادیث می‌توانید به کتاب فقه السنه اثر سید سابق رحمته مراجعه نمائید. (مترجم).

پنجاهمین پایه از پایه‌های ایمان: تمسک به آنچه که جماعت نامیده می‌شود.^۱

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ [آل عمران: ۱۰۳]. «همگی به ریسمان الهی متمسک شوید و فرقه فرقه نشوید...». ابوهریره رضی الله عنه آورده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً...»^۲. «کسی که از اطاعت روی گردان شود و از جماعت جدا شود و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است...». پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّهُ سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ كَأَنَّا مَنْ كَانَ»^۳. «همه چیز می‌آید (مراد انواع فتنه است) پس هر کس که می‌خواست این امت را فرقه فرقه کند با شمشیر او را بزنید (یعنی به قتل برسانیدش) هر کس که باشد».

پنجاه و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: حکم کردن بین انسان‌ها به عدالت.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...﴾ [النساء: ۵۸]. «و وقتی بین مردم حکم می‌کنید به عدالت حکم کنید...». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۵]. «... و از خیانت‌کاران دفاع نکن». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَأَقْسُطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: ۹]. «... و عادل باشید که الله عادلان را دوست می‌دارد». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا

۱- یعنی به پیروی از شخص خاصی دین‌مان را از بقیه جدا نکنیم. (مترجم)

۲- صحیح مسلم: ۴۸۹۲-۴۸۹۴؛ سنن نسائی ۴۱۱۴؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح مسلم: ۴۹۰۲؛ سنن ابو داود: ۴۷۶۲؛ سنن نسائی: ۴۰۲۰-۴۰۲۱-۴۰۲۲؛ صححه آلبانی.

تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى... ﴿[المائدة: ۸]﴾. «... دشمنی گروهی و قومی شما را بر آن ندارد که عدالت نورزید، به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است...». از ابن مسعود رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ رَجُلٍ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَسَلَّطَهُ عَلَى هَلَكَتِهِ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٍ آتَاهُ اللَّهُ حِكْمَةً فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا». «غبطه جایز نیست مگر در دو چیز: کسی که خداوند مالی به او داده و به او همت بخشیده تا آن را در راه حق خرج کند و کسی که خداوند به حکمت بخشیده و او با آن به عدالت حکم می‌کند و آن را می‌آموزد».

پنجاه و دومین پایه از پایه‌های ایمان: امر به نیکی و دور کردن مردم از بدی.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]. «و باید از میان شما، گروهی باشند که (مردم را) به نیکی دعوت کنند، و به کار شایسته و ا دارند و از زشتی باز دارند، و آنانند که رستگارند». همچنین می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. «شما بهترین امت هستید که برای مردم خلق شده‌اید، امر به نیکی و نهی از بدی می‌کنید و به الله ایمان دارید...». همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِآنَ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۱۱-۱۱۲]. «خداوند از مؤمنین جان‌ها و اموال‌شان را می‌خرد [به بدل آنکه] برای‌شان بهشت است، [آنان این گونه‌اند] در راه الله می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند و وعده که بر وی (خداوند) در تورات و انجیل و قرآن

است و چه کسی به وعده خود وفاکننده‌تر از خداوند است؛ پس آن‌ها را بشارت دهید به تجارتی که کسب می‌کند و آن پیروزی‌ای بس عظیم است * [آنان] توبه کنندگان، عبادت کنندگان، شکر گذاران، گردندگان [در دریای شناخت خدا و محبت او و انابت و بازگشت بسوی او هستند]، رکوع و سجده کنندگان و امر کنندگان به نیکی و نهی کنندگان از کار زشت و پاس‌داران حدود خدا هستند و مؤمنان را مژده بده». همچنین می‌فرماید: ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۷۸﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۷۹﴾﴾ [المائدة: ۷۸-۷۹]. «افرادی از بنی‌اسرائیل که کفر ورزیدند به زبان داود و عیسی پسر مریم نفرین شدند، این به خاطر آن بود که نافرمانی و تجاوز می‌کردند * و از کار زشت نهی ننموده و آن را انجام می‌دادند، چه بد است کاری که انجام می‌دادند». قرآن مملو از این دو عمل است.

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ»^۱. «هر کدام از شما کار زشتی را دید آن را با دستش برطرف کند و اگر نتوانست با زبانش و اگر نتوانست با قلبش آن را نهی کند (یعنی آن را در قلبش زشت بدارد)، که [این آخری] آخرین ذره ایمان است». حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرموده است: «مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُونَ وَأَصْحَابٌ يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِنَّهَا تَخْلُفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ فَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِيَدِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِلِسَانِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةُ خَرْدَلٍ»^۲. «هیچ پیامبری قبل از من خداوند بسوی قومی نفرستاد مگر اینکه از امتش کسانی بودند که او را یاری می‌دادند و سنت او را گرفته و به امر آن اقتدا می‌کردند، سپس عده‌ی جانشین آنها می‌شدند آنچه را که می‌گفتند عمل ننموده و آنچه را امر نشده

۱- صحیح مسلم: ۱۸۶؛ سنن ابوداود: ۱۱۴۰-۴۳۴۰؛ سنن نسائی: ۵۰۰۸؛ ابن ماجه: ۴۰۱۳؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم ۱۸۸.

بودند عمل می‌کردند پس کسی که با آن [بدعت گذاران] با دستش مبارزه کند مؤمن است و کسی که با زبانش با آنها جهاد کند مؤمن است و کسی که با قلبش با آنان جهاد کند مؤمن است ولی برای کمتر از آن ذره خردلی ایمان وجود ندارد». زینب ام المؤمنین رضی الله عنها گفته است: «اسْتَيْقِظَ النَّبِيُّ ﷺ مِنَ النَّوْمِ مُحَمَّرًا وَجْهُهُ يَقُولُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبِشْرٍ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدْ اقْتَرَبَ فَتُحِ الْيَوْمَ مِنْ رَدْمٍ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجَ مِثْلُ هَذِهِ. وَعَقَدَ سُفْيَانُ بِيَدِهِ عَشْرَةً. قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْهَلِكُ وَفِينَا الصَّالِحُونَ قَالَ: «نَعَمْ إِذَا كَثُرَ الْحَبْتُ»^۱». «پیامبر ﷺ با عصبانیت از خواب بیدار شد و فرمود: لا اله الا الله وای بر عرب از شری که نزدیک شده است، امروز سدّ یاجوج و مأجوج باز شد مثل این - و سفیان بن عیینة یکی از راویان حدیث، ده انگشت دستش را به هم بست - گفتم: ای رسول الله آیا در حالی هلاک می‌شویم که بین ما صالحینی وجود داشته باشد، فرمود: بله اگر آدم خبیث زیاد شود [نیز این هلاکت خواهد بود]». امام بیهقی رحمه الله آورده است: «مالک بن دینار این آیه را خواند: ﴿وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ [النمل: ۴۸]. «در آن شهر نه نفر بودند که در زمین فساد می‌کردند و در اصلاح [آن] نمی‌کوشیدند». و امروز در هر قبیله چند نفر وجود دارند که در زمین فساد می‌کنند و آن را اصلاح نمی‌کنند^۲. همچنین از وی آمده است: «خداوند ﷻ به قریه امر کرد که عذاب داده شوند، ملائکه رفتند و گفتند: در آن بنده تو فلانی است، [خداوند] فرمود: ناله و فریاد او را به من بشنوانید! زیرا چهره‌اش به خاطر ارتکاب چیزهایی که من حرام کرده‌ام دگرگون و عصبانی نشده است»^۳. با اسناد ضعیف این حدیث از پیامبر ﷺ نیز روایت شده است. همچنین گفته است: «حب دنیا را انتخاب کرده‌ایم و بعضی از ما بعضی دیگر را به [کار نیک] امر نکرده و بعضی بعضی دیگر را [از

۱- صحیح بخاری: ۳۳۴۶-۳۵۹۸-۷۰۵۹-۷۱۳۵؛ صحیح مسلم: ۷۴۱۶-۷۴۱۸؛ سنن ترمذی: ۲۱۷۸؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۵۳؛ صححه آلبانی.

۲- شعب الإيمان: ۷۶۰۰.

۳- شعب الإيمان: ۷۵۹۴.

کار زشت] نهی ننموده است، و الله تعالی به همین خاطر ما را به حال خود وا نمی‌گذارد و نگرانم از اینکه عذاب بر ما نازل گردد»^۱. از عمر بن عبد العزیز رحمته الله آمده است: «گفته می‌شد خداوند ﷻ عموم را به خاطر گناه شخص خاصی عذاب نمی‌فرماید، ولی اگر عمل زشتی آشکارا انجام شود و آن زشت شمرده نشده [و نهی نگردد] تمامی آن قوم مستحق عذاب می‌شوند»^۲.

پنجاه و سومین پایه از پایه‌های ایمان: همکاری در کار نیک و پرهیزکاری.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...﴾ [المائدة: ۲]. «... در کار نیک و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید و در گناه و دشمنی یکدیگر را یاری ننمائید...». حدیث انس بن مالک رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرموده است: «انْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ قَالَ تَحْجِزُهُ أَوْ تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ»^۳. «برادرت را یاری بده چه ظالم باشد و چه مظلوم! مردی گفت: ای رسول الله اگر مظلوم بود [آری] ولی اگر ظالم بود چگونه او را یاری دهم؟ فرمود: او را از ظلم باز بدار که همین یاری اوست».

پنجاه و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: حیاء

در سنت آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَهُوَ يَعِظُ أَخَاهُ فِي الْحَيَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَعَاهُ فَإِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ»^۴. «رسول الله ﷺ بر مردی از انصار گذشت در حالی که آن [مرد] برادرش را از حیاء برحذر می‌داشت، رسول الله ﷺ فرمود: او را به

۱- شعب الإيمان: ۷۵۹۶.

۲- شعب الإيمان: ۷۶۰۲.

۳- صحیح بخاری: ۲۴۴۴-۶۹۵۲؛ سنن ترمذی: ۲۲۵۵؛ صححه آل‌بانی.

۴- صحیح بخاری: ۲۴-۶۱۱۸؛ صحیح مسلم: ۱۶۳؛ سنن ابوداود: ۴۷۹۵؛ سنن ترمذی: ۲۶۱۵؛ سنن نسائی: ۵۰۳۳؛

ابن ماجه: ۵۸؛ صححه آل‌بانی.

حال خودش بگذار حياء از ایمان است». حدیث عمران بن حصین رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ»^۱. «حیاء نتیجه ندارد بجز خیر». حدیث ابی سعید الخدری رضی الله عنه: «كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله أَشَدَّ حَيَاءً مِنَ الْعَذْرَاءِ فِي خَذَرِهَا فَإِذَا رَأَى شَيْئًا يَكْرَهُهُ عَرَفَنَاهُ فِي وَجْهِهِ»^۲. «پیامبر صلی الله علیه و آله از دوشیزه که در پرده [پنهان شده بود] با حیاء تر بود و اگر از چیزی کراهت می نمود آن را از چهره اش می فهمیدیم». حدیث ابی مسعود الانصاری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ التُّبَوَّةِ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ»^۳. «از چیزهایی که مردم از سخنان پیامبران قبلی فهمیده اند: اگر حیاء نمی کنی هر کاری که می خواهی انجام بده».

پنجاه و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: نیکی به پدر و مادر

زیرا الله تعالی می فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا...﴾ [الأحقاف: ۱۵]. «و انسان را به نیکی به پدر و مادر وصیت فرمودیم». همچنین می فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ٢٣﴾ [الإسراء: ۲۳-۲۴]. «و پروردگارت (چنین) مقرر داشته است که: جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها نزد تو به سن پیری رسند، (حتی) به آنها (کلمه‌ی) اف (= کمترین کلمه رنج آور) نگو، و بر (سر) آنها فریاد نزن، و با نیکی (و بزرگواران) با آنها سخن بگو* و از روی مهربانی بال فروتنی (و خاکساری) برای

۱- صحیح بخاری: ۶۱۱۷؛ صحیح مسلم: ۱۶۵؛ «الحیاء کله خیر» (حیاء همه اش خیر است): صحیح مسلم ۱۶۶ و سنن ابی داود: ۴۷۹۶ و صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۳۵۶۲-۶۱۰۲-۶۱۱۹؛ صحیح مسلم: ۶۱۷۶؛ سنن ابن ماجه: ۴۱۸۰؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح بخاری: ۳۴۸۳-۳۴۸۴-۶۱۲۰؛ سنن ابوداود: ۴۷۹۷؛ سنن ابن ماجه: ۴۱۸۳؛ صححه آلبانی.

آن‌ها فرود آور، و بگو: «پروردگارا! به آنان رحمت آور، همان‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند»..

حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنه در صحیحین که گفت: «سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَى وَفَّيْهَا. قَالَ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: ثُمَّ بُرُّ الْوَالِدَيْنِ. قَالَ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي بِهِنَّ وَلَوْ اسْتَزِدُّهُ لَزَادَنِي». «از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کردم چه عملی نزد خداوند محبوب‌تر است؟ فرمود: نماز در وقتش، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: نیکی به والدین، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه الله. [ابن مسعود گفت:] آنان را برای من بیان فرمود و اگر بیشتر می‌پرسیدم بیشتر جواب می‌داد».

پنجاه و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: صله رحم و ارتباط خویشاوندی.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ۖ﴾ [محمد: ۲۲-۲۳]. «پس آیا اگر به حکومت رسیدید، جز این (امید) است که در زمین فساد کنید، و پیوند خویشاوندان‌تان را ببرید؟! * اینان کسانی هستند که الله لعنت‌شان کرده است، پس (گوش‌های) آنان را کر نموده و چشم‌هایشان را نابینا کرده است». همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۖ﴾ [الرعد: ۲۵]. «و کسانی که پیمان الله را پس از استوار کردنش می‌شکنند، و آنچه را که الله به پیوستن آن فرمان داده؛ قطع می‌کنند، و در زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آن‌هاست، و برای آن‌ها سختی (و بدی) آن سرای (آخرت) است».

حدیث انس بن مالک رضی الله عنه در صحیحین: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ

۱- صحیح بخاری: ۵۲۷-۵۹۷۰-۷۵۳۴؛ صحیح مسلم: ۲۶۲-۲۶۴-۲۶۶؛ سنن نسائی: ۶۱۰-۶۱۱؛ شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأُ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ^۱. «کسی که دوست دارد رزق او زیاد شود و اجلس عقب بیافتد پس صله ارحام کند». پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ^۲. قَالَ سُفْيَانُ يَعْنِي قَاطِعَ رَحِمٍ». «قطع کننده وارد بهشت نمی‌شود- سفیان گفته: [قطع کننده] یعنی قطع کننده صله ارحام».

پنج‌جاه و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: اخلاق نیک و هر آنچه شامل آن می‌شود مثل فرو بردن خشم و نرم خویی و تواضع

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴]. «و همانا تو از خوی بس بزرگی برخوردار هستی». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۴]. «...و [متقین کسانی هستند که] خشم خود را فرو می‌برند و [از اشتباهات] مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

دلیل از سنت: عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما در صحیحین: «لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ ﷺ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا وَكَانَ يَقُولُ إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا^۳». «پیامبر ﷺ زشت کار و فحاش نبود و می‌گفت: بهترین شما نیک‌ترین شما در اخلاق است». و در روایتی می‌فرماید: «قَالَ إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا^۴». «دوست داشتنی‌ترین شما نزد من نیک‌ترین شما در اخلاق است». حدیث عائشه رضی الله عنها: «مَا خَيْرَ رَسُولٍ لِلَّهِ ﷺ بَيْنَ أَمْرَيْنِ إِلَّا أَخَذَ أَيْسَرَهُمَا مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ وَمَا انْتَقَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِنَفْسِهِ إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ اللَّهِ فَيَنْتَقِمَ لِلَّهِ بِهَا^۵». «پیامبر ﷺ بین دو امر یکی را انتخاب نمی‌کرد مگر آسان‌تر را، به شرط آنکه [امر آسان‌تر] گناه نبوده باشد و اگر گناه بود از همه انسان‌ها از آن

۱- صحیح بخاری: ۲۰۶۷-۵۹۸۵-۵۹۸۶؛ صحیح مسلم: ۶۶۸۷-۶۶۸۸؛ سنن ابو داود: ۱۶۹۳؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۵۹۸۴؛ صحیح مسلم: ۶۶۸۴-۶۶۸۵؛ سنن ابوداود: ۱۶۹۶؛ سنن ترمذی: ۱۹۰۹؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح بخاری: ۳۵۵۹-۶۰۲۹-۶۰۳۵؛ صحیح مسلم: ۶۱۷۷؛ سنن ترمذی: ۱۹۷۵؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح بخاری: ۳۷۵۹.

۵- صحیح بخاری: ۳۵۶۰-۶۱۲۶؛ صحیح مسلم: ۶۱۹۰-۶۱۹۳؛ سنن ابوداود: ۴۷۸۵؛ صححه آلبانی.

دورتر می‌بود، رسول الله ﷺ هیچ وقت برای خودش انتقام نمی‌گرفت، مگر آنکه حرمت الله شکسته می‌شد و آنگاه برای خداوند انتقام می‌گرفت».

امام بیهقی گفته است: «حسن الخلق به معنی سلامت نفس است، بطوری که احمد ﷺ نرم‌ترین شخص در اعمال بود و این در ذات الله تعالی نیز موجود است و آنچه بین مردم [از آن] وجود دارد ذات خداوند ﷻ است، وقتی که بنده سینه‌اش را برای اوامر و نواهی خداوند با افعالش باز می‌کند آنچه بر وی از پاکی نفس واجب شده است به نرمی می‌گراید و از آنچه بر وی حرام شده است دوری می‌کند و این [اجتناب] را با رضایت و نه بصورت اجباری به اتمام می‌رساند، و به انجام سنت‌های خیر ترغیب شده و بسیاری از مباحات را برای رضای الله تعالی ترک می‌کند و به تقدس می‌گراید و اگر ببیند ترک عملی او را به عبودیت نزدیک می‌کند شادمانه و غیر مجبورانه و بدون سخت به نظر رسیدن، آن را ترک می‌کند، و این در ارتباطات بین مردم مستولی می‌گردد حتی اگر حقوقش پایمال گردد و به آنچه در ارتباط به دیگران بر وی واجب شده است وفا می‌نماید، اگر مریض شود و عیادت نشود و از سفر برگشته و کسی به او سر نزند و سلام دهد و جواب سلام را نگیرد و به مهمانی دعوت شده و اکرامش نکنند یا شفاعت کند و شفاعتش اجابت نشود یا خوبی کند و از وی تشکر نشود یا بین قومی رود و او را تمکین نکنند یا سخن بگویند و دیگران ساکت نشوند یا از دوستش اجازه بگیرد و به او اجازه داده نشود یا خواست‌گاری کند و جواب رد بگیرد یا مهلت بخواهد و به او مهلت داده نشود یا در حق وی کوتاهی نموده و او کوتاهی ننماید و یا شبیه اینها که بر اثر آن عصبانی نشده و انتقام نگرفته و در ذاتش بدی نمی‌بیند و در درون خودش حس نمی‌کند که به او ظلم شده و اندوهگین نمی‌شود و اگر راهی برای مقابله پیدا کند این کار را نمی‌کند و ذره از حق تجاوز نکرده و به نیک‌ترین و افضل‌ترین شکل و نزدیک‌ترین حالت به نیکی و تقوی پاسخ این حالات را می‌دهد و مانند این است که از وی تشکر شده و او را راضی کرده‌اند، سپس خودش بر عکس این حالات را پاسخ می‌دهد: اگر برادرش

مریض شود او را عیادت کرده و اگر از او شفاعت خواسته شود اجابت می‌کند و اگر در پرداخت دین مهلت خواسته شود مهلت می‌دهد و اگر نیازی به کمک وی شود کمک می‌کند و اگر در تجارتی از وی آسانی خواسته شود آسان می‌گیرد و ارتباطش با دیگران به این توجه نمی‌کند که چگونه با وی برخورد شده است بلکه در ارتباطش نیک‌ترین روش را برای نفسش بر می‌گزیند و اخلاق نیک چیزی غریزی و کسب کردنی می‌باشد و اکتساب آن وقتی صحیح می‌شود که از غریزه خارج شود برای به اتمام رساندن آن باید با اهل آن معاشرت نمود، همانگونه که نظر با مجالست افراد صبور زیاد شده و عالم علم خود را با مجالست علماء زیاد کرده و صالح و عاقل، اصلاح و عقل‌شان را با مجالست صالحین و عاقلین زیاد می‌کنند و نباید منکر شد که کسی که دارای اخلاق زیباست، نیکی اخلاقش را با مجالست صاحبان اخلاق نیکو زیاد می‌کند و توفیق نزد الله است.^۱

پنجاه و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: نیکی کردن به مُلک یمین

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...﴾ [النساء: ۳۶]. «و الله را پرستید، و چیزی را با او شریک مگردانید. و به پدر و مادر نیکی کنید، و (نیز) به خویشاوندان و یتیمان و بی‌نویان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همنشین و در راه ماندگان و بردگانی که مالک آنها هستید، (نیکی کنید) بی‌گمان الله کسی را که متکبر و فخر فروش است؛ دوست نمی‌دارد». حدیث معرور بن سوید رضی الله عنه که گفت: «لَقِيتُ أَبَا ذَرٍّ بِالرَّبَذَةِ وَعَلَيْهِ حُلَّةٌ وَعَلَى غَلَامِهِ حُلَّةٌ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: إِنِّي سَابَبْتُ رَجُلًا فَعَيَّرْتُهُ بِأُمِّهِ فَقَالَ لِي النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ! أَعَيَّرْتَهُ بِأُمِّهِ إِنَّكَ أَمْرٌ فِيكَ جَاهِلِيَّةٌ، إِخْوَانُكُمْ خَوْلُكُمْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا تُكَلِّفُوهُمْ مَا يَغْلِبُهُمْ فَإِنَّ

۱- شعب الإيمان: مقدمه‌ی باب پنجاه و هفتمین پایه‌ی ایمان.

كَفَّتُمُوهُمْ فَأَعَيْنُوهُمْ»^۱. «ابوذر را در **در سختی دیدم** **ریزه دیدم** که بر او **جامه دو تکه** بود و بر غلامش هم جامه دو تکه بود؛ از او درباره آن سوال کردم و گفتم: روزی با غلامم درگیر شدم و او را (بخاطر اینکه مادرش کنیزی بود) تحقیر نمودم. رسول الله ﷺ فرمود: ای ابوذر آیا این غلام را به خاطر مادرش تحقیر نمودی؟ معلوم است که عادات جاهلیت هنوز در تو وجود دارد. غلامان و زیردستان برادران شما هستند. خداوند آنان را در اختیار شما قرار داده است. هر کسی که غلام و یا خدمت‌گذاری دارد، باید از همان غذا و لباسی که خودش استفاده می‌کند به او نیز بدهد و [علاوه بر این] به آنان دستور ندهید کاری را که از توان‌شان خارج است انجام دهند. اگر کاری به آنان واگذار کردید به آنان کمک کنید».

پنج‌ام و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: رعایت حق سرور توسط مُلک یمین

در صحیحین از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آمده است: رسول الله ﷺ فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَصَحَّ لِسَيِّدِهِ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ»^۲. «اگر غلام برای سرورش خیرخواهی کند و عبادت الله را به نیکی انجام دهد، اجرش دو برابر می‌شود». در صحیح مسلم از جریر بن عبد الله رضی الله عنه آمده: پیامبر ﷺ فرموده است: «أَيُّمَا عَبْدٍ أَبَقَ فَقَدْ بَرَّئْتُ مِنْهُ الدِّمَّةُ»^۳. «اگر برده از نزد سرورش فرار کند، دیگر حفاظت نخواهد شد». در سنن ابی داود همچنین آمده است: «إِذَا أَبَقَ الْعَبْدُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ»^۴. «اگر برده فرار کند نمازش قبول نمی‌شود تا اینکه بسوی سرورش برگردد».

ششمین پایه از پایه‌های ایمان: رعایت حقوق اولاد و همسر و آن این است که
مرد مسلمان گرداننده امور فرزند و اهلش بوده و آنچه از علوم دینی که نیازشان است به آنها بیاموزد.

۱- صحیح بخاری: ۳۰-۲۵۴۵-۶۰۵۰؛ صحیح مسلم: ۴۴۰۳-۴۴۰۵؛ سنن ابوداود: ۵۱۵۷-۵۱۵۸؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۲۵۴۶-۲۵۵۰؛ صحیح مسلم: ۴۴۰۸؛ سنن ابوداود: ۵۱۶۹؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح مسلم: ۲۳۸.

۴- سنن ترمذی: ۳۶۰؛ سنن نسائی: ۴۰۴۹؛ صححه آلبانی.

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿...قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾ [التحریم: ۶]. «...خودتان و خانواده خودتان را از آتشی حفظ کنید که هیزمش انسان و سنگ است...». حسن بصری رحمته الله درباره این آیه گفته است: «یعنی آنها را به اطاعت خداوند امر نموده و هر آنچه که از خیر است به آنها بیاموزید»^۱. حضرت علی رضی الله عنه گفته است: «به آنها بیاموزید و آنها را با ادب بار بیاورید»^۲. حدیث انس بن مالک رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ. وَضَمَّ أَصَابِعَهُ»^۳. «کسی که دو دختر را اداره نماید تا بزرگ شوند، روز قیامت طوری می‌آید که من و او [مثل این دو هستیم] و اشاره فرمود به دو انگشتش».

شصت و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: همنشینی با اهل دین و دوست داشتن‌شان و انتشار سلام بین آنها و دست دادن [هنگام ملاقات] و هر آنچه که بین آنها محبت ایجاد می‌کند.

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿...لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا...﴾ [النور: ۲۷]. «... به خانه به غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام نمائید...». حدیث ابوهریره رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا. أَوَّلًا أَدْلُكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ»^۴. «وارد بهشت نمی‌شوید مگر اینکه ایمان بیاورید و مؤمن نمی‌شوید مگر اینکه همدیگر را دوست داشته باشید، آیا شما را راهنمایی نکنم به چیزی که اگر

۱- شعب الإيمان: ۸۶۴۷

۲- شعب الإيمان: ۸۶۴۸

۳- صحیح مسلم: ۶۸۶۴؛ سنن ترمذی: ۱۹۱۴؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح مسلم: ۲۰۳؛ سنن ابوداود: ۵۱۹۳؛ سنن ترمذی: ۲۵۱۰-۲۶۸۸؛ سنن ابن ماجه: ۶۸-۳۶۹۲؛ صححه آلبانی.

انجام دهید، محبت بین شما زیاد می‌شود؟ بین خودتان سلام کردن را زیاد کنید^۱. حدیث قتاده رضی الله عنه که گفت: «به انس گفتم آیا بین صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله دست دادن وجود داشت؟ گفت: بله^۲. حدیث ابو هریره رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ الْمُتَحَابُّونَ بِجَلَالِي الْيَوْمِ أَظْلُهُمْ فِي ظِلِّي يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلِّي»^۳. «الله روز قیامت می‌فرماید: کجایند کسانی که به خاطر جلال من همدیگر را دوست دارند، آنها را زیر سایه خودم می‌گیرم، روزی که هیچ سایه جز سایه من وجود ندارد».

شصت و دومین پایه از پایه‌های ایمان: جواب سلام.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا...﴾ [النساء: ۸۶]. «و چون شما را تحیت (و سلام) گویند، پس پاسخی بهتر و یا همانند آن بدهید، الله بر همه چیز حساب‌رس است». حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ فِي الطَّرِيقَاتِ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَنَا بُدٌّ مِنْ مَجَالِسِنَا نَتَحَدَّثُ فِيهَا. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجْلِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ». قَالُوا وَمَا حَقُّهُ قَالَ: غَضُّ الْبَصَرِ وَكُفُّ الْأَذَى وَرَدُّ السَّلَامِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ^۴. «از نشستن در راه‌ها بر حذر باشید. [صحابه رضی الله عنهم] گفتند: یا رسول الله! گریزی از نشستن ما وجود ندارد و ما در آنها با هم صحبت می‌کنیم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: پس اگر در راهی نشستید حق راه را بجا آورید. گفتند: حق آن چیست؟ فرمود: کوتاه کردن نگاه [از نامحرم] و اجتناب از آزار دادن و جواب سلام دادن و امر به نیکی و نهی از زشتی، است».

۱- این در صورتی است که معنای سلام را نیز شخص در نظر داشته باشد، و معنی آن این است که سلامتی قلبی

و روحی و جسمی برای تو باشد و تو از طرف من در امن و امان هستی. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۶۲۶۳؛ سنن ترمذی: ۲۷۲۹؛ صححه آل‌بانی.

۳- صحیح مسلم: ۶۷۱۳.

۴- صحیح بخاری: ۶۲۲۹؛ صحیح مسلم: ۵۶۸۵-۵۷۷۳-۵۷۷۴؛ سنن ابو داود: ۶۲۲۹؛ صححه آل‌بانی.

شصت و سومین پایه از پایه‌های ایمان: عیادت مریض

حدیث ابن عازب رضی الله عنه: «أَمَرَنَا النَّبِيُّ ﷺ بِسَبْعٍ وَنَهَانَا عَنْ سَبْعٍ أَمَرَنَا بِاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَعِيَادَةِ الْمَرِيضِ وَإِجَابَةِ الدَّاعِي وَنَصْرِ الْمَظْلُومِ وَإِبْرَارِ الْقَسَمِ وَرَدِّ السَّلَامِ وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ وَنَهَانَا عَنْ آيَةِ الْفِضَّةِ وَخَاتَمِ الذَّهَبِ وَالْحَرِيرِ وَالذِّبَاجِ وَالْقَسِيِّ وَالْإِسْتَبْرَقِ [وَعَنْ الْمَيَاثِرِ]¹. «رسول الله ﷺ ما را به هفت چیز امر نمود و از هفت چیز نهی نمود: ما را امر کرد به تشیع جنازه، عیادت مریض، قبول دعوت، کمک و یاری به مظلوم، وفای به عهد، جواب سلام دادن و جواب عطسه؛ و ما را نهی نمود از: استفاده از ظروف نقره، انگشتر طلا، استفاده از لباس ابریشمی، استفاده از دیباج (نوعی لباس ابریشمی)، استفاده از قسی (نوعی لباس است که در آن ابریشم به کار رفته است)، استفاده از استبرق (پارچه ابریشمی کلفت) [و زین و پالانی که در آن ابریشم به کار رفته باشد]². پیامبر ﷺ فرموده است: «عَائِدُ الْمَرِيضِ فِي مُحَرَفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ»³. «عیادت کننده مریض مشغول چیدن میوه‌های بهشت است تا زمانی که از عیادت [برگردد]».

شصت و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: بجا آوردن نماز میت برای کسی از اهل قبله که فوت کرده باشد.

دلیل از سنت: حدیث ابوهریره رضی الله عنه: پیامبر ﷺ فرموده است: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ رَدُّ السَّلَامِ وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ»⁴. «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، تشیع جنازه، قبول دعوت و جواب عطسه». حدیث ثوبان رضی الله عنه: پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ صَلَّى عَلَى جَنَازَةٍ فَلَهُ

۱- صحیح بخاری: ۱۲۳۹-۵۱۷۵-۵۶۳۵-۵۶۵۰-۵۸۴۹-۶۲۲۲-۶۲۳۵؛ صحیح مسلم: ۵۵۱۰؛ سنن ترمذی: ۲۸۰۹؛ سنن نسائی: ۱۹۳۹؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۶۷۱۶-۶۷۱۷-۶۷۱۸-۶۷۱۹؛ سنن ترمذی: ۹۶۷-۹۶۸؛ سنن ابن ماجه: ۱۴۴۲؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح بخاری: ۱۲۴۰-۵۷۷۸؛ سنن ابن ماجه: ۱۴۳۵؛ صححه آلبانی.

قِرَاطٌ فَإِنْ شَهِدَ دَفَنَهَا فَلَهُ قِرَاطَانِ الْقِرَاطُ مِثْلُ أَحَدٍ^۱. «هر کس بر جنازه نماز بخواند برای او یک قیراط [ثواب] خواهد بود و اگر [بدنبال جنازه برود] و شاهد دفن آن باشد برای او دو قیراط خواهد بود؛ هر قیراط مثل کوه احد است».

شصت و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: جواب عطسه

رسول الله ﷺ فرموده است: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمَّتُوهُ فَإِنْ لَمْ يَحْمِدِ اللَّهَ فَلَا تُشَمَّتُوهُ»^۲. «اگر کسی از شما عطسه کرد و الله را حمد گفت، جواب عطسه او را بدهید و اگر الله را حمد ننمود، پس جواب او را ندهید»^۳.

شصت و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: دوری از کافران و مفسدین و تندی کردن با آنها.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْلَةً...﴾ [آل عمران: ۲۸]. «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست و ولی خود بگیرند، و هر کس چنین کند، با الله هیچ رابطه ندارند و (عهد و پیمان او با الله گسسته شده است). مگر اینکه (از آزار و اذیت) آن‌ها بترسید». همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ جَاهَدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ [التوبة: ۷۳]. «ای پیامبر! با کافران و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت بگیر...». همچنین می‌فرماید: ﴿...فَقَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...﴾ [التوبة: ۱۲۳]. «... با کسانی که از کافران که نزدیک شمایند، جنگ کنید، و باید آن‌ها در شما شدت و درشتی بیابند». همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ

۱- صحیح مسلم: ۲۲۳۵-۲۲۳۷-۲۲۳۹؛ سنن ترمذی: ۱۰۴۰؛ سنن نسائی: ۱۹۹۴؛ سنن ابن ماجه: ۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۷۶۷۹.

۳- جواب «الحمد لله» بعد از عطسه: «يَرْحَمُكَ اللهُ» است. (مترجم)

تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ... ﴿[المتحنة: ۱]﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید که با آن‌ها طمع دوستی می‌افکنید، در حالی که آن‌ها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند، و رسول الله و شما را به خاطر ایمان آوردن به الله که پروردگارتان است (از شهر و دیارتان) بیرون می‌کنند، اگر شما برای جهاد در راه من (بیرون آمده‌اید) و برای خشنودی من هجرت کرده‌اید (هرگز پیوند دوستی با آن‌ها برقرار نکنید)...». همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عِبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۳﴾﴾ قُلْ إِنْ كَانَ عِبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿۲۴﴾﴾ [التوبة: ۲۳-۲۴]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پدران خود و برادران خود را دوستان (و اولیاء) خود قرار ندهید، اگر کفر را بر ایمان ترجیح دادند، و کسانی از شما که آنان را دوست (و ولی) خود قرار دهند، پس آنان ستمکارانند * بگو: «اگر پدران‌تان، و فرزندان‌تان، و برادران‌تان و همسران‌تان، و خویشاوندان‌تان، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد آن می‌ترسید، و خانه‌هایی که بدان دلخوش هستید، در نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر است، پس منتظر باشید، تا الله فرمان (عذاب) خویش را بیاورد، و الله گروه نافرمان را هدایت نمی‌کند». آیات دیگری نیز در همین زمینه مثل این آیات وجود دارد.

دلیل از سنت: حدیث ابوهریره رضی الله عنه: رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا تَبْدَءُوا الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَى بِالسَّلَامِ فَإِذَا لَقِيتُمْ أَحَدَهُمْ فِي طَرِيقٍ فَاصْطَرُّوهُ إِلَى أَضْيَقِهِ». «به یهودیان و

مسیحیان اول سلام نکنید و اگر آنان را در راهی دیدید، راه را بر آنان تنگ ننمائید». حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا تُصَاحِبْ إِلَّا مُؤْمِنًا، وَلَا يَأْكُلْ طَعَامَكَ إِلَّا تَقِيًّا»^۱. «همنشین مشو مگر با مؤمن و غذایت را کسی نخورد بجز متقی».

شصت و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: گرامی داشتن همسایه و رعایت حقوق آن: زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنُبِ...﴾ [النساء: ۳۶]. «... و به پدر و مادر نیکی کنید، و (نیز) به خویشاوندان و یتیمان و بی‌نوا یان و همسایه خویشاوند و همسایه بی‌گانه...». در تفسیر ﴿الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ «الجار ذی القربی» همسایه مجاور و خویشاوند و ﴿الْجَارِ الْجُنُبِ﴾ دور و دیوار به دیوار نبودن و ﴿الصَّاحِبِ بِالْجَنُبِ﴾ همراه در سفر، از ابن عباس و مجاهد و قتاده و الکلبی و مقاتل بن حیان و مقاتل بن سلیمان: ﴿الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى﴾ کسی است که بین تو و او خوشاوندی وجود دارد و ﴿الْجَارِ الْجُنُبِ﴾ بی‌گانه از تو و ﴿الصَّاحِبِ بِالْجَنُبِ﴾ همراه در سفر و مقاتل بن سلیمان اضافه از آن گفته است: ﴿الصَّاحِبِ بِالْجَنُبِ﴾ او همراه در سفر و حضر می‌باشد و از علی و عبد الله بن مسعود و ابراهیم و غیره رضی الله عنهم ﴿الصَّاحِبِ بِالْجَنُبِ﴾ همانا آن زن است و از سعید بن جبیر در روایتی همان‌گونه آمده است و در روایتی به معنی رفیق صالح آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَا زَالَ يُوصِيَنِي جَبْرِيلُ بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ»^۲. «جبرئیل آنقدر به [حقوق] همسایه توصیه نمود که فکر کردم او ارث می‌برد». همچنین به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: زنی است که روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها نماز شب می‌خواند ولی همسایه‌های خود را آزار می‌دهد

۱- سنن ابوداود: ۴۸۳۲؛ سنن ترمذی: ۲۳۹۵؛ حسنه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۶۰۱۴-۶۰۱۵؛ صحیح مسلم: ۶۸۵۴؛ سنن ابوداود: ۵۱۵۲؛ سنن ترمذی: ۱۹۴۲-۱۹۴۳؛ سنن ابن ماجه: ۳۶۷۳-۳۶۷۴؛ صححه آلبانی.

حال او چگونه است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «لَا خَيْرَ فِيهَا هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ»^۱. «خیری در او نیست و از اهل جهنم می‌باشد». و همچنین ﷺ فرموده است: «وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ قِيلَ وَمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ»^۲. «قسم به خدا مؤمن نیست، قسم به خدا مؤمن نیست، قسم به خدا مؤمن نیست، گفته شد یا رسول الله چه کسی؟ فرمود: کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد».

امام بیهقی رحمه الله با اسنادش آورده است: عبد الله بن عباس رحمه الله گفته است: پیامبر ﷺ فرمود: «سه دسته هستند که کسی جز پروردگار جهانیان به خاطر من به آنها پاداش نمی‌دهد: مردی که مجلس خود را برای من باز می‌کند و مردی که از مردم و محل نشستن آنها پیشی می‌گیرد تا بسوی من بیاید و مردی که حاجتش را در شب یاد کرده و مرا ببیند که از اهل آن می‌باشم، پاداش نمی‌دهد به خاطر من بجز پروردگار جهانیان»^۳.

شصت و هشتمین پایه از پایه‌های ایمان: گرامی داشتن مهمان

حدیث ابی شریح عدوی رحمه الله گفته است با گوشم شنیدم و با چشمم دیدم وقتی که رسول الله سخن می‌گفت: او ﷺ فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ جَائِزَتُهُ قَالَ وَمَا جَائِزَتُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ وَالضِّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا كَانَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَهُوَ صَدَقَهُ عَلَيْهِ وَمَنْ كَانَ

۱- الاحادیث الصحیحه ألبانی: ۱۹۰؛ الادب المفرد بخاری: ۱۱۹؛ و رواه ابن حبان و حاکم. (ای حدیث توسط مترجم اضافه شده است)

۲- صحیح بخاری: ۶۰۱۶؛ و به روایت مسلم: «کسی که همسایه‌اش از شر او ایمن نباشد، وارد بهشت نمی‌شود» (صحیح مسلم: ۴۶). (ای حدیث توسط مترجم اضافه شده است)

۳- شعب الإيمان: ۹۵۷۰.

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْفِلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصُمْتُ»^۱. «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را گرامی بدارد! و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد مهمانش را به [اندازه] هدیه‌اش گرامی بدارد و گفت: ای رسول الله هدیه او چیست؟ فرمود: روزی و شبی و مهمانی او سه شبانه روز است و اگر از این بیشتر شد صدقه محسوب می‌شود و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد سخن خیر بگوید و گرنه سکوت کند».

شصت و نهمین پایه از پایه‌های ایمان: پوشاندن عیوب اهل گناه

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ [النور: ۱۹]. «همانا کسانی که دوست دارند بین افرادی که ایمان آورده‌اند عمل فاحشه را بگسترانند برای آنها عذاب دردناکی در دنیا و آخرت خواهد بود...». پیامبر ﷺ فرموده است: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲. «مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ظلم می‌کند و نه او را تسلیم [ظالم] می‌کند، هر کس در صدد بر طرف کردن نیاز برادر خویش باشد خداوند در صدد نیاز وی می‌شود، و هر کس مشکل بزرگی از مسلمانی را حل نماید، خداوند مشکل بزرگی از وی را روز قیامت بر طرف می‌سازد و کسی که [عیب] مسلمانی را بپوشاند خداوند روز قیامت [عیب] او را می‌پوشاند».

هفتادمین پایه از پایه‌های ایمان: صبر بر مشکلات و صبر بر مسائل بدی که نفس به آنها امر می‌کند، مانند لذت و شهوت

۱- صحیح بخاری: ۶۰۱۸-۶۰۱۹-۶۱۳۵-۶۱۳۶-۶۱۳۸-۶۴۷۵-۶۴۷۶؛ صحیح مسلم: ۱۸۲-۱۸۳-۱۸۵-۴۶۱۰؛ سنن ابو داود: ۳۷۶۸-۵۱۵۴؛ سنن ترمذی: ۱۹۶۷-۲۵۰۰؛ سنن ابن ماجه: ۳۶۷۲-۳۶۷۵؛ صححه آل‌بانی.

۲- صحیح بخاری: ۲۴۴۲؛ صحیح مسلم: ۶۷۴۳؛ سنن ابو داود: ۴۸۹۳؛ سنن ترمذی: ۱۴۲۶؛ صححه آل‌بانی.

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵]. «بوسیله صبر و نماز [از الله] کمک بجوئید و آن (نماز) بسی سنگین است بجز برای فروتنان». و از مجاهد و غیره آمده است منظور از صبر روزه است. و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿...وَبَثِّرِ الصَّابِرِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ ۝ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷]. «... و بشارت بده به صابرين * کسانی که وقتی به آنها مصیبتی می‌رسد، می‌گویند: ما برای الله هستیم و بسوی او باز می‌گردیم» * این‌ها هستند که درودها و رحمتی از پروردگارشان بر ایشان است و اینانند هدایت یافتگان» همچنین می‌فرماید: ﴿...إِنَّمَا يُوقِ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰]. «... جز این نیست که صابران، پاداش خود را بی‌شمار و تمام دریافت می‌دارند». در این زمینه آیات دیگر هم وجود دارد.

حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه در صحیحین: «أَنَّ نَاسًا مِنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَأَعْطَاهُمْ ثُمَّ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتَّى إِذَا نَفَدَ مَا عِنْدَهُ قَالَ: مَا يَكُنْ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهُ عَنْكُمْ وَمَنْ يَسْتَغْفِرْ يُعَفِّهِ اللَّهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ وَمَنْ يَصْرِ يَصْرِهُ اللَّهُ وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْ عَطَاءٍ خَيْرٌ وَأَوْسَعُ مِنَ الصَّبْرِ»^۱. «عده‌ای از انصار از رسول الله تقاضای کمک مالی کردند، او نیز به آنها [از آنچه که داشت] عطا نمود سپس باز از او تقاضای [مال] کردند و او آن را به ایشان عطا نمود تا آنجا که هیچ چیز نزد او باقی نماند، [و] فرمود: هر آنچه که از خیر نزد من باشد به شما [می‌دهم] و آن را برای خودم ذخیره [ی دنیایی] نمی‌نمایم ولی هرکس از طلب کردن عفت پیشه کند، خداوند او را از طلب بی‌نیاز می‌فرماید و کسی که استغنا کند (و از کسی چیزی نخواهد)، خداوند او را بی‌نیاز می‌فرماید و کسی که طلب صبر

۱- وقتی به انسان مصیبتی می‌رسد، اگر با این ذکر یاد قیامت و وحشت آن بیافتد و بداند که هر صبری اجری دارد، و همان اجر ممکن است او را از جهنم نجات دهد، بر اثر این ذکر صبرش زیاد می‌شود. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۱۴۶۹؛ صحیح مسلم: ۲۴۷۱؛ سنن ابوداود: ۱۶۴۴؛ سنن ترمذی: ۲۰۲۴؛ سنن نسائی: ۲۵۸۸؛ صححه آلبانی.

نماید خداوند صبر به وی عطا می‌فرماید، و هیچ چیزی به شخصی عطا نشده است که خیرتر و فراخ‌تر از صبر باشد». حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه: «دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يُوعَكُ وَعَكًا شَدِيدًا فَمَسِسْتُهِ بِيَدِي فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّكَ لَتُوعَكُ وَعَكًا شَدِيدًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَجَلٌ إِنِّي أُوْعَكُ كَمَا يُوعَكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ فَقُلْتُ ذَلِكَ أَنَّ لَكَ أَجْرَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَجَلٌ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذَى مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَظَّ اللَّهِ لَهُ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا»^۱. «به نزد رسول الله ﷺ رفتم و به تب شدیدی دچار شده بود، با دست خود او را لمس کردم و گفتم: ای رسول الله شما شدیدا تب کرده‌اید! فرمود: بله! من وقتی تب می‌کنم دو برابر بقیه تب می‌کنم، گفتم: این به خاطر آن است که برای شما دو برابر اجر باشد؟ رسول الله ﷺ فرمود: بله! سپس رسول الله ﷺ [ادامه داد] و فرمود: مسلمانی نیست که دچار اذیت و مرضی شود مگر آنکه خداوند گناهانش را می‌ریزد همان‌گونه که درخت برگ‌هایش را می‌ریزد».

هفتاد و یکمین پایه از پایه‌های ایمان: زهد و کوتاه کردن آرزو[های دنیوی]

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا...﴾ [محمد: ۱۸]. «پس آیا منتظر قیامت هستند که ناگهان به سراغ‌شان بیاید؟ و [در حالی که] علائم و نشانه‌های آن ظاهر گردیده است...».

پیامبر ﷺ فرموده است: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ. قَالَ وَصَمَّ السَّبَابَةَ وَالْوُسْطَى»^۲. «برانگیخته شدن من و قیامت مانند این دو است و اشاره فرمود به دو انگشت سبابه و وسطی».

از ابن عباس رضی الله عنهما: پیامبر ﷺ فرموده است: «نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ الثَّانِي

۱- صحیح بخاری: ۵۶۴۷-۵۶۴۸-۵۶۶۰-۵۶۶۱-۵۶۶۷؛ صحیح مسلم: ۶۷۲۴.

۲- صحیح بخاری: ۴۹۳۶-۵۳۰۱-۶۵۰۳-۶۵۰۴-۶۵۰۵؛ صحیح مسلم: ۲۰۴۲-۷۵۹۲-۷۵۹۳-۷۵۹۴؛ سنن ترمذی: ۲۲۱۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۵-۴۰۴۰؛ صححه آلبانی.

الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ^۱. «دو نعمت هستند که انسان‌ها از آنها بی‌بهره و ضرر کرده می‌باشند: سلامتی و اوقات فراغت».

ابو عصمه محمد بن احمد سجستانی در بصره خطاب به خودش شعری سروده است^۲:

أنبأنا خير بني آدم وما على أحمد إلا البلاغ
الناس مغبونون في نعمتي صحة أبدانهم والفرغ

«بهترین انسان از بین فرزندان آدم (پیامبر ﷺ)، احمد ﷺ به جز ابلاغ [وظیفه] دیگری نداشت، انسان‌ها در دو نعمت زیان‌کارند، سلامتی بدن‌شان و اوقات فراغت».

حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه در صحیح مسلم: پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنَى إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النَّسَاءِ»^۳. «دنیا شیرین، زیبا و سرسبز است و خداوند شما را در آن جانشین گردانده است تا ببیند چگونه عمل می‌کنید، از دنیا بپرهیزید و از زنان نیز بپرهیزید زیرا نخستین گمراهی بنی‌اسرائیل (یهودان) در خصوص زنان بود».

هفتاد و دومین پایه از پایه‌های ایمان: غیرت داشتن و ترک بی‌ناموسی.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾ [التحریم: ۶]. «...خودتان و خانواده‌ی خودتان را از آتشی حفظ کنید که هیزمش انسان و سنگ است...». همچنین می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ [النور: ۳۱]. «و به زنان مؤمن بگو نگاه خود را [از نامحرم] کوتاه کنند و پاکدامنی کنند...».

۱- صحیح بخاری: ۶۴۱۲؛ سنن ترمذی: ۲۳۰۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۱۷۰؛ صححه آلبانی.

۲- شعب الإيمان: ۱۰۲۵۱.

۳- صحیح مسلم: ۷۱۲۴.

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ وَغَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ»^۱. «همانا خداوند به غیرت می‌افتد و همانا مؤمن به غیرت می‌افتد، و خداوند وقتی به غیرت می‌افتد که مؤمن کاری را انجام دهد که بر وی حرام شده است». حدیث ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ عِنْدَهَا وَفِي الْبَيْتِ مُحْنَثٌ فَقَالَ الْمُحْنَثُ لِأَخِي أُمِّ سَلَمَةَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي أُمَيَّةٍ إِنَّ فَتَحَ اللَّهُ لَكُمْ الطَّائِفَ غَدًا أَذْلُكَ عَلَى بِنْتِ غِيلَانَ فَإِنَّهَا تُقْبَلُ بِأَرْبَعٍ وَتُدْبِرُ بِثَمَانٍ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا يَدْخُلَنَّ هَذَا عَلَيْكُنَّ»^۲. «پیامبر ﷺ نزد وی بود در حالی که در خانه شخص مخنثی بود و آن مخنث به برادر ام سلمه عبدالله بن امیه گفت: اگر فردا به اذن خداوند طائف فتح شد، تو را به دختر غیلان توصیه می‌کنم، زیرا اگر به او از جلو بنگری چهار [چین خوردگی] و اگر از پشت بنگری هشت [چین خوردگی] می‌بینی؛ پیامبر ﷺ فرمود: چنین کسی را نزد خود راه ندهید». از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است: پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ، وَإِنَّ الْمَدَاءَ مِنَ النِّفَاقِ»^۳. «غیرت از ایمان است و بی‌ناموسی از نفاق و بی‌ناموس دیوث^۴ است». حلیمی گفته است: المداء به معنی جمع شدن مردان و زنان و خلوت کردن آنها و خارج شدن مزی است و از ریشه «المذی» می‌باشد گفته شده است: آن ارسال مردان با زنان است و وقتی گفته می‌شود «مذیت الفرس» یعنی آن را برای چریدن فرستاده‌ای».

هفتاد و سومین پایه از پایه‌های ایمان: روی برگرداندن از سخن یهوده.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝۱ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۝۲ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۝۳﴾ [المؤمنون: ۱-۳]. «همانا رستگار شده‌اند مؤمنین *

۱- صحیح بخاری: ۵۲۲۳؛ صحیح مسلم: ۷۱۷۱؛ سنن ترمذی: ۱۱۶۸؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۵۳۲۴-۵۲۳۵-۵۸۸۷.

۳- شعب الإيمان: ۱۰۷۹۷؛ مصنف عبدالرزاق: (۱۰/۱۹۵۲۱)؛ ضعه آلبانی: ضعیف الجامع: ۱۵۱۲.

۴- از پیامبر ﷺ پرسیدند دیوث کیست؟ فرمود: کسی که عمل زشت را نزد اهلش انجام می‌دهد. (حادی الأرواح إلی

بلاد الأفراح از ابن قیم). (مترجم)

کسانی که در نمازشان خاشعند * و کسانی که از سخن بیهوده روی بر می‌گردانند». همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ۚ﴾ [الفرقان: ۷۲]. «و [عباد الرحمن] کسانی هستند که گواهی دروغ نمی‌دهند و اگر با سخن بیهوده برخورد کنند، بزرگوارانه می‌گذرند». همچنین می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾ [القصص: ۵۵]. «و وقتی سخن لغوی می‌شنوند از آن روی بر می‌گردانند...». لغو باطلی است که احتیاجی به آن نیست و به نیت درست گفته نمی‌شود و برای گوینده آن فائده ندارد و گاهی وبال گردن وی می‌شود. رسول الله ﷺ فرموده است: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ»^۱. «از نیک بودن اسلام شخص این است که آنچه به وی فائده نمی‌رساند ترک کند». و در این مورد امام بیهقی رحمه الله آورده است: ذا النون گفته است: «کسی که خدا را دوست دارد زندگی می‌کند و کسی که به غیر او مایل می‌گردد سبک می‌شود و احمق روز و شب در پی تباهی و نابودی است و عاقل در پی جستجوی آنچه برای خودش خطر دارد می‌باشد».

هفتاد و چهارمین پایه از پایه‌های ایمان: بخشدگی و دست و دلبازی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۚ﴾ [الزمر: ۳۳] ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ...﴾ [آل عمران: ۱۳۳-۱۳۴]. «بشتابید بسوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی که عرض آن به اندازه آسمان‌ها و زمین است [و] وعده داده شده است به متقین: * کسانی که در حال ثروتمندی و فقر مال‌شان را انفاق می‌کنند...». آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و در مورد کسی که بر عکس عمل نموده یعنی خساست می‌نماید می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ۚ﴾ [النساء: ۳۷]. «کسانی که خساست می‌ورزند [و انفاق نمی‌کنند] و مردم را به خساست [و انفاق نکردن] امر

۱- ابوداود؛ سنن ترمذی: ۲۳۱۷-۲۳۱۸؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۷۶؛ صححه آل‌بانی.

می‌نمایند و آنچه را که خداوند از فضلش به آنان عطا فرموده است، می‌پوشانند و برای کافری عذاب خوار کننده خواهد بود». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَفْسِهِ...﴾ [محمد: ۳۸]. «و کسی که خساست کند [و انفاق ننماید] فقط به ضرر خودش خساست کرده است...». و می‌فرماید: ﴿...وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: ۹]. «و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان بمانند همانا از رستگارانند». و آیات دیگری که در این زمینه وجود دارد.

دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه در صحیحین: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا لِلَّهِمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا وَيَقُولُ الْآخَرُ لِلَّهِمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلَفًا»^۱. «روزی نیست که بندگان صبح کنند بجز اینکه دو ملائک نازل می‌شوند و یکی از آنها می‌گوید: خداوندا کسی که انفاق می‌کند به او عوض بده و دیگری می‌گوید: به کسی که از انفاق خودداری می‌کند ضرر و زیان برسان».

هفتاد و پنجمین پایه از پایه‌های ایمان: محبت کردن به کوچکتر و احترام به بزرگ‌تر

دلیل از سنت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^۲. «کسی که به مردم رحم نکند خداوند عز و جل به او رحم نمی‌کند». همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِائَةً جُزْءٍ فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَا حِمُّ الْخَلْقِ حَتَّى تَرْفَعَ الْقَرْسُ حَافِرَهَا عَنْ وَلَدِهَا خَشْيَةً أَنْ

۱- صحیح بخاری: ۱۴۴۲؛ صحیح مسلم: ۲۳۸۳.

۲- صحیح بخاری: ۷۳۷۶؛ صحیح مسلم: ۶۱۷۲؛ سنن ترمذی: ۱۹۲۲-۲۳۸۱؛ صححه آلبانی. و با این لفظ: «إِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الرَّحْمَاءَ». «خداوند فقط به بندگان که رحم می‌کنند رحم می‌کند» صحیح بخاری: ۱۲۸۴-۵۶۵۵-۶۶۵۵-۷۳۷۷-۷۴۴۸؛ صحیح مسلم: ۲۱۷۴؛ سنن ابو داود: ۳۱۲۵؛ سنن نسائی: ۱۸۶۸؛ سنن ابن ماجه: ۱۵۸۸؛ صححه آلبانی. و با این لفظ: «إِنَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ». «کسی که رحم نکند رحم کرده نمی‌شود». بخاری: ۵۹۹۷-۶۰۱۳؛ مسلم: ۶۱۷۰؛ سنن ابو داود: ۵۲۱۸؛ سنن ترمذی: ۱۹۱۱؛ صححه آلبانی.

تُصِيبُهُ»^۱. «خداوند رحمت خود را به صد قسمت تقسیم نموده است، نود و نه قسمت را نزد خودش نگه داشته و یک قسمتش را به زمین فرستاده است، و از همین یک قسمت است که مخلوقات به یکدیگر مهربانی می‌کنند تا جایی که اسب، سم‌اش را بلند می‌کند که مبادا به کره‌اش آسیبی برسد». همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا، وَيَعْرِفْ حَقَّ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا»^۲. «کسی که به کوچک‌تر ما مهربانی نکند و به بزرگ‌تر ما احترام نگذارد از ما نیست». همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «كَبِّرِ الْكُبَرَى»^۳. «بزرگ‌ترها [در سن] را بزرگ بدار». و در جای دیگر می‌فرماید: «وَلْيُؤْمَرْكُمْ أَكْبَرُكُمْ»^۴. «بزرگ‌تر شما امامت [نماز] کند».

هفتاد و ششمین پایه از پایه‌های ایمان: اصلاح ارتباط بین مردم

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۴]. «در بسیاری از درگوشی صحبت کردن آنان خیری وجود ندارد مگر کسی که اگر به صدقه یا معروفی نماید، یا بین مردم اصلاح برقرار کند و هر کس این کار را برای بدست آوردن رضایت‌های الله انجام دهد پس اجر عظیمی به وی می‌دهیم». همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۰]. «همانا فقط مؤمنین با هم برادرند پس بین برادران‌تان اصلاح برقرار کنید...». یعنی بین هر دو نفر از آنها.

ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط رضی الله عنها در صحیحین آورده است: پیامبر ﷺ فرمود: «لَيْسَ الْكَذَّابُ الَّذِي يُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ وَيَقُولُ خَيْرًا وَيَنْمِي خَيْرًا»^۵. و در روایت مسلم اضافه می‌کند: «وَلَمْ أَسْمَعْ يُرَخَّصْ فِي شَيْءٍ مِّمَّا يَقُولُ النَّاسُ كَذِبٌ إِلَّا فِي ثَلَاثِ الْحَرْبِ»

۱- صحیح بخاری: ۶۰۰۰؛ صحیح مسلم: ۷۱۴۸.

۲- سنن ابو داود: ۴۹۴۳؛ سنن ترمذی: ۱۹۱۹-۹۱۲۰؛ شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

۳- صحیح بخاری: ۶۱۴۲ و ۶۱۴۳؛ صحیح مسلم: ۴۴۳۴-۴۴۳۵؛ سنن نسائی: ۴۷۱۲؛ صححه آل‌بانی.

۴- صحیح بخاری: ۶۲۸-۶۸۵-۸۱۹-۷۲۴۶؛ سنن نسائی: ۶۳۵؛ صححه آل‌بانی.

۵- صحیح بخاری: ۲۶۹۲؛ صحیح مسلم: ۶۷۹۹.

وَالْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ وَحَدِيثُ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ وَحَدِيثُ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا^۱. «نشنیده‌ام که به جز سه چیز که انسان‌ها به یکدیگر می‌گویند، اجازه داده شده باشد: جنگ و اصلاح بین مردم و سخن مرد با زنش و زن با همسرش».

هفتاد و هفتمین پایه از پایه‌های ایمان: شخص چیزی را که برای خود دوست دارد برای برادر مسلمان خود نیز دوست داشته و آنچه را که خود نمی‌پسندد برای او نیز نپسندد و جمع کردن چیزی که مزاحم راه رفتن مردم می‌باشد [مانند سنگ و خاشاک موجود در معابر].

دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه در صحیحین: «الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ أَوْ بِضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ»^۲. «ایمان شصت و اند یا هفتاد و اندی پایه دارد بالاترین آن گفتن: هیچ پرستش شونده بر حق جز الله وجود ندارد، است و پائین‌ترین آن رفع اذیت از سر راه مردم و حیاء پایه از ایمان است». حدیث انس فی صحیح بخاری: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^۳. «کسی از شما ایمان نمی‌آورد مگر آنچه را برای خود دوست دارد برای برادرش [نیز] دوست داشته باشد». حدیث جریر بن عبدالله در صحیحین: «بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالتَّصَدُّعِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ»^۴. «با رسول الله صلی الله علیه و آله بر پیا کردن نماز و دادن زکات و خیرخواهی برای هر مسلمان، بیعت نمودم». و ما توفیقی إلا بالله، به حمد الله در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۰ کار ترجمه به پایان رسید.

۱- صحیح مسلم: ۶۷۹۹، سنن ابوداود: ۴۹۲۱؛ سنن ترمذی: ۱۹۳۹؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۹؛ صحیح مسلم: ۱۶۱-۱۶۲؛ سنن ابوداود: ۴۶۷۶؛ سنن ترمذی: ۲۶۱۴؛ سنن نسائی: ۵۰۰۵؛ سنن ابن ماجه: ۵۷؛ صححه آلبانی. و این لفظ مسلم است.

۳- صحیح بخاری: ۱۳؛ صحیح مسلم: ۱۷۹-۱۸۰؛ سنن ترمذی: ۲۵۱۵؛ سنن نسائی: ۵۰۱۶-۵۰۱۷-۵۰۳۹؛ سنن ابن ماجه: ۶۶؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح بخاری: ۵۷-۵۲۴-۱۴۰۱-۲۷۱۵؛ صحیح مسلم: ۲۰۸؛ سنن ترمذی: ۱۹۲۵؛ سنن نسائی: ۴۱۷۵؛ صححه آلبانی.

منابعی که در ترجمه از آنان استفاده نمودم:

- ۱- تفسیر راستین از شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی رحمته.
- ۲- مختصر صحیح بخاری ترجمه مولوی عبدالقادر ترشابی حفظه الله.
- ۳- شعب الایمان امام بیهقی رحمته چاپ دارالفکر.
- ۴- ریاض الصالحین امام نووی رحمته.
- ۵- صحیح بخاری، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۶- صحیح مسلم، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۷- سنن ابو داود، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۸- سنن ترمذی، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۹- سنن نسائی، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۱۰- سنن ابن ماجه، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۱۱- فتح الباری ابن حجر عسقلانی، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۱۲- شرح النووی علی المسلم، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- ۱۳- تفسیر ابن کثیر چاپ دارالآفاق العربیة.
- ۱۴- لغت نامه المنجد.
- ۱۵- فرهنگ معاصر عربی - فارسی چاپ نشر نی.